
سخنان
قدسی
چاپ چهارم

بسم الله الرحمن الرحیم

سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم...

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم... ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
اشاره ----- ۶
پیشگفتار ----- ۱۰
مناجات خدا با موسی علیه السلام (یا موسیٰ) ----- ۱۸
اشاره ----- ۱۸
مناجات خدا با موسیٰ علیه السلام ----- ۲۰
پندهای خدا به عیسیٰ علیه السلام (یا عیسیٰ) ----- ۴۸
اشاره ----- ۴۸
مواعظ اللّه تعالی لعِیسَی علیه السلام ----- ۴۹
پندهای خدا به عِیسیٰ علیه السلام ----- ۵۰
حدیث معراج (یا أحمد) ----- ۹۴
اشاره ----- ۹۴
حَدِیثُ لَیلهِ المعراجِ ----- ۹۵
حَدِیثُ شب معراج ----- ۹۶
فهرست منابع ----- ۱۴۷
درباره مرکز ----- ۱۴۸

سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم...

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم.../ تهیه و تنظیم موسسه پیام امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر : قم: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۴۲ ص.؛ ۱۱×۵/۱۹ س م.

شابک : ۶۰۰۰ریال:۹۶۴-۹۰۰۶۹-۷-۴ ؛ ۶۰۰۰ ریال(چاپ دوم) ؛ ۱۲۵۰۰ ریال(چاپ سوم) ؛ ۲۷۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)

یادداشت : چاپ دوم:۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ سوم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ پنجم : ۱۳۹۲.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : سخن خدا با سه پیامبر اولی العظم

موضوع : احادیث قدسی

موضوع : احادیث خاص (معراج)

شناسه افزوده : موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره : BP۱۳۹/۵/س ۳ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۲۵۵۸۷

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

اهداء:

به صاحب عزت وکرامت: سید الشهداء علیه السلام

به ولی اللّه الناصح: امام علی الهادی علیه السلام

به صاحب الزمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف

ص:۵

پیشگفتار

در روزگار غربت معنویت که مردم جهان با سرعت تمام به سوی مادیات وشهوات می تازند و از خود بیگانگان هیچ مسلك ومذهبی را جز در دایرهٔ خود کامگی، و انسان مداری برای بشر تجویز نمی کنند، عرضهٔ پیامهای معنوی، گشودن روزنه ای است به ماورای این خود خواهی ها، وتلاشی است برای زدودن زنگار دنیازدگی از جان انسان فراموشکارِ بریده از آسمان وچسبیده به خاك، شاید که جوهره وجودی خود را که آسمانی است به یاد آورد وچشم دل به سوی آنچه نادیدنی است بگشاید.

چه بسا شعله ای وجرقه ای در دل تاریکی، راه را روشن نماید و باشد که نسیم رحمتی پردهٔ غفلت را کنار زند و اشرف

ص:۹

مخلوقـات را که امروز غریق دریـای حیوانیّت و پستی است به کشتی نجات و ساحل انسانیت رهنمون شود، و ارتباط قطع شـده بین زمین و آسمان برقرار گردد.

«احـادیث قدسـی» نوعی از این پیامهای روحانی و هشـدارهای معنوی است که خداونـد مهربان در آنها با پیامبران خود به زبان پند و اندرز سخن گفته و ابواب حکمت و معرفت را به سوی ایشان و پیروانشان گشوده است.

و از آن جـایی که این سـخنان به سـاحت قـدس پروردگـار ارتباط دارد، آنها را «حـدیث قدسـی» نامیـده انـد و در تعریف آن وفرقش با قرآن و احادیث دیگر وجوهی گفته اند که در اینجا به یک تعریف بسنده می کنیم.

أمّا الحدیث القدسـی: فهو کلام اللّه تعالی غیر المنزل علی سبیل التحدّی والتعجیز سواء نقله المعصوم عن اللّه بواسطه الملَک أم نقله من الکتب السماویه الماضیه. (۱)«حدیث قدسی، سخن خداوند متعال است که بر طریق اعجاز نازل نشده است چه معصوم آن را به واسطهٔ فرشته یا از

۱- (۱)) اصطلاحات الاصول: ۱۳۸..

کتاب های آسمانی پیشین نقل کند».

این جزوه که پیش روی شما است دربرگیرندهٔ سه حدیث قدسی خطاب به حضرت موسی، عیسی وپیامبر عظیم الشأن اسلام با خطاب یا موسیٰ، یا عیسیٰ و یا أحمد است که با اعراب گذاری و ترجمه فارسی عرضه می شود. البتّه بخشی از این احادیث حاوی معانی بلند و دقیقی است که درک آن نیاز به استاد و تدبّر دارد، و ما فقط به ترجمه ساده آن بسنده کرده ایم.

این احادیث در کتاب های معتبری چون کافی ثقه الاسلام کلینی، امالی شیخ صدوق، ارشاد القلوب دیلمی وتحف العقول حرّانی رحمه الله آمده است و دیگر علما چون علّامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی ومحدث نوری رضوان اللّه علیهم از آنها نقل نموده اند و ما در آخر هر کدام از این سه حدیث به منابع آن به طور کامل اشاره خواهیم کرد.

در پایان از محققین مؤسسه که ما را در ترجمه و تألیف این کتاب شریف یاری کردند و همچنین از مساعدت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد تشکر و قدر دانی می شود.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

ص:۱۱

مناجات خدا با موسی علیه السلام (یا موسیٰ)

اشاره

ص:۱۳

مناجاه اللّه تعالی لمُوسَی علیه السلام

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ، عَنْ أَبِیهِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ عَلِیِّ بْنِ عِیسَی رَفَعَهُ، قَالَ: إِنَّ مُوسَی علیه السلام نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَتَعَالَی فَقَالَ لَهُ فِی مُنَاجَاتِهِ:

یَا مُوسی لا تُطِلْ(۱) فِی الدُّنْیَا أَمَلَکَ فَیَقْسُوَ لِذلِکَ قَلْبُکَ، وَقَاسِی الْقَلْبِ مِنِّی بَعِیدٌ.

یَا مُوسی کُنْ کَمَسَرَّتِی فِیکَ، فَإِنَّ مَسَرَّتِی أَنْ أُطَاعَ فَلا أُعْصی(۲) ، فَأَمِتْ قَلْبَکَ بِالْخَشْیَهِ، وَ کُنْ خَلَقَ الثِّیابِ، جَدِیدَ الْقَلْبِ؛ تَخْفی عَلی أَهْلِ الأَرْضِ وَتُعْرَفُ فِی أَهْلِ السَّمَاءِ، حِلْسَ الْبُیُوتِ، مِصْبَاحَ اللَّیْلِ، وَاقْنُتْ بَیْنَ یَدَیَّ قُنُوتَ الصَّابِرِینَ(۳) ، وَصِحْ إِلَیَّ مِنْ کَثْرَهِ الذُّنُوبِ صِیَاحَ الْمُذْنِبِ الْهَارِبِ مِنْ عَدُوِّهِ،

ص:۱۴

۱- (۱)) أثبتناه من البحار والتحف؛ وفی المصدر «لایطول»؛ وفی الأربعین «لا تطول»..

۲- (۲)) - من «یاموسی کن» الی «أُعصی» لیس فی التحف..

۳- (۳)) من «حِلْسَ البیوت» إلی «الصابرین» لیس فی التحف..

مناجات خدا با موسیٰ علیه السلام

علی بن ابراهیم از پدرش از عمرو بن عثمان از علی بن عیسیٰ در حدیثی که سند آن را به معصوم می رساند نقل می کند که:

خداوند تبارک و تعالی با موسیٰ همراز شد، و در مناجات خود به او فرمود:

ای موسی! در دنیا آرزویت دراز مگردان که بدین سبب دل تو سخت شود، وسنگ دل از من دور است.

ای موسی! آنگونه باش که نسبت به تو شادمان باشم، شادمانی من آنست که فرمانم برند ونافرمانی نشوم، وبا ترس [از من، هویٰ وهوس] دل خود را بمیران وکهنه جامه وتازه دل باش؛ برای اهل زمین گمنام وبرای آسمانیان شناخته شده باش، خانه نشین وچراغ شب باش، ودر پیشگاه من چون شکیبایان فروتن باش ومانند گنهکاری که از دشمنش فرار می کند، از بسیارِ گناهان به سوی من فریاد برآور

ص:۱۵

وَاسْتَعِنْ بِی عَلَی ذٰلِکَ، فَإِنِّی نِعْمَ الْعَوْنُ، وَنِعْمَ الْمُسْتَعَانُ.

یَا مُوسَی إِنِّی أَنَا اللَّهُ فَوْقَ الْعِبَادِ، وَالْعِبَادُ دُونِی، وَکُلٌّ لِی دَاخِرُونَ، فَاتَّهِمْ نَفْسَکَ عَلَی نَفْسِکَ وَلا تَأْتَمِنْ وَلَدَکَ عَلَی دِینِکَ إِلّا أَنْ یَکُونَ وَلَدُکَ مِثْلَکَ یُحِبُّ الصَّالِحِینَ.

یَا مُوسَی اغْسِلْ وَاغْتَسِلْ، وَاقْتَرِبْ مِنْ عِبَادِیَ الصَّالِحِینَ.

یَا مُوسَی کُنْ إِمَامَهُمْ فِی صَلاتِهِمْ، وَإِمَامَهُمْ فِیما یَتَشَاجَرُونَ. وَاحْکُمْ بَیْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلْتُ عَلَیْکَ، فَقَدْ أَنْزَلْتُهُ حُکْماً بَیِّناً، وَبُرْهَاناً نَیِّراً، وَ نُوراً یَنْطِقُ بِمَا کَانَ فِی الأَوَّلِینَ وَبِمَا هُوَ کَائِنٌ فِی الآخِرِینَ.

أُوصِیکَ یَا مُوسَی وَصِیَّهَ الشَّفِیقِ الْمُشْفِقِ بِابْنِ الْبَتُولِ عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ، صَاحِبِ الأَتَانِ وَالْبُرْنُسِ وَالزَّیْتِ وَالزَّیْتُونِ وَالْمِحْرَابِ، وَمِنْ بَعْدِهِ بِصَاحِبِ الْجَمَلِ الأَحْمَرِ، الطَّیِّبِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ، فَمَثَلُهُ فِی کِتَابِکَ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ مُهَیْمِنٌ عَلَی الْکُتُبِ کُلِّهَا،

ودر این کار از من کمک بخواه که من یار ومددکار خوبی هستم.

ای موسی! منم خدای بالاتر از بندگان، و بندگان زیردست منند، وهمه در برابرم کوچکند، در مورد خویش، به خود بدگمان باش، وبر دین خود فرزندت را [نیز] امین ندان، مگر اینکه فرزند تو مانند تو دوستدار درستکاران باشد.

ای موسی! شستشو کن وغسل نما، وبه بندگان نیکوکارم نزدیک شو.

ای موسی! در نماز پیشوای آنان ودر نزاع ها راهبر آنان باش. ومیان آنان، با آنچه بر تو نازل کردم [یعنی تورات] داوری کن که من آنرا فروفرستادم [به صورت] حکمی آشکار، ودلیلی روشن، ونوری که به آنچه در پیشینیان بود ودر آیندگان خواهد بود سخن می گوید.

ای موسی! همچون دوستی مهربان تو را سفارش می کنم به فرزند بتول [آن بانوی از دنیا بریدهٔ به خدا پیوسته] عیسی بن مریم، صاحب الاغ وبُرنس(۱) و روغن زیتون، و زیتون(۲) ، و محراب، و پس از آن [سفارش می کنم تو را] به صاحب شتر سرخ موی، آن پاکِ پاکیزهٔ پاک نهاد [پیامبر اسلام]، نشانه او در کتاب تو اینست که او مؤمن وپاسدار همهٔ کتابهای آسمانی است،

۱- (۱)) - نوعی کلاه دراز یا شنل مخصوص عابدان..

۲- (۲)) این دو خوراک معمولی حضرت عیسی (ع) بوده است..

وَأَنَّهُ رَاكِعٌ سَاجِدٌ رَاغِبٌ رَاهِبٌ، إِخْوَانُهُ الْمَسَاكِينُ، وَأَنْصَارُهُ قَوْمٌ آخَرُونَ، وَيَكُونُ فِي زَمَانِهِ أَزْلٌ وَزِلْزَالٌ وَ قَتْلٌ وَ قِلَّةٌ مِنَ الْمَالِ، اسْمُهُ أَحْمَدُ، مُحَمَّدٌ الأَمِينُ مِنَ الْبَاقِينَ مِنْ ثُلَّةِ الأَوَّلِينَ الْمَاضِينَ، يُؤْمِنُ بِالْكُتُبِ كُلِّهَا، وَيُصَدِّقُ جَمِيعَ الْمُرْسَلِينَ، وَيَشْهَدُ بِالإِخْلاصِ لِجَمِيعِ النَّبِيِّينَ؛ أُمَّتُهُ مَرْحُومَةٌ مُبَارَكَةٌ مَا بَقُوا فِي الدِّينِ عَلَى حَقَائِقِهِ، لَهُمْ سَاعَاتٌ مُوَقَّتَاتٌ يُؤَدُّونَ فِيهَا الصَّلَوَاتِ أَدَاءَ الْعَبْدِ إِلَى سَيِّدِهِ نَافِلَتَهُ، فَبِهِ فَصَدِّقْ، وَمِنْهَاجَهُ فَاتَّبِعْ، فَإِنَّهُ أَخُوكَ.

يَا مُوسَى إِنَّهُ أُمِّيٌّ، وَ هُوَ عَبْدُ صِدْقٍ، يُبَارَكُ لَهُ فِيما وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ، وَيُبَارَكُ عَلَيْهِ، كَذَلِكَ كَانَ فِي عِلْمِي، وَكَذَلِكَ خَلَقْتُهُ، بِهِ أَفْتَحُ السَّاعَةَ، وَبِأُمَّتِهِ أَخْتِمُ مَفَاتِيحَ الدُّنْيَا، فَمُرْ ظَلَمَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ لا يَدْرُسُوا اسْمَهُ، وَلا يَخْذُلُوهُ، وَإِنَّهُمْ لَفَاعِلُونَ، وَ حُبُّهُ لِي حَسَنَةٌ، فَأَنَا مَعَهُ وَأَنَا مِنْ حِزْبِهِ، وَهُوَ مِنْ حِزْبِي، وَحِزْبُهُمُ الْغَالِبُونَ، (فَتَمَّتْ كَلِمَاتِي

و او اهـل رکوع وسـجود وشوق وبیم از خـداست، برادرانش بینوایـان، ویـاورانش قومی دیگرنـد، و در زمانش فشار وگرفتاری وکشتار وتهیدستی خواهد بود، نام او احمد، محمّد امین است، از بازماندگان گروه پیشینیان [پیامبران گذشته].

به همـهٔ کتابها [ی آسـمانی] ایمان دارد وهمـهٔ پیامبران را تصـدیق می کنـد، و با اخلاص به نبوت همه انبیاء شـهادت می دهد؛ امّت او تـا بر حقـایق دین پایدارنـد، مورد رحمت وبرکت هسـتند، ساعـات معینی دارنـد که در آن ساعـات نمـاز خود را به جا آورند همانگونه که بنده ای وظیفهٔ خود را نسـبت به مولای خود انجام دهد، پس او را تصدیق کن وروش او را پیروی کن که او برادر تو است.

ای موسی! او درس ناخوانده و بندهٔ مخلصی است، بر هرچه دست نهد مبارکش گردد وخود نیز مبارک [وخجسته] است.

در علم من اینچنین بوده است، واینگونه او را آفریـدم، بـا او قیـامت را آغـاز کنم وبا امتش کلیـدهای دنیا را مُهر زنم [دنیا را به پایان رسانم]. پس به سـتمکاران بنی اسرائیل فرمان ده که اسم او را محو نکنند، واو را وا نگذارند، [گرچه] آنان انجام خواهند داد، ودوست داشـتن او به خاطر من حسنه است، پس من با او واز حزب او هستم، واو نیز از حزب من است، وحزب آنها پیروز است سخنانم پایان یافت

ص:۱۹

لَأَظْهِرَنَّ دِينَهُ عَلَى الأَدْيَانِ كُلِّهَا، وَلَأَعْبَدَنَّ بِكَلِّ مَكَانٍ، وَلَأُنْزِلَنَّ عَلَيْهِ قُرْآناً فُرْقَاناً، شِفَاءً لِمَا فِى الصُّدُورِ مِنْ نَفْثِ الشَّيْطَانِ.

فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، فَإِنِّى أُصَلِّى عَلَيْهِ وَ مَلائِكَتِى.)(۱) يَا مُوسى أَنْتَ عَبْدِى وَأَنَا إِلٰهُكَ، لا تَسْتَذِلَّ الْحَقِيرَ الْفَقِيرَ، وَلا تَغْبِطِ الْغَنِىَّ بِشَىْءٍ يَسِيرٍ، وَكُنْ عِنْدَ ذِكْرِى خَاشِعاً، وَ عِنْدَ تِلاوَتِهِ بِرَحْمَتِى طَامِعاً، وَأَسْمِعْنِى لَذَاذَةَ التَّوْرَاةِ بِصَوْتٍ خَاشِعٍ حَزِينٍ، اطْمَئِنَّ عِنْدَ ذِكْرِى، وَذَكِّرْ بِى مَنْ يَطْمَئِنُّ إِلَىَّ، وَاعْبُدْنِى، وَلا تُشْرِكْ بِى شَيْئاً، وَتَحَرَّ مَسَرَّتِى، إِنِّى أَنَا السَّيِّدُ الْكَبِيرُ، إِنِّى خَلَقْتُكَ مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، مِنْ طِينَةٍ أَخْرَجْتُهَا مِنْ أَرْضٍ ذَلِيلَةٍ مَمْشُوجَةٍ، فَكَانَتْ بَشَراً، فَأَنَا صَانِعُهَا خَلْقاً، فَتَبَارَكَ وَجْهِى، وَتَقَدَّسَ صَنِيعِى، لَيْسَ كَمِثْلِى شَىْءٌ، وَأَنَا الْحَىُّ الدَّائِمُ الَّذِى لا أَزُولُ.

۱- (۱)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

[قضای من حتمی شد] که حتماً دین او را بر تمامی دین ها پیروز گردانم، ودر هر مکان پرستش شوم، وبر او قرآنی فرو فرستم که جدا کننده [میان حقّ وباطل]، ودرمان سینه ها از وسوسه شیطان باشد.

پس ای فرزند عمران! بر او درود فرست، که من وفرشتگانم بر او درود می فرستیم.

ای موسی! تو بندهٔ من ومن خدای تو هستم، شخص حقیر وبی نوا را خوار نشمار، وبه چیز کمی که توانگر دارد غبطه مخور، وهنگام یاد من فروتن، وهنگام خواندن ذکرم بر رحمت من چشم داشته باش، ولذّت [قرائت] تورات را با صدایی خاشع واندوهناك به گوش من برسان، هنگام یاد من آرامش داشته باش، ومرا به یاد آنان که به من آرامش خاطر دارند بینداز، ومرا بپرست، وچیزی را همتای من قرار نده، وخشنودی مرا بجوی، که منم آن آقای بزرگ، من تو را از نطفهٔ آبی پست آفریدم، از گِلی که از زمین پست ودرهم بیرون آوردم، آنگاه بشری [کامل] گردید. پس من او را آفریده ای ساختم، ومبارک است ذات من، ومنزه است ساختهٔ من، مانند من چیزی نیست ومنم همیشه زنده ای که نابود نمی شوم.

يَا مُوسىٰ كُنْ إِذَا دَعَوْتَنِی خَائِفاً مُشْفِقاً وَجِلاً (عَفِّرْ وَجْهَکَ لِی فِی التُّرَابِ، وَاسْجُدْ لِی بِمَكَارِمِ بَدَنِكَ، وَاقْنُتْ بَيْنَ يَدَيَّ فِی الْقِيَامِ)(١) ، وَنَاجِنِی حِينَ تُنَاجِينِی بِخَشْيَةٍ مِنْ قَلْبٍ وَجِلٍ، وَاحْیَ بِتَوْرَاتِی أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَعَلِّمِ الْجُهَّالَ مَحَامِدِی، وَذَكِّرْهُمْ آلائِی وَنِعْمَتِی، وَقُلْ لَهُمْ لا يَتَمادَوْنَ فِی غَیٍّ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ أَخْذِی أَلِيمٌ شَدِيدٌ.

يَا مُوسَى إِذَا انْقَطَعَ حَبْلُكَ مِنِّی لَمْ يَتَّصِلْ بِحَبْلِ غَيْرِی، فَاعْبُدْنِی وَقُمْ بَيْنَ يَدَيَّ مَقَامَ الْعَبْدِ الْحَقِيرِ الْفَقِيرِ، ذُمَّ نَفْسَكَ، فَهِیَ أَوْلَى بِالذَّمِّ، وَلا تَتَطَاوَلْ بِكِتَابِی عَلىٰ بَنِی إِسْرَائِيلَ، فَكَفىٰ بِهٰذا وَاعِظاً لِقَلْبِكَ وَمُنِيراً، وَهُوَ كَلامُ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ وَتَعَالَى.

يَا مُوسىٰ مَتىٰ مَا دَعَوْتَنِی وَرَجَوْتَنِی فَإِنِّی سَأَغْفِرُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ، السَّمَاءُ تُسَبِّحُ لِی وَجَلًا، وَالْمَلائِكَةُ مِنْ مَخَافَتِی مُشْفِقُونَ، وَالأَرْضُ تُسَبِّحُ لِی طَمَعاً، وَكُلُّ الْخَلْقِ يُسَبِّحُونَ لِی دَاخِرُونَ.

ص:٢٢

١- (١)) من «وعفّر وجهك» الیٰ «فی القيام» ليس فی التحف..

ای موسی! وقت خواندن من ترسان ونرم دل وهراسان باش، برای من صورت خود را بر خاک بگذار، وبا گرامی ترین اعضای بدن خود برایم سجده کن، وهنگام ایستادن در برابرم فروتن باش، وهنگام مناجات با ترس وقلبی لرزان با من مناجات کن، و سراسر عمر خود را با تورات من زنده باش، واوصاف نیک مرا به نادانان بیاموز، ونعمت های باطن وظاهر مرا به آنان یاد آور شو، به آنان بگو به گمراهی هائیکه در آن فرو رفته اند ادامه ندهند، که مؤاخذهٔ من دردناک وسخت است.

ای موسی! هنگامی که ریسمان پیوند تو با من قطع شود به ریسمان دیگری نخواهد پیوست، پس مرا پرستش کن ودر پیشگاه من همانند بندهٔ ناچیز بینوا بایست، وخود را نکوهش کن که نفس تو به نکوهش سزاوارتر است، وبا کتاب من بر بنی اسرائیل سرفرازی مکن، واین کتاب کافی است که اندرز دهنده وروشن کنندهٔ دلت باشد، وآن سخن پروردگار جهانیان است که بزرگ وبلندمرتبه است.

ای موسی! هر زمان مرا بخوانی وبه من امید داشته باشی، من نیز تو را با گناهانت می آمرزم، آسمان از روی بیم مرا تسبیح می گوید، وفرشتگان از هراس من بیمناکند، وزمین از روی طمع مرا تنزیه کند، وهمهٔ آفریده ها متواضعانه مرا می ستایند.

ص:۲۳

ثُمَّ عَلَيْکَ بِالصَّلاهِ الصَّلاهِ، فَإِنَّهَا مِنِّی بِمَکَانٍ، وَلَهَا عِنْدِی عَهْدٌ وَثِیقٌ، وَأَلْحِقْ بِهَا مَا هُوَ مِنْهَا زَکَاهَ الْقُرْبَانِ مِنْ طَیِّبِ الْمَالِ وَالطَّعَام، فَإِنِّی لا أَقْبَلُ إِلَّا الطَّیِّبَ یُرَادُ بِهِ وَجْهِی، وَاقْرُنْ مَعَ ذَلِکَ صِلَهَ الأَرْحَام، فَإِنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ، وَالرَّحِمُ أَنَا خَلَقْتُهَا فَضْلًا مِنْ رَحْمَتِی، لِیَتَعَاطَفَ بِهَا الْعِبَادُ، وَلَهَا عِنْدِی سُلْطَانٌ فِی مَعَادِ الآخِرَهِ، وَأَنَا قَاطِعُ مَنْ قَطَعَهَا، وَوَاصِلُ مَنْ وَصَلَهَا، وَکَذَلِکَ أَفْعَلُ بِمَنْ ضَیَّعَ أَمْرِی.

یَا مُوسَى أَکْرِمِ السَّائِلَ إِذَا أَتَاکَ بِرَدٍّ جَمِیلٍ أَوْ إِعْطَاءٍ یَسِیرٍ، فَإِنَّهُ یَأْتِیکَ مَنْ لَیْسَ بِإِنْسٍ وَلا جَانٍّ، مَلائِکَهُ الرَّحْمَنِ یَبْلُونَکَ کَیْفَ أَنْتَ صَانِعٌ فِیما أَوْلَیْتُکَ، وَکَیْفَ مُوَاسَاتُکَ فِیما خَوَّلْتُکَ، وَاخْشَعْ لِی بِالتَّضَرُّعِ، وَاهْتِفْ لِی بِوَلْوَلَهِ الْکِتَابِ،

ص:۲۴

سپس بر تـو بـاد بـه نمـاز، نمـاز، کـه آن نزد مـن منزلـتی بزرگ، وپیمـانی محکم دارد، وبه آن زکـات مایـهٔ تقرب که از نمـاز محسوب می شود را پیوند ده، زکاتی که از مال وخوراك پاکیزه باشد، که من جز پاکیزه ای را که برای رضای من باشد قبول نمی کنم، وبـا اینهـا صـلهٔ رحم را همراه سـاز، که منم خـدای بخشایشـگر مهربان، وخویشاونـدی را من تفضـلاً از رحمت خود آفریـدم، تا بنـدگان با آن به یکدیگر مهر ورزند، وآن در روز قیامت نزد من فرمانروایی خواهد داشت، من از آنکس که پیوند خویشی را بریده می برم، وبا آنکه پیوند کرده می پیوندم، واینگونه با کسی که فرمان مرا تباه سازد رفتار خواهم کرد.

ای موسـی! سائل را چون نزد تو آمد اکرام کن یا با خوشرویی بازگردان و یا با بخششی اندك، زیرا گاهی کسی پیش تو آید، که نه انسان است و نه جنّ، بلکه از فرشـته های خـدای رحمان است، تو را می آزمایند تا چگونه با آنچه به تو ارزانی داشـته ام رفتار می کنی و با نعمتی که به تو داده ام با دیگران [همدردی و] مواسات می کنی؟

وبا لابه به درگاه من نرم دل شو، و کتاب [تورات] را نالان و گریان برایم بخوان.

ص:۲۵

وَاعْلَمْ أَنِّى أَدْعُوکَ دُعَاءَ السَّيِّدِ مَمْلُوکَهُ، لِيَبْلُغَ بِهِ شَرَفَ الْمَنَازِلِ، وَ ذَلِکَ مِنْ فَضْلِى عَلَيْکَ وَعَلَى آبَائِکَ الأَوَّلِينَ.

يَا مُوسَى لا تَنْسَنِى عَلَى کُلِّ حَالٍ، وَلا تَفْرَحْ بِکَثْرَةِ الْمَالِ، فَإِنَّ نِسْيَانِى يُقْسِى الْقُلُوبَ، وَمَعَ کَثْرَةِ الْمَالِ کَثْرَةُ الذُّنُوبِ. الأَرْضُ مُطِيعَةٌ، وَالسَّمَاءُ مُطِيعَةٌ، وَالْبِحَارُ مُطِيعَةٌ، وَعِصْيَانِى شَقَاءُ الثَّقَلَيْنِ، وَأَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، رَحْمَانُ کُلِّ زَمَانٍ.

آتِى بِالشِّدَّةِ بَعْدَ الرَّخَاءِ، وَبِالرَّخَاءِ بَعْدَ الشِّدَّةِ، وَبِالْمُلُوکِ بَعْدَ الْمُلُوکِ، وَمُلْکِى دَائِمٌ قَائِمٌ لا يَزُولُ، وَلا يَخْفَى عَلَيَّ شَيْءٌ فِى الأَرْضِ وَلا فِى السَّمَاءِ، وَکَيْفَ يَخْفَى عَلَيَّ مَا مِنِّى مُبْتَدَؤُهُ، وَکَيْفَ لا يَکُونُ هَمُّکَ فِيما عِنْدِى وَإِلَيَّ تَرْجِعُ لا مَحَالَهَ.

يَا مُوسَى اجْعَلْنِى حِرْزَکَ، وَ ضَعْ عِنْدِى کَنْزَکَ مِنَ الصَّالِحَاتِ، وَخَفْنِى وَلا تَخَفْ غَيْرِى، إِلَيَّ الْمَصِيرُ.

(يَا مُوسَى ارْحَمْ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْکَ فِى الْخَلْقِ، وَلا تَحْسُدْ مَنْ هُوَ فَوْقَکَ، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْکُلُ الْحَسَنَاتِ کَمَا تَأْکُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

وبـدان من تو را فرا می خوانم هماننـد آقایی که بندهٔ خود را می خواند، تا او را به درجات بلند برساند، واین از فضل من بر تو وبر پدران پیشین توست.

ای موسـی! در هر حـال مرا فراموش مکن، وبه دارایی فراوان خوشـنود نشو، که فراموشـی من دلهـا را سـخت می کنـد، وهمراه فراوانی مال فراوانی گناه است، زمین فرمانبردار است، وآسمان فرمانبردار است، ودریاها فرمانبردارند، ونافرمانی من تیره روزی جـن وانس اسـت، ومـن بخشاینــدهٔ مهربـانم، بخشاینـدهٔ هر زمـان، پس از سـختی آسـودگی آرم وپس از آسـودگی سـختی، وپادشاهان را پس از پادشاهان، در حالی که فرمانروایی من همیشـگی وپاینده وبی زوال است، در زمین وآسـمان چیزی بر من پنهان نیست، و چگونه آنچه پیدایشـش از طرف من است از من پنهان بماند؟ وچگونه در آنچه نزد من است همت نگماری؟ با اینکه به ناچار به سوی من باز می گردی.

ای موسی! مرا پناه خود قرار ده، وگنج خود را – که کارهای نیک است – نزد من بگذار، واز من بترس، واز غیر من بیم نداشته باش، که بازگشت [همه] به سوی من است.

ای موسـی! به کسی که در میان بندگان پائین تر از تو است رحم کن، وبه کسی که برتر از تو است رشک مبر، که حسد نیکی ها را می خورد همانگونه که آتش هیزم را.

ص:۲۷

يا مُوسیٰ إنَّ ابْنَیْ آدَمَ تَوَاضَعَا فِی مَنْزِلَهٍ لِیَنَالا بِهَا مِنْ فَضْلِی وَرَحْمَتِی، فَقَرَّبَا قُرْبَاناً، وَلا أَقْبَلُ إلّا مِنَ الْمُتَّقِینَ، فَکَانَ مِنْ شَأْنِهِمَا مَا قَدْ عَلِمْتَ، فَکَیْفَ تَثِقُ بِالصَّاحِبِ بَعْدَ الأَخِ وَالْوَزِیرِ؟!

یَا مُوسیٰ ضَعِ الْکِبْرَ، وَدَعِ الْفَخْرَ، وَاذْکُرْ أَنَّکَ سَاکِنُ الْقَبْرِ، فَلْیَمْنَعْکَ ذٰلِکَ مِنَ الشَّهَوَاتِ.)(۱) یا مُوسیٰ عَجِّلِ التَّوْبَهَ، وَأَخِّرِ الذَّنْبَ، وَتَأَنَّ فِی الْمَکْثِ بَیْنَ یَدَیَّ فِی الصَّلاهِ، وَلا تَرْجُ غَیْرِی، اتَّخِذْنِی جُنَّهً لِلشَّدَائِدِ(۲) ، وَحِصْناً لِمُلِمَّاتِ الأُمُورِ.

(یَا مُوسیٰ کَیْفَ تَخْشَعُ لِی خَلِیقَهٌ لا تَعْرِفُ فَضْلِی عَلَیْهَا، وَکَیْفَ تَعْرِفُ فَضْلِی عَلَیْهَا وَهِیَ لا تَنْظُرُ فِیهِ، وَکَیْفَ تَنْظُرُ فِیهِ وَهِیَ لا تُؤْمِنُ بِهِ، وَکَیْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِیَ لا تَرْجُو ثَوَاباً، وَکَیْفَ تَرْجُو ثَوَاباً وَهِیَ قَدْ قَنَعَتْ بِالدُّنْیَا، وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوىً، وَرَکَنَتْ إِلَیْهَا رُکُونَ الظَّالِمِینَ.) (۳)

ص:۲۸

۱- (۱)) من «یا موسیٰ ارحم» الیٰ «من الشهوات» لیس فی التحف..

۲- (۲)) بدل «اتّخذنی جُنّه للشدائد» فی الجواهر السنیه: «واجعلنی جُنّه»..

۳- (۳)) من «یا موسیٰ کیف» الیٰ «الظالمین» لیس فی التحف..

ای موسی! دو فرزند آدم در مقامی فروتنی کردند تا بدان وسیله به فضل ورحمت من دست یابند، پس هر دو قربانی کردند، در حالیکه من جز از پارسایان نپذیرم، وقصۀ آن دو چنان شد که دانستی، پس چگونه به رفیق، پس از برادر وپشت وپناه اعتماد می کنی؟

ای موسی! کبر را فرو گذار، وفخر را رها کن، ویاد بیاور که تو در قبر جای خواهی گرفت، پس همین باید تو را از شهوت ها باز دارد.

ای موسی! توبه را پیش انداز، وگناه را پس افکن، ودر ایستادن در پیشگاه من به نماز، آرام [وبی شتاب] باش، وبه غیر از من امید مبند، مرا سپری در برابر سختی ها، وقلعۀ محکمی برای پیش آمدهای ناگوار قرار ده.

ای موسی! آفریده ای که فضل [و رحمت] مرا بر خود نمی شناسد، چگونه برای من خاشع گردد؟ وچگونه فضل [و رحمت] مرا بر خود بشناسد، در حالیکه در آن نمی نگرد، وچگونه در آن بنگرد در حالیکه به آن ایمان ندارد، وچگونه به آن ایمان آورد، در حالیکه پاداشی را امید ندارد، وچگونه پاداشی را امید داشته باشد در حالیکه به دنیا بسنده کرده است، وآن را جایگاه خویش گزیده است، وهچون ستمگران به آن دل بسته است.

ص:۲۹

يَا مُوسیٰ نَافِسْ فِی الْخَیْرِ أَهْلَهُ، فَإِنَّ الْخَیْرَ کَاسْمِهِ، وَدَعِ الشَّرَّ لِکَلِّ مَفْتُونٍ.

یَا مُوسیٰ اجْعَلْ لِسَانَکَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِکَ تَسْلَمْ، وَأَکْثِرْ ذِکْرِی بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ تَغْنَمْ، وَلا تَتَّبِعِ الْخَطَایَا فَتَنْدَمَ، فَإِنَّ الْخَطَایَا مَوْعِدُهَا النَّارُ.

یَا مُوسیٰ أَطِبِ الْکَلامَ لِأَهْلِ التَّرْکِ لِلذُّنُوبِ، وَکُنْ لَهُمْ جَلِیساً، وَاتَّخِذْهُمْ لِغَیْبِکَ إِخْوَاناً، وَجِدَّ مَعَهُمْ یَجِدُّونَ مَعَکَ.

(یَا مُوسیٰ الْمَوْتُ یَأْتِیکَ لا مَحَالَهَ، فَتَزَوَّدْ زَادَ مَنْ هُوَ عَلیٰ مَا یَتَزَوَّدُ وَارِدٌ عَلَی الْیَقِینِ.)(۱) یَا مُوسیٰ مَا أُرِیدَ بِهِ وَجْهِی فَکَثِیرٌ قَلِیلُهُ، وَمَا أُرِیدَ بِهِ غَیْرِی فَقَلِیلٌ کَثِیرُهُ، وَإِنَّ أَصْلَحَ أَیَّامِکَ الَّذِی هُوَ أَمَامَکَ، فَانْظُرْ أَیُّ یَوْمٍ هُوَ فَأَعِدَّ لَهُ الْجَوَابَ، فَإِنَّکَ مَوْقُوفٌ وَمَسْؤولٌ. وَخُذْ مَوْعِظَتَکَ مِنَ الدَّهْرِ وَأَهْلِهِ، فَإِنَّ الدَّهْرَ طَوِیلُهُ قَصِیرٌ، وَقَصِیرُهُ طَوِیلٌ، وَکُلُّ شَیْءٍ فَانٍ، فَاعْمَلْ کَأَنَّکَ تَرَی ثَوَابَعَمَلِکَ، لِکَیْ یَکُونَ أَطْمَعَ لَکَ فِی الآخِرَهِ لا مَحَالَهَ، فَإِنَّ مَابَقِیَ مِنَ الدُّنْیَا کَمَا وَلَّی مِنْهَا،

۱- (۱)) ما بین القوسین لیس فی التحف..

ای موسی! در کار نیک از نیکوکاران پیشی بگیر که نیکی همچون نام خود نیک است، وپلیدی را برای شیفتهٔ آن واگذار.

ای موسی! زبانت را در پس دل خود قرار ده تا سالم بمانی، ودر شب وروز بسیار به یاد من باش تا سود بری، واز گناهان پیروی نکن که پشیمان شوی، زیرا قرارگاه گناهان آتش است.

ای موسی! با آنانکه ترک گناهان کنند خوش سخن، وهمنشین آنان باش، وآنان را برای غیب [وأسرار] خود به برادری گیر، وبا آنان بکوش تا با تو بکوشند.

ای موسی! ناگزیر مرگ به تو خواهد رسید، پس همچون کسی توشه برگیر که به یقین بر توشهٔ خود درآید.

ای موسی! آنچه برای رضای من انجام گیرد اندکِ آن فراوان است، وآنچه برای غیر من انجام گیرد فراوانِ آن اندک است، وشایسته ترین روزهای تو روزی است که پیش رو داری، پس بنگر که چه روزی است؟ برای آن پاسخ آماده کن، زیرا تو را نگه دارند واز تو بازخواست کنند، واز روزگار واهل آن پند خود را دریاب، که بلندِ روزگار کوتاه، وکوتاهِ آن بلند است، وهر چیزی فانی است، پس آنچنان عمل کن که گویی پاداش آنرا می بینی، تا به ناچار طمعِ تو را به آخرت فزونی بخشد، زیرا آنچه از دنیا [ی تو] باقی است همانگونه خواهد بود که پشت کرده است،

وَكُلَّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلىٰ بَصِيرَةٍ وَمِثَالٍ، فَكَنْ مُرْتَاداً لِنَفْسِكَ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، لَعَلَّكَ تَفُوزُ غَداً يَوْمَ السُّؤَالِ، فَهُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ.

(يَا مُوسىٰ أَلْقِ كَفَّيْكَ ذُلّاً بَيْنَ يَدَيَّ، كَفِعْلِ الْعَبْدِ الْمُسْتَصْرِخِ إِلىٰ سَيِّدِهِ، فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ رُحِمْتَ، وَأَنَا أَكْرَمُ الْقَادِرِينَ.

يَا مُوسىٰ سَلْنِى مِنْ فَضْلِى وَرَحْمَتِى، فَإِنَّهُمَا بِيَدِى، لا يَمْلِكُهُمَا أَحَدٌ غَيْرِى، وَانْظُرْ حِينَ تَسْأَلُنِى كَيْفَ رَغْبَتُكَ فِيما عِنْدِى، لِكُلِّ عَامِلٍ جَزَاءٌ، وَقَدْ يُجْزَى الْكَفُورُ بِمَا سَعىٰ.)(١) يَا مُوسىٰ طِبْ نَفْساً عَنِ الدُّنْيَا، وَانْطَوِ عَنْهَا، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَلَسْتَ لَهَا، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ إِلّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ، فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَ الدَّارُ.

(يَا مُوسىٰ مَا آمُرُكَ بِهِ فَاسْمَعْ(٢) ، وَمَهْمَا أَرَاهُ فَاصْنَعْ، خُذْ حَقَائِقَ التَّوْرَاةِ إِلىٰ صَدْرِكَ، وَتَيَقَّظْ بِهَا فِى سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

١- (١) من «ياموسىٰ أَلقِ» الىٰ «بما سعىٰ» ليس فى التحف..

٢- (٢) - «فاصنع» الجواهر السنيه..

وهر عاملی از روی بصیرت ونمونهٔ عملی کار می کند؛ پس ای فرزند عمران! برای خودت، خود در تلاش باش که امید می رود فردا - روز سؤال - رستگار شوی که آنجا بیهوده کاران زیان می بینند.

ای موسی! دو دست خود را با خواری در پیشگاه من بدار، همچون بنده ای که مولای خود را به داد خواهد، که تو چون اینگونه کردی مورد رحمت قرار می گیری، ومن بخشنده ترین قدرتمندانم.

ای موسی! از فضل ورحمت من بخواه که ایندو بدست من است، وجز من کسی صاحب اختیار آنها نیست، وچون از من درخواست کنی بنگر که شوق تو به آنچه نزد من است چگونه است؟ برای هر عمل کننده پاداشی است، وگاه ناسپاس نیز پاداش تلاش خود را ببیند.

ای موسی! دلت را از [وابستگی به] دنیا پاک گردان، وخود را از آن بدور دار. که نه آن برای توست ونه تو برای آن، تو را با خانهٔ ستمگران چه کار؟ مگر برای آنکس که در آن کار نیک کند که دنیا برای او خوب خانه ای است.

ای موسی! هرچه دستورت دادم بشنو، و آنچه را مصلحت دیدم انجام ده، حقایق تورات را درسینهٔ خود گیر، وبا آنها در ساعات شب وروز بیدار باش،

ص:۳۳

وَلا تُمَكِّنْ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا مِنْ صَدْرِكَ، فَيَجْعَلُونَهُ وَكْراً كَوَكْرِ الطَّيْرِ.)(۱) يَا مُوسى أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا فِتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، فَكَلَّ مُزَيَّنٌ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ زُيِّنَتْ لَهُ الآخِرَةُ، فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتُرُ، قَدْ حَالَتْ شَهْوَتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَذَّةِ الْعَيْشِ، فَأَدْلَجَتْهُ بِالأَسْحَارِ كَفِعْلِ الرَّاكِبِ السَّائِقِ إِلى غَايَتِهِ، يَظَلُّ كَئِيباً وَيُمْسِى حَزِيناً، فَطُوبى لَهُ لَوْ قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَاذَا يُعَايِنُ مِنَ السُّرُورِ.

(يَا مُوسى! الدُّنْيَا نُطْفَةٌ، لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ، وَلا نَقِمَةٍ مِنْ فَاجِرٍ، فَالْوَيْلُ الطَّوِيلُ لِمَنْ بَاعَ ثَوَابَ مَعَادِهِ بِلَعْقَةٍ لَمْ تَبْقَ، وَبِلَعْسَةٍ لَمْ تَدُمْ، وَكَذَلِكَ فَكُنْ كَمَا أَمَرْتُكَ وَكُلُّ أَمْرِى رَشَادٌ.)(۲) يَا مُوسى! إِذَا رَأَيْتَ الْغِنى مُقْبِلاً فَقُلْ ذَنْبٌ عُجِّلَتْ لِى عُقُوبَتُهُ،

۱- (۱)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

۲- (۲)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

وفرزندان دنیا را بر سینه [ودل] خود چیره مساز، که آنرا - همچون پرندگان - آشیانهٔ خود گیرند.

ای موسی! فرزندان دنیا ودنیائیان، برخی برای برخی دیگر وسیلهٔ آزمایشند، پس هرکس به هرچه مشغول است همان برایش آراسته شده، ومؤمن کسی است که آخرت برایش زینت یافته است، پس او پیوسته به آن می نگرد [و] سستی نمی کند، هوای آخرت میان او ولذت زندگی دنیا فاصله انداخته است، واو را در سحرها - مانند سواری که به سوی مقصد خویش می راند - به سیر [وشب زنده داری] کشانده است، روز اندوهگین، وشب غمین است، پس خوشا به حال او که چون پرده کنار رود، چه سروری خواهد دید.

ای موسی! دنیا آب پستی بیش نیست، وپاداش برای مؤمن و کیفر برای تبهکار نخواهد بود، پس تیره بختی طولانی برای کسی است که پاداش [پایدار] معاد خود را به لیسیدنِی ناپایدار، وگاززدنِی بی دوام می فروشد، پس همانگونه که به تو دستور دادم باش، وهمهٔ دستورات من مایهٔ رشد [وهدایت] است.

ای موسی! هنگامی که دیدی توانگری [به تو] رو آورد، [با خود] بگو: گناهی است که کیفر آن پیش افتاده است،

ص:۳۵

وَإِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلاً فَقُلْ مَرْحَباً بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ، وَلا تَكُنْ جَبَّاراً ظَلُوماً، وَلا تَكُنْ لِلظَّالِمِينَ قَرِيناً.

يَا مُوسَى! مَا عُمُرٌ وَإِنْ طَالَ يُذَمُّ آخِرُهُ، وَمَا ضَرَّكَ مَا زُوِيَ عَنْكَ إِذَا حُمِدَتْ مَغَبَّتُهُ.

يَا مُوسَى! صَرَخَ(١) الْكِتَابُ إِلَيْكَ صُرَاخاً(٢) بِمَا أَنْتَ إِلَيْهِ صَائِرٌ، فَكَيْفَ تَرْقُدُ عَلَى هَذَا الْعُيُونُ، أَمْ كَيْفَ يَجِدُ قَوْمٌ لَذَّهَ الْعَيْشِ لَوْلا التَّمَادِي فِي الْغَفْلَهِ، وَالاتِّبَاعُ لِلشِّقْوَهِ، وَالتَّتَابُعُ لِلشَّهْوَهِ، وَمِنْ دُونِ هَذَا يَجْزَعُ الصِّدِّيقُونَ.

يَا مُوسَى! مُرْ عِبَادِي يَدْعُونِي عَلَى مَا كَانَ، بَعْدَ أَنْ يُقِرُّوا لِي أَنِّي أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَأَكْشِفُ السُّوءَ، وَأُبَدِّلُ الزَّمَانَ، وَآتِي بِالرَّخَاءِ، وَأَشْكُرُ الْيَسِيرَ، وَأُثِيبُ الْكَثِيرَ، وَأُغْنِي الْفَقِيرَ، وَأَنَا الدَّائِمُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ.

فَمَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ وَانْضَوَى إِلَيْكَ مِنَ الْخَاطِئِينَ فَقُلْ أَهْلاً وَسَهْلاً [بِأ رحب](٣) الْفِنَاءِ بِفِنَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ،

ص:٣٦

١- (١) - «صرح» الجواهر السنيه والتحف..

٢- (٢) «صراحاً» الجواهر السنيه والتحف..

٣- (٣) - اثبتناه من التحف و هامش الكافي عن بعض النسخ. وفي المصدر «يا رحب»..

مناجاه خدا با موسیؑ

وهنگامی که دیدی ناداری روی آورد بگو خوشا به شعار نیکوکاران، وزورگو وستمگر وهمنشین ستمگران مباش.

ای موسی! آن عمری که پایانش نکوهش آورد، هرچند دراز باشد عمر نیست، وآنچه به تو نرسیده است اگر سرانجامش ستوده باشد زیانت نرساند.

ای موسی! کتاب آسمانی بلند [وصریح] به تو می گوید:

که سرانجام کجا خواهی رفت. [پس] چگونه با این چشمها می خوابی، ویا چگونه مردمی لذت زندگی می برند، اگر نباشد پیوستگی غفلت، وپیروی شقاوت، وپی درپی بودن خواسته های نفسانی؟! وصدّیقان با کنارگذاشتن این [غفلت، شقاوت و خواسته های نفسانی] است که جزع [وبی تابی] دارند.

ای موسی! بندگانم را فرمان ده برای هرچه باشد مرا بخوانند، پس از آنکه اعتراف کنند به اینکه من مهربانترین مهربانانم، واجابت کننده درماندگانم، وبدی [وسختی] را بردارم، وزمانه را دگرگون سازم، وگشایش آورم، واندك را سپاس گزارم، وفراوان را پاداش دهم ونادار را دارا کنم، ومنم پایندهٔ مقتدر توانا.

پس هر کس از گنهکاران به تو پناه [وروی] آورد به او بگو: به فراخ ترین آستان که آستان پروردگار جهانیان است خوش آمدی، وبرای ایشان استغفار کن،

ص:۳۷

وَكُنْ لَهُمْ كَأَحدِهِمْ، وَلا تَسْتَطِلْ عَلَيْهِمْ بِمَا أَنَا أَعْطَيْتُكَ فَضْلَهُ، وَقُلْ لَهُمْ فَلْيَسْأَلُونِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي، فَإِنَّهُ لا يَمْلِكُهَا أَحدٌ غَيْرِي، وَأَنَا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

طُوبَى لَكَ يَا مُوسَى كَهْفُ الْخَاطِئِينَ، وَجَلِيسُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُسْتَغْفِرٌ لِلْمُذْنِبِينَ، إِنَّكَ مِنِّي بِالْمَكَانِ الرَّضِيِّ، فَادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ، وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ، وَكُنْ كَمَا أَمَرْتُكَ، أَطِعْ أَمْرِي، وَلا تَسْتَطِلْ عَلَى عِبَادِي بِمَا لَيْسَ مِنْكَ مُبْتَدَاهُ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ، فَإِنِّي لَمْ أَسْأَلْكَ مَا يُؤْذِيكَ ثِقْلُهُ، وَلا حَمْلُهُ؛ إِنَّمَا سَأَلْتُكَ أَنْ تَدْعُوَنِي فَأُجِيبَكَ، وَأَنْ تَسْأَلَنِي فَأُعْطِيَكَ، وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِمَا مِنِّي أَخَذْتَ تَأْوِيلَهُ، وَعَلَيَّ تَمَامُ تَنْزِيلِهِ.

يَا مُوسَى! انْظُرْ إِلَى الأَرْضِ، فَإِنَّهَا عَنْ قَرِيبٍ قَبْرُكَ، وَارْفَعْ عَيْنَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ، فَإِنَّ فَوْقَكَ فِيهَا مَلِكاً عَظِيماً، وَابْكِ عَلَى نَفْسِكَ مَا دُمْتَ فِي الدُّنْيَا، وَتَخَوَّفِ الْعَطَبَ وَالْمَهَالِكَ، وَلا تَغُرَّنَّكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا، وَلا تَرْضَ بِالظُّلْمِ، وَلا تَكُنْ ظَالِماً، فَإِنِّي لِلظَّالِمِ رَصِيدٌ حَتَّى أُدِيلَ مِنْهُ الْمَظْلُومَ.

وبرای آنـان همچون یکی از آنان باش، وبه جهت فضل ورحمتی که به تو داشـته ام بر آنان بزرگی مکن، وبه ایشان بگو که از فضل ورحمت من بخواهند که اختیار آنرا جز من کسی ندارد، ومنم صاحب فضلی بزرگ.

خوشا به حالت ای موسی! [که تو] پناه گنهکاران، وهم نشین بیچارگان، وآمرزش خواه گنهکاران هستی، تو در نزد من مقامی پسـندیده داری، پس بـا دلی پـاک، وزبانی راسـتگو مرا بخوان، وچنان باش که فرمانت دادم، دسـتورم را گردن بنه، و به سـبب آنچه آغـازش از تـو نبـوده بر بنـدگانم گردن فرازی مکن، وبه من نزدیـک شـو، که من به تو نزدیکم، زیرا من از تو چیزی که سنگینی وتحملش تو را بیازارد نخواستم، فقط از تو خواستم مرا بخوانی تا تو را اجابت کنم، واز من بخواهی تا به تو بدهم، وبا آنچه تأویل [وتفسیر] آنرا از من دریافتی وتنزیل کامل آن با من است به من نزدیک شَوی.

ای موسـی! به زمین بنگر، که آن به زودی قبر تو خواهـد بود، و دیـدگان خود را به آسـمان بلند کن که در آنجا بالای سـر تو فرمـانروایی بزرگ است، وتـا در دنیـا هستی بر خویشـتن گریه کن، واز نـابودی ومهلکه هـا بترس، وزینت وخرّمی دنیـا فریبت ندهد، وبه ستم راضی مشو، وخود ستمگر مباش، که من در کمین ستمگرم تا ستم شده را بر او پیروز گردانم.

يَا مُوسىٰ! إنَّ الْحَسَنَهَ عَشَرَهُ أَضْعَافٍ، وَمِنَ السَّيِّئَهِ الْوَاحِدَهِ الْهَلاكُ، لا تُشْرِكْ بِی، لا يَحِلَّ لَکَ أَنْ تُشْرِکَ بِی، قَارِبْ، وَسَدِّدْ، وَادْعُ دُعَاءَ الطَّامِعِ الرَّاغِبِ فِيما عِنْدِی، النَّادِمِ عَلىٰ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ، فَإِنَّ سَوَادَ اللَّيْلِ يَمْحُوهُ النَّهَارُ، وَكَذٰلِکَ السَّيِّئَهُ تَمْحُوهَا الْحَسَنَهُ، وَعَشْوَهُ اللَّيْلِ تَأْتِی عَلىٰ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَكَذٰلِکَ السَّيِّئَهُ تَأْتِی عَلَى الْحَسَنَهِ الْجَلِيلَهِ فَتُسَوِّدُهَا. (۱)

ص:۴۰

۱- (۱)) الكافی ج ۸ ص ۴۲ ح ۸، عنه المجلسی فی كتاب الأربعين ص ۴۴۸ الحديث التاسع والعشرون، والجواهر السنيه فی الاحاديث القدسيه، الباب السابع، ص ۳۱. وفی تحف العقول ص ۵۸۴ بتفاوت يسير. وفی البحار: ج ۱۳ ص ۳۳۲ ح ۱۳ عن التحف، وفی ج ۷۷ ص ۳۱ ح ۷ عن الكافی. وفی تفسير الصافی: ج ۲ ص ۲۴۳، ونور الثقلين: ج ۱ ص ۶۳۹ ح ۲۳۴، وج ۲ ص ۸۴ ح ۳۰۲، وج ۵ ص ۷۷ ح ۸۹، وص ۲۱۱ ح ۲۸، وص ۳۱۵ ح ۲۲ قطعه.قال المجلسی رحمه الله حول سند الحديث: وهو إن كان مرفوعاً موقوفاً له فهو من حيث المتن رفيع موقوف «الاربعون ص ۴۵۳»..

ای موسی! کـار نیـک ده برابر بشـمار آیـد، واز یک گناه هلاکت خیزد، برای من شـریک قرار مـده، بر تو روانیست که به من شرک ورزی، میـانه رو ومحکم کـار بـاش، وهمچـون دعـای کسـی که شوق نعمت هـای نزد مرا دارد واز گناهـان پیشـین خود پشـیمان است مرا بخوان، زیرا [روشـنایی] روز سـیاهی شب را می برد، همچنین کـار نیک کار بـد را نابود می کنـد، و تاریکی شب روشنایی روز را می پوشاند، وهمچنین کار بد کار نیک بزرگ را پوشانده، سیاه می کند.

ص:۴۱

پندهای خدا به عیسی علیه السلام (یا عیسی)

اشاره

ص:۴۳

مواعظ اللّه تعالی لِعِیسَی علیه السلام

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ، عَنْ أَبِیهِ، عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْهُمْ علیهم السلام، قَالَ: فِیما وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِیسَی علیه السلام

یَا عِیسَی! أَنَا رَبُّکَ وَرَبُّ آبَائِکَ، اسْمِی وَاحِدٌ، وَأَنَا الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ بِخَلْقِ کُلِّ شَیْءٍ، وَکُلُّ شَیْءٍ مِنْ صُنْعِی، وَکُلٌّ(۱) إِلَیَّ رَاجِعُونَ.

یَا عِیسَی أَنْتَ الْمَسِیحُ بِأَمْرِی، وَأَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ بِإِذْنِی، وَأَنْتَ تُحْیِی الْمَوْتَی بِکَلامِی، فَکُنْ إِلَیَّ رَاغِباً، وَ مِنِّی رَاهِباً،

۱- (۱) بزیاده «خَلقی» الأمالی والبحار..

پندهای خدا به عِیسیٰ علیه السلام

علی بن ابراهیم از پـدرش از علی بن اسـباط از ائمه معصوم علیهم السـلام نقل کرده که: در پندهای خداوند به عیسـی بن مریم علیه السلام آمده است:

ای عیسـی! من پروردگـار تو و پروردگـار پـدرانت هسـتم، نـامم واحـد [و یکتا] است، و من یگانه ای هسـتم که همه چیز را به تنهایی آفریدم، و هرچیز ساختهٔ من است، و همه به سوی من باز می گردند.

ای عیسی! تو به فرمان من مسیح(۱) هستی، و تو به اذن من از گِل همچون پرنـده می آفرینی، و تو با کلام من مرده ها را زنده می کنی، پس به من مشتاق و از من بیمناک باش،

۱- (۱)) - مسـیح: لقب حضـرت عیسـی علیه السـلام بـدان جهت که متبرک آفریـده شـده یامأخوذ از عبری «ماشـیاخ» به معنی منجی ونجات دهنده [است]. (معارف ومعاریف: ۳۸۲/۹)..

وَلَنْ تَجِدَ مِنِّی مَلْجَأً إِلّا إِلَیَّ.

یَا عِیسیَ! اوصِیکَ وَصِیَّهَ الْمُتَحَنِّنِ عَلَیْکَ بِالرَّحْمَهِ حَتّیَ حَقَّتْ لَکَ مِنِّی الْوِلایَهُ بِتَحَرِّیکَ مِنِّی الْمَسَرَّهَ، فَبُورِکْتَ کَبِیراً وَبُورِکْتَ صَغِیراً حَیْثُ مَا کُنْتَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ عَبْدِی ابْنُ أَمَتِی، أَنْزِلْنِی(۱) مِنْ نَفْسِکَ کَهَمِّکَ، وَاجْعَلْ ذِکْرِی لِمَعَادِکَ، وَتَقَرَّبْ إِلَیَّ بِالنَّوَافِلِ، وَتَوَکَّلْ عَلَیَّ أَکْفِکَ، وَلَا تَوَکَّلْ عَلیَ(۲) غَیْرِی فَأَخْذُلَکَ.

یَا عِیسیَ! اصْبِرْ عَلَی الْبَلاءِ، وَارْضَ بِالْقَضَاءِ، وَکُنْ کَمَسَرَّتِی فِیکَ، فَإِنَّ مَسَرَّتِی أَنْ اطَاعَ فَلَا اعْصیَ.

یَا عِیسیَ! أَحْیِ ذِکْرِی بِلِسَانِکَ، وَلْیَکُنْ وُدِّی فِی قَلْبِکَ.

یَا عِیسیَ! تَیَقَّظْ فِی سَاعَاتِ الْغَفْلَهِ، وَاحْکُمْ لِی لَطِیفَ الْحِکْمَهِ.

یَا عِیسیَ! کُنْ رَاغِباً رَاهِباً، وَأَمِتْ قَلْبَکَ بِالْخَشْیَهِ(۳).

ص:۴۶

۱- (۱) – «یا عیسیَ! أَنزِلنی» الأمالی والبحار..

۲- (۲) – فی الأمالی والجواهر السنیه والبحار: «ولا تولّ» بدل «ولا توکّل علیَ»..

۳- (۳) قال علی علیه السلام: أحیِ قلبک بالموعظه، وأمته بالزهاده.نهج البلاغه؛ ص ۳۹۱ رقم ۳۱ من وصیه لابنه الإمام الحسن علیه السلام..

و هرگز از من، پناهی جز من نخواهی یافت.

ای عیسی! مشفقانه تو را به رحمت [ومهربانی] سفارش می کنم تا با طلب شادمانیم شایستهٔ ولایت من شوی، پس تو هر جا باشی، در بزرگی و کودکی مبارک هستی، گواهی می دهم که تو بندهٔ من [و] فرزند کنیز من هستی، مرا پیش خود همچون همّتی که [به خود] داری قرار ده [و تمام همت تو من باشم].

ویاد مرا برای قیامت خود [توشه] بگذار، با نافله ها به من تقرّب جوی، وبر من توکّل کن تا تو را کفایت کنم، وبر غیر من توکل مکن که تو را رها کنم.

ای عیسی! بر بلا شکیبا باش، وبه قضا [وقدر الهی] راضی باش، آن چنان باش که دربارهٔ تو خوش دارم، زیرا خوشی من این است که فرمانم برند ونافرمانیم نکنند.

ای عیسی! بازبان خود یاد مرا زنده بدار، وباید محبت من در دلت باشد.

ای عیسی! در لحظه های غفلت [وبی خبری] بیدار باش، و با دقائق حکمت دربارهٔ من داوری کن، [پیرامون من حکیمانه بیندیش وسخن بگو]

ای عیسی! مشتاق و بیمناک باش، وبا ترس [از من هوا وهوسِ] دل خود را بمیران.

ص:۴۷

يَا عِيسَى رَاعِ اللَّيْلَ لِتَحَرِّى مَسَرَّتِى، وَاظْمَأْ نَهَارَكَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ عِنْدِى.

يَا عِيسَى! نَافِسْ فِى الْخَيْرِ جُهْدَكَ، تُعْرَفْ بِالْخَيْرِ حَيْثُما تَوَجَّهْتَ.

يَا عِيسَى! احْكُمْ فِى عِبَادِى بِنُصْحِى، وَقُمْ فِيهِمْ بِعَدْلِى، فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ شِفَاءً لِمَا فِى الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّيْطَانِ.

يَا عِيسَى! لَاتَكُنْ جَلِيساً لِكُلِّ مَفْتُونٍ.

يَا عِيسَى! حَقّاً أَقُولُ مَا آمَنَتْ بِى خَلِيقَهٌ إِلَّا خَشَعَتْ لِى، وَلَا خَشَعَتْ لِى إِلَّا رَجَتْ ثَوَابِى، فَأَشْهَدُ أَنَّهَا آمِنَهٌ مِنْ عِقَابِى، مَا لَمْ تُبَدِّلْ أَوْ تُغَيِّرْ سُنَّتِى.

يَا عِيسَى! ابْنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ! ابْكِ عَلَى نَفْسِكَ بُكَاءَ مَنْ وَدَّعَ الأَهْلَ، وَقَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَهَا لِأَهْلِهَا، وَصَارَتْ رَغْبَتُهُ فِيما عِنْدَ إِلٰهِهِ.

ص:۴۸

ای عیسی! برای بدست آوردن خرسندی من، شب را پاس دار، وبرای روز نیاز خود نزد من، روزت را تشنه باش [وروزه بدار].

ای عیسی! در کار نیک با تمام توان خود رقابت کن [واز دیگران پیشی بگیر] تا هر جا رو آوری به خیر [ونیکی] شناخته شوی.

ای عیسی! در میان بندگانم با توجه به [پند و] خیرخواهی من حکم کن، ودر میانشان عدل مرا بپادار، که من چیزی بر تو فرستادم که شفای سینه ها از مرض شیطان است.

ای عیسی! هم نشین هر فریفتهٔ به دنیا مشو.

ای عیسی! به حق می گویم؛ آفریده ای به من ایمان نیاورد مگر اینکه برای من نرمْ‌دل [وخاشع] شد، ونرمْدل نشد مگر اینکه پاداش مرا امید داشت، پس شهادت می دهم که چنین کس تا آنگاه که در سنّت من تبدیل وتغییر ایجاد نکرده است از مجازات من ایمن است.

ای عیسی! ای فرزند آن دوشیزهٔ از مردم بریدهٔ به خدا پیوسته! بر خویشتن گریه کن، گریستن کسی که با خانواده اش وداع کند، ودنیا را دشمن بدارد وآن را به اهلش واگذارد، و به آنچه نزد پروردگار اوست مشتاق شود.

ص:۴۹

يَا عِيسىٰ! كُنْ مَعَ ذَلِكَ تُلِينُ الْكَلامَ، وَتُفْشِي السَّلامَ، يَقْظَانَ إِذَا نَامَتْ عُيُونُ الأبْرَارِ، حَذِراً لِلْمَعَادِ وَالزَّلَازِلِ الشِّدَادِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَهِ، حَيْثُ لَايَنْفَعُ أَهْلٌ وَلَا وَلَدٌ وَلَا مَالٌ.

يَا عِيسىٰ! اكْحُلْ عَيْنَكَ بِمِيلِ الْحُزْنِ إِذَا ضَحِكَ الْبَطَّالُونَ.

يَا عِيسىٰ! كُنْ خَاشِعاً صَابِراً، فَطُوبىٰ لَكَ إِنْ نَالَكَ مَا وُعِدَ الصَّابِرُونَ.

يَا عِيسىٰ! رُحْ مِنَ الدُّنْيَا يَوْماً فَيَوْماً، وَذُقْ [مَا](۱) قَدْ ذَهَبَ طَعْمُهُ، فَحَقّاً أَقُولُ مَا أَنْتَ إِلَّا بِسَاعَتِكَ وَيَوْمِكَ، فَرُحْ مِنَ الدُّنْيَا بِبُلْغَهٍ، وَلْيَكْفِكَ الْخَشِنُ الْجَشِبُ، فَقَدْ رَأَيْتَ إِلىٰ مَا تَصِيرُ، وَمَكْتُوبٌ مَا أَخَذْتَ، وَكَيْفَ أَتْلَفْتَ.

يَا عِيسىٰ! إِنَّكَ مَسْؤُولٌ، فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ، وَ لَاتَقْهَرِ الْيَتِيمَ.

يَا عِيسىٰ! ابْكِ عَلىٰ نَفْسِكَ فِي الْخَلَوَاتِ،(۲) وَانْقُلْ قَدَمَيْكَ إِلىٰ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ، وَأَسْمِعْنِي لَذَاذَهَ نُطْقِكَ بِذِكْرِي،

۱- (۱)) - اثبتناه من الأمالي والبحار، وفي الجواهر السنيه «ألماً»، وفي المصدر «لما»..

۲- (۲)) «في الصلوٰه» الأمالي والبحار..

ای عیسی! همراه این ها، نرم گفتار باش، وآشکارا سلام کن، هنگامی که چشم های افراد نیکوکار به خواب می رود، از ترس معاد وزلزله های سخت وهراس های روز قیامت، بیدار باش، آنجا که خانواده وفرزند ودارایی سودی نمی بخشند.

ای عیسی! هنگامی که بیهوده کاران می خندند، تو چشمان خویش را با میل حزن سرمه بکش.

ای عیسی! فروتن باش وشکیبایی پیشه کن، پس خوشا به حالت اگر آنچه به شکیبایان وعده داده اند به تو رسد.

ای عیسی! دنیا را روز به روز بگذران، و [تلخی] آنچه را مزه اش از دست رفته [و حسرت آن باقی مانده] است بچش.

به حقیقت می گویم که تو [در اختیار خود] نداری مگر همین روز و همین ساعت را پس با مقدار کفاف، دنیا [ی خود] را بگذران.

وباید تو را لباس خشن وخوراک ناگوار بس باشد، که تو دانستی به چه سو روان خواهی شد، ونوشته شده است آنچه را بدست آوردی وچگونه برباد دادی.

ای عیسی! تو مورد [باز خواست و] سؤال هستی، پس همچون مهربانی من به تو به ناتوانان رحم کن و به یتیم درشتی مکن.

ای عیسی! در خلوت ها [وتنهایی] بر خود گریه کن، وباپای خویش به سوی مکانهای مخصوص نماز گام بردار، وسخنت را که با یاد من [مترّنم و] لذت بخش شده، به گوش من برسان،

فَإِنَّ صَنِيعِی إِلَيْکَ حَسَنٌ.

يَا عِيسی! کَمْ مِنْ امَّهٍ قَدْ أَهْلَکْتُهَا بِسَالِفِ ذُنُوبٍ قَدْ عَصَمْتُکَ مِنْهَا.

يَا عِيسی! ارْفَقْ بِالضَّعِيفِ، وَارْفَعْ طَرْفَکَ الْکَلِيلَ إِلَی السَّمَاءِ، وَادْعُنِی فَإِنِّی مِنْکَ قَرِيبٌ، وَلَا تَدْعُنِی إِلَّا مُتَضَرِّعاً إِلَيَّ وَهَمُّکَ هَمٌّ وَاحِدٌ، فَإِنَّکَ مَتَی تَدْعُنِی کَذٰلِکَ أُجِبْکَ.

يَا عِيسی! إِنِّی لَمْ أَرْضَ بِالدُّنْيَا ثَوَاباً لِمَنْ کَانَ قَبْلَکَ، وَلَا عِقَاباً لِمَنِ انْتَقَمْتُ مِنْهُ.

يَا عِيسی! إِنَّکَ تَفْنی، وَ أَنَا أَبْقی، وَمِنِّی رِزْقُکَ، وَعِنْدِی مِيقَاتُ أَجَلِکَ، وَإِلَيَّ إِيَابُکَ، وَ عَلَيَّ حِسَابُکَ، فَسَلْنِی وَلَا تَسْأَلْ غَيْرِی، فَيَحْسُنُ مِنْکَ الدُّعَاءُ وَمِنِّی الإِجَابَهُ.

يَا عِيسی! مَا أَکْثَرَ الْبَشَرَ، وَأَقَلَّ عَدَدَ مَنْ صَبَرَ، الأَشْجَارُ کَثِيرَهٌ وَطَيِّبُهَا قَلِيلٌ، فَلا يَغُرَّنَّکَ حُسْنُ شَجَرَهٍ حَتّی تَذُوقَ ثَمَرَهَا.

يَا عِيسی! لَايَغُرَّنَّکَ الْمُتَمَرِّدُ عَلَيَّ بِالْعِصْيَانِ، يَأْکُلُ رِزْقِی وَيَعْبُدُ غَيْرِی، ثُمَّ يَدْعُونِی عِنْدَ الْکَرْبِ فَأُجِيبُهُ،

که رفتار من با تو نیک است.

ای عیسی! چه بسیار گروهها [واقوامی] را که به سبب گناهان پیشینشان هلاک کردم وتو را از آنها پاک نگه داشتم.

ای عیسی! با ناتوان مدارا کن، وچشم نارسای خود را به سوی آسمان بگشا ومرا بخوان که من به تو نزدیکم، ومرا جز با حالت تضرّع مخوان ودر آن حال همّت تو یکی باشد، که اگر مرا اینگونه بخوانی، به تو پاسخ خواهم داد.

ای عیسی! من نمی پسندم که دنیا پاداش برای پیشینیان، و عقاب برای [تبهکاران] مورد کیفرم باشد.

ای عیسی! تو فانی می شوی ومن باقی خواهم ماند، وروزی تو از طرف من، ووقت مخصوص مرگ تو نزد من، وبازگشت تو به سوی من، وحسابرسی تو بر عهدهٔ من است، پس از من درخواست کن وجز از من مخواه که دعای نیکو از تو وپاسخ از من خواهد بود.

ای عیسی! آدمیان چه بسیار وشمار شکیبایان چه کم است، درختان، بسیار وخوب آنها اندک است، پس زیبایی درختی، پیش از آنکه میوه اش را بچشی تو را فریب ندهد.

ای عیسی! آنکس که با نافرمانی، بر من سرکش شده تو را نفریبد، روزی مرا می خورد ودیگری را عبادت می کند، و هنگام سختی مرا می خواند وپاسخش می گویم،

ص:۵۳

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ، فَعَلَيَّ يَتَمَرَّدُ أَمْ بِسَخَطِي يَتَعَرَّضُ!؟، فَبِي حَلَفْتُ لَآخُذَنَّهُ أَخْذَةً لَيْسَ لَهُ مِنْهَا مَنْجًى، وَلَا دُونِي مَلْجَأٌ، (أَيْنَ يَهْرُبُ مِنْ سَمَائِي وَأَرْضِي.)(۱) يَا عِيسَى! قُلْ لِظَلَمَهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَاتَدْعُونِي وَالسُّحْتُ تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ وَالْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنِّي آلَيْتُ أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِي، وَأَنْ أَجْعَلَ إِجَابَتِي إِيَّاهُمْ لَعْناً عَلَيْهِمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا.

يَا عِيسَى! كَمْ أُطِيلُ النَّظَرَ، وَأُحْسِنُ الطَّلَبَ، وَالْقَوْمُ فِي غَفْلَةٍ لَايَرْجِعُونَ، تَخْرُجُ الْكَلِمَةُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ لَاتَعِيهَا قُلُوبُهُمْ، يَتَعَرَّضُونَ لِمَقْتِي، وَيَتَحَبَّبُونَ بِقُرْبِي(۲) إِلَى الْمُؤْمِنِينَ.

يَا عِيسَى! لِيَكُنْ لِسَانُكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَهِ وَاحِداً، وَكَذَلِكَ فَلْيَكُنْ قَلْبُكَ وَ بَصَرُكَ، وَ اطْوِ قَلْبَكَ وَلِسَانَكَ عَنِ المحارِمِ، وَكُفَّ(۳) بَصَرَكَ عَمَّا لَاخَيْرَ فِيهِ، فَكَمْ مِنْ نَاظِرٍ نَظْرَةً قَدْ زَرَعَتْ فِي قَلْبِهِ شَهْوَةً، وَ وَرَدَتْ بِهِ مَوَارِدَ حِيَاضِ(۴) الْهَلَكَهِ.

ص:۵۴

۱- (۱)) لیس فی الجواهر السنیه..

۲- (۲)) لیس فی الجواهر السنیه، وفی الأمالی والبحار، وبعض نسخ المصدر «بی»..

۳- (۳)) - «وغضّ» الأمالی و الجواهر السنیه والبحار..

۴- (۴)) لیس فی الجواهر السنیه والبحار..

سپس بر همـان شـیوه بـاز می گردد، آیـا بر من سرکشـی می کنـد؟ یـا خود را در معرض خشم من قرار می دهـد؟! سوگنـد به خودم، چنان او را گرفتار کنم که راه رهایی وپناهگاهی جز من برایش نباشد، از آسمان وزمینِ من به کجا می گریزد؟

ای عیسـی! به سـتمگران بنی اسـرائیل بگو: شـما در حـالی که مـال حرام را زیر دامن خود داریـد وبتهـا را در خـانه هایتـان، مرا نخوانیـد، که من قسم خورده ام کسـی که مرا بخوانـد اجـابت کنم، واجابتم نسـبت به آنها لعن برایشان خواهـد بود تا پراکنـده شوند.

ای عیسـی! تا چنـد [دربارهٔ ایشان] تأمل کنم، و [تا چه حـد از آنان زیبا] وخوب بخواهم، وحال آنکه این گروه در بی خبری به سر برنـد و [از اعمـال زشت خود] بـاز نگردنـد، سـخن از دهانشـان بیرون آیـد [امّا با] دلهای خویش آنرا در نیابنـد، خود را در معرض خشم من قرار دهند، وبا مقرّب نمایاندن خود به من، محبّت مؤمنان را جلب کنند.

ای عیسـی! زبـان تو در پنهان و آشـکار بایـد یکی باشـد، و دل و چشـم تو [نیز بایـد] همینگونه باشـد، و دل و زبانت را از حرام بازدار، وچشمت را از آنچه خیری در آن نیست نگه دار، چه بسیار بیننده ای که یک نگاه او شهوتی را در دلش کاشت،

ص:۵۵

و او را به ورودی گودالهای نابودی درآورد.

یا عِیسی! کُنْ رَحِیماً مُتَرَحِّماً، وَکُنْ کَمَا تَشَاءُ أَنْ یَکُونَ الْعِبَادُ لَکَ،(۱) وَأَکْثِرْ ذِکْرَکَ الْمَوْتَ(۲) ، وَمُفَارَقَهَ الأَهْلِینَ، وَلَا تَلْهُ فَإِنَّ اللَّهْوَ یُفْسِدُ صَاحِبَهُ، وَلَاتَغْفُلْ فَإِنَّ الْغَافِلَ مِنِّی بَعِیدٌ، وَاذْکُرْنِی بِالصَّالِحَاتِ حَتّی أَذْکُرَکَ.

یَا عِیسی! تُبْ إِلَیَّ بَعْدَ الذَّنْبِ، وَذَکِّرْ بِیَ الأَوَّابِینَ، وَآمِنْ بِی، وَتَقَرَّبْ بِی إِلَی الْمُؤْمِنِینَ، وَمُرْهُمْ یَدْعُونِی مَعَکَ، وَإِیَّاکَ وَدَعْوَهَ الْمَظْلُومِ، فَإِنِّی آلَیْتُ عَلی نَفْسِی أَنْ أَفْتَحَ لَهَا بَاباً مِنَ السَّمَاءِ بِالْقَبُولِ، وَأَنْ أُجِیبَهُ وَلَوْ بَعْدَ حِینٍ.

یَا عِیسی! اعْلَمْ أَنَّ صَاحِبَ السَّوْءِ یُعْدِی(۳) ، وَقَرِینَ السَّوْءِ یُرْدِی، وَاعْلَمْ مَنْ تُقَارِنُ، وَاخْتَرْ لِنَفْسِکَ إِخْوَاناً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ.

یَا عِیسی! تُبْ إِلَیَّ فَإِنِّی لَایَتَعَاظَمُنِی ذَنْبٌ أَنْ أَغْفِرَهُ، وَأَنا أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ، اعْمَلْ(۴) لِنَفْسِکَ فِی مُهْلَهٍ مِنْ أَجَلِکَ قَبْلَ أَنْ لَایَعْمَلَ لَهَا غَیْرُکَ، وَاعْبُدْنِی لِیَوْمٍ کَأَلْفِ سَنَهٍ مِمَّا تَعُدُّونَ،

۱- ((۱)) - بزیاده «للعباد» الأمالی والبحار..

۲- ((۲)) - بدل «ذکرک الموت» فی بقیه المصادر «ذکر الموت»..

۳- ((۳)) - «یغوی» الأمالی والبحار..

۴- ((۴)) - «یا عیسی! اعمل» الأمالی والبحار..

ای عیسی! مهربان و مهرورز باش، و آنگونه باش که می خواهی بندگان خدا برای تو باشند، و از مرگ، و فراق خویشان، فراوان یاد کن، و به کارهای بیهوده سرگرم نشو، که سرگرمی به بیهوده ها صاحب خود را تباه می سازد، و غافل مشو که غافل از من دور است، و مرا با انجام نیکیها یاد کن تا به یاد تو باشم.

ای عیسی! پس از گناه بسوی من توبه کن، و مرا به یاد توبه کنندگان آور، و به من ایمان آر، و بواسطۀ من به مؤمنان نزدیک شو، و به آنها دستور ده که بهمراه تو مرا بخوانند، و از نفرین مظلوم برحذر باش، که من به ذات خود قسم خورده ام که برای نفرین او دری از آسمان برای قبولی بگشایم، و نفرینش را هرچند پس از مدتی اجابت کنم.

ای عیسی! بدان یار بد [آدمی را] آلوده می کند، وهمنشین بد [او را] از پا در می آورد، وبدان که با چه کس همنشین هستی، و [تنها] از [میان] مؤمنان، [یاران و] برادران خود را برگزین.

ای عیسی! به سوی من بازگرد [وتوبه کن]، که هیچ گناهی [نزد من] برای بخشش بزرگ ننماید، ومن مهربان ترین مهربانانم، در فرصتی که از عمر خود داری، برای خود کاری انجام ده، پیش از آنکه دیگران برایت نکنند، وبرای روزی که همچون هزار سال شماست مرا پرستش کن،

ص:۵۷

فِيهِ أَجْزِی بِالْحَسَنَهِ أَضْعَافَهَا، وَإِنَّ السَّيِّئَهَ تُوبِقُ صَاحِبَهَا، فَامْهَدْ لِنَفْسِکَ فِی مُهْلَهٍ، وَنَافِسْ فِی العَمَلِ الصَّالِحِ، فَکَمْ مِنْ مَجْلِسٍ قَدْ نَهَضَ أَهْلُهُ وَ هُمْ مُجَارُونَ مِنَ النَّارِ.

يَا عِيسَى! ازْهَدْ فِی الفَانِی الْمُنْقَطِعِ، وَطَأْ رُسُومَ مَنَازِلِ مَنْ کَانَ قَبْلَکَ، فَادْعُهُمْ وَنَاجِهِمْ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ، وَخُذْ مَوْعِظَتَکَ مِنْهُمْ، وَاعْلَمْ أَنَّکَ سَتَلْحَقُهُمْ فِی اللَّاحِقِينَ.

(يَا عِيسَى! قُلْ لِمَنْ تَمَرَّدَ عَلَيَّ بِالْعِصْيَانِ وَعَمِلَ بِالإِدْهَانِ لِيَتَوَقَّعْ عُقُوبَتِی، وَيَنْتَظِرْ إِهْلاکِی إِيَّاهُ، سَيُصْطَلَمُ مَعَ الْهَالِکِينَ.

طُوبَى لَکَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ، ثُمَّ طُوبَى لَکَ إِنْ أَخَذْتَ بِأَدَبِ إِلٰهِکَ الَّذِی يَتَحَنَّنُ عَلَيْکَ تَرَحُّماً، وَبَدَأَکَ بِالنِّعَمِ مِنْهُ تَکَرُّماً، وَکَانَ لَکَ فِی الشَّدَائِدِ.

لَا تَعْصِهِ يَا عِيسَى! فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَکَ عِصْيَانُهُ، قَدْ عَهِدْتُ إِلَيْکَ کَمَا عَهِدْتُ إِلَى مَنْ کَانَ قَبْلَکَ، وَأَنَا عَلَى ذٰلِکَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.) (۱)

۱- (۱)) من «يا عيسى! قل» الى «الشاهدين» ليس فی بعض نسخ الأمالی..

که در آن [روز] در مقابل کار نیک چندین برابر پاداش دهم، وهمانا گناه، گناهکار را نابود می کند، پس در فرصتی [که داری] برای خود [توشه ای] آماده کن، ودر کار خوب [وعمل صالح] پیشی بگیر، که چه بسا نشستی که چون اهل آن برخیزند از آتش پناه یافته باشند.

ای عیسی! به چیزی که فانی و زوال پذیر است دل مبند، و بر آثار منازل جامانده از پیشینیان خود پا گذار، پس آنان را صدا بزن و با آنان هم راز شو، آیا کسی از ایشان را می یابی؟ و پند خود را از آنان دریاب، و بدان که تو نیز در زمرهٔ دیگران به آنان خواهی پیوست.

ای عیسی! به کسی که با گناه بر من سرکشی کند، و با خدعه [ونیرنگ] رفتار کند، بگو که باید کیفر و هلاک کردن مرا انتظار کشد، و بزودی با هلاک شدگان ریشه کن خواهد شد.

خوشا به حالت! باز هم خوشا بحالت ای فرزند مریم! اگر ادب [وتربیت] خدایت را بپذیری، آن خدایی که از روی مهربانی بر تو دلسوز است، واز روی کرم نعمت ها بر تو آغاز نمود، ودر سختی ها یار تو بود.

ای عیسی! او را نافرمانی نکن که نافرمانیش بر تو روا نیست، من به تو سفارش کردم همانگونه که بر پیشینیان تو سفارش نمودم، ومن از گواهان این سفارشم.

ص:۵۹

يَا عِيسى! مَا أَكْرَمْتُ خَلِيقَةً بِمِثْلِ دِينِى، وَلَا أَنْعَمْتُ عَلَيْهَا بِمِثْلِ رَحْمَتِى.

يَا عِيسى! اغْسِلْ بِالْمَاءِ مِنْكَ مَا ظَهَرَ، وَ دَاوِ بِالْحَسَنَاتِ مِنْكَ مَا بَطَنَ، فَإِنَّكَ إِلَيَّ رَاجِعٌ.

(يَا عِيسى! أَعْطَيْتُكَ مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ فَيْضاً مِنْ غَيْرِ تَكْدِيرٍ، وَ طَلَبْتُ مِنْكَ قَرْضاً لِنَفْسِكَ فَبَخِلْتَ(١) بِهِ عَلَيْهَا لِتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ.

يَا عِيسى! تَزَيَّنْ بِالدِّينِ وَحُبِّ الْمَسَاكِينِ، وَامْشِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً، وَصَلِّ عَلَى الْبِقَاعِ، فَكُلُّهَا طَاهِرٌ.)(٢) يَا عِيسى! شَمِّرْ، فَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ، وَاقْرَأْ كِتَابِى وَأَنْتَ طَاهِرٌ، وَأَسْمِعْنِى مِنْكَ صَوْتاً حَزِيناً.

(يَا عِيسى! لَاخَيْرَ فِى لَذَاذَةٍ لَاتَدُومُ، وَعَيْشٍ مِنْ صَاحِبِهِ يَزُولُ.

١- (١)) - المقصود أُمّه عيسى..

٢- (٢)) من «يا عيسى! أعطيتك» الى «طاهر» ليس فى الأمالى..

ای عیسی! هیچ آفریده ای را چون دینم گرامی نداشتم ونعمتی بهتر از رحمت خود بر آفریدگانم ندادم.

ای عیسی! ظاهر خود را با آب شستشو ده وباطن خود را با نیکی ها درمان کن، که تو به سوی من باز می گردی.

ای عیسی! آنچه نعمت به تو دادم از روی فیض وبدون کدورت بخشیدم، واز تو به سود خودت، وامی خواستم که تو(۱) از دادن آن بخل ورزیدی تا در نتیجه از هلاک شدگان گردی.

ای عیسی! خود را با دین، ومحبت مسکینان زینت ده، وبر روی زمین با فروتنی راه برو، و برجای جای زمین نمازگذار که همهٔ آن ها پاک است.

ای عیسی! آماده باش که هرآنچه آمدنی است نزدیک است، وکتاب مرا در حال پاکی تلاوت کن، وصدای اندوهناکی [از نیایش خود] به گوش من برسان.

ای عیسی! در لذتی که پایدار نیست وزندگانی که از دست صاحبش می رود خیری نیست.

۱- ((۱)) - مقصود امت عیسی است..

يَا ابْنَ مَرْيَمَ! لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعْدَدْتُ لِأَوْلِيَائِيَ الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ، وَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقاً إِلَيْهِ، فَلَيْسَ كَدَارِ الآخِرَهِ دَارٌ، تَجَاوَرَ فِيهَا الطَّيِّبُونَ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلائِكَهُ الْمُقَرَّبُونَ، وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ، دَارٌ لَايَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ، وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا.

يَا ابْنَ مَرْيَمَ! نَافِسْ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ، فَإِنَّهَا أُمْنِيَّهُ الْمُتَمَنِّينَ(۱) ، حَسَنَهُ الْمَنْظَرِ.

طُوبَى لَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ! إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ لَاتَبْغِي بِهَا بَدَلاً وَلَا تَحْوِيلاً، كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ.

يَا عِيسَى! اهْرُبْ إِلَيَّ مَعَ مَنْ يَهْرُبُ مِنْ نَارٍ ذَاتِ لَهَبٍ، وَنَارٍ ذَاتِ أَغْلالٍ، وَأَنْكَالٍ لَايَدْخُلُهَا رَوْحٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَداً، قِطَعٌ كَقِطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ مَنْ يَنْجُ مِنْهَا يَفُزْ، وَلَنْ يَنْجُوَ مِنْهَا مَنْ كَانَ مِنَ الْهَالِكِينَ، هِيَ دَارُ الْجَبَّارِينَ وَالْعُتَاهِ الظَّالِمِينَ وَكُلِّ فَظٍّ غَلِيظٍ وَكُلِّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

ص:۶۲

۱- (۱)) «المتقين» الجواهر السنيه..

ای فرزنـد مریم! اگر آنچه را برای دوسـتان صالـح خود آماده کرده ام به چشم می دیدی، دلت از شوق آب می شد، وروح از بـدنت خارج می گشت، هیـچ خانه ایماننـد سـرای آخرت نیست، که در آن پاکان همسایه یکدیگرنـد، وفرشـتگان مقرّب بر آنان وارد می شوند، این در حالی است که آنان از هراس آنچه در روز قیامت پیش آید در امانند، سـرایی که نعمت ها در آن دگرگون نمی شود، واز صاحبش جدا نمی گردد.

ای فرزنـد مریم! در بـدست آوردن آن خانه [خانهٔ آخرت] با رقیبان به رقابت پرداز، که آن خانه، نهایت آرزوی آرزومندان، و خوش منظراست.

خوشا به حالت ای فرزند مریم! که از کوشـندگان برای آن خانه باشـی، که با پدرانت آدم وابراهیم در بهشت ها و نعمت هایی قرار گیری که هیچ چیز را با آن مبادله نکنی و جابجایی آنرا نخواهی، این چنین با پرهیزگاران رفتار می کنم.

ای عیسـی! تو نیز با آنان که از آتش پرشـرار دوزخ می گریزند، به سوی من بگریز، آتشی که زنجیرها وکندها دارد، نه شادی در آن وارد شـود، ونـه هرگز غمی از آن بیرون رود، پـاره هـایی است همچـون پـاره هـای شب تـار، هر که از آن نجـات یـابد رسـتگار شود، وآنکه از هلاـک شـدگان است هرگز نجات نیابـد، آن جا خانـهٔ جباران و سرکشان سـتمگر و هر درشت خوی سنگدل و هر خودپسند فخرفروش است.

ص:۶۳

یَا عِیسی□! بِئْسَتِ الدَّارُ لِمَنْ رَکَنَ إِلَیْهَا، وَبِئْسَ الْقَرَارُ دَارُ الظَّالِمِینَ، إِنِّی أَحَذِّرُکَ نَفْسَکَ، فَکَنْ بِی خَبِیراً.

یَا عِیسی□! کُنْ حَیْثُ مَا کُنْتَ مُرَاقِباً لِی(۱) ، وَاشْهَدْ عَلَی□ أَنِّی خَلَقْتُکَ وَأَنْتَ عَبْدِی، وَ أَنِّی صَوَّرْتُکَ وَإِلَی الأَرْضِ أَهْبَطْتُکَ(۲).

یَا عِیسی□! لَایَصْلُحُ لِسَانَانِ فِی فَمٍ وَاحِدٍ، وَلَا قَلْبَانِ فِی صَدْرٍ وَاحِدٍ، وَکَذ□لِکَ الأَذْهَانُ.

یَا عِیسی□! لَاتَسْتَیْقِظَنَّ عَاصِیاً، وَلَا تَسْتَنْبِهَنَّ(۳) لَاهِیاً، وَافْطِمْ نَفْسَکَ عَنِ الشَّهَوَاتِ المُوبِقَاتِ، وَکُلُّ شَهْوَةٍ تُبَاعِدُکَ مِنِّی فَاهْجُرْهَا، وَاعْلَمْ أَنَّکَ مِنِّی بِمَکَانِ الرَّسُولِ الأَمِینِ، فَکُنْ مِنِّی عَلَی□ حَذَرٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ دُنْیَاکَ مُؤَدِّیَتُکَ إِلَیَّ، وَ أَنِّی آخُذُکَ بِعِلْمِی، فَکُنْ ذَلِیلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِکْرِی، خَاشِعَ الْقَلْبِ حِینَ تَذْکُرُنِی، یَقْظَاناً عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِینَ.

یَا عِیسی□! هَذِهِ نَصِیحَتِی إِیَّاکَ وَمَوْعِظَتِی لَکَ، فَخُذْهَا مِنِّی، وَ إِنِّی رَبُّ الْعَالَمِینَ.

ص:۶۴

۱- (۱)) - بدل «مراقباً لی» فی الجواهر السنیه: «علی□ اقبالی»..

۲- (۲)) «اعیدک» الجواهر السنیه..

۳- (۳)) - «لا تشبهنّ» الجواهر السنیه..

ای عیسی! این خانه برای کسی که به آن اعتماد کند بد خانه ای است، وسرای ستمکاران بد جایگاهی است، من تو را از [هوای] خودت برحذر می دارم، پس نسبت به من آگاه [وبینا] باش.

ای عیسی! هرکجا که هستی مراقب من باش، و شاهد باش که من تو را آفریدم وتو بندهٔ من هستی، ومن تو را بدین شکل درآورده وبه زمین فرود آوردم.

ای عیسی! دو زبان در یک دهان، و دو دل در یک سینه نشاید، و همینگونه است خاطرها.

ای عیسی! بیداری گنهکار را مجوی، و آگاهی سرگرم به دنیا را مخواه، وخودت را از خواسته های هلاکت بار جدا کن، و از هر خواسته ای که تو را از من دور می کند، دوری گزین، وبدان که تو نزد من جایگاه پیامبری امین را دارا هستی، پس از من بر حذر باش وبدان [گذر] دنیایت تو را به من خواهد رساند، ومن تو را بر اساس علم خویش بازخواست خواهم نمود، پس هنگام ذکر من فروتن، و هنگامی که مرا یاد می کنی نرم دل، و هنگام خواب غافلان بیدار باش.

ای عیسی! این خیرخواهی من برای تو واندرزم به تواست، پس آنرا از من بگیر که من پروردگار جهانیانم.

ص:۶۵

يَا عِيسى! إِذَا صَبَرَ عَبْدِي فِي جَنْبِي كَانَ ثَوَابُ عَمَلِهِ عَلَيَّ، وَكُنْتُ عِنْدَهُ حِينَ يَدْعُونِي، وَكَفى بِي مُنْتَقِماً مِمَّنْ عَصَانِي، أَيْنَ يَهْرُبُ مِنِّي الظَّالِمُونَ؟

يَا عِيسى! أَطِبِ الكَلامَ، وَ كُنْ حَيْثُما كُنْتَ عَالِماً مُتَعَلِّماً.

يَا عِيسى! أَفِضْ بِالْحَسَنَاتِ إِلَيَّ حَتَّى يَكُونَ لَکَ ذِكْرُهَا عِنْدِي، وَتَمَسَّکْ بِوَصِيَّتِي، فَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً لِلْقُلُوبِ.)(۱) يا عِيسى! لَاتَأْمَنْ - إِذَا مَكَرْتَ - مَكْرِي، وَلَا تَنْسَ عِنْدَ خَلَوَاتِ الدُّنْيا ذِكْرِي.

(يَا عِيسى! حاسِبْ(۲) نَفْسَکَ بِالرُّجُوعِ إِلَيَّ، حَتَّى تَتَنَجَّزَ ثَوَابَ مَا عَمِلَهُ الْعَامِلُونَ، أُولَئِکَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ، وَأَنَا خَيْرُ المُؤْتِينَ.

يَا عِيسى! كُنْتَ خَلْقاً بِكَلامِي، وَلَدَتْکَ مَرْيَمُ بِأَمْرِي، الْمُرْسَلُ إِلَيْهَا رُوحِي جَبْرَئِيلُ الأَمِينُ مِنْ مَلائِكَتِي، حَتّى قُمْتَ عَلَى الأَرْضِ حَيّاً تَمْشِي، كُلُّ ذَلِکَ فِي سَابِقِ عِلْمِي.

ص:۶۶

۱- (۱)) من «يا عيسى! لا خيرَ» الى «للقلوب» ليس في الأمالي، وبدله «قال وكان في ما وعظ اللّه عزّ وجلّ به عيسى بن مريم عليه السلام أيضاً أن قال له:»..

۲- (۲)) - «خلّص» الجواهر السنيه..

ای عیسی! آنهنگام که بنده ام بخاطر من صبوری کند، پاداش کار او بر من است، و هنگامی که مرا می خواند، نزد او هستم، ومن برای انتقام کشی از آنان که نافرمانیم کنند بَس هستم، ستمکاران از من به کجا می گریزند؟

ای عیسی! خوش سخن باش، و هر کجا هستی عالِم متعلّم باش.

ای عیسی! نیکیهای فراوان بسوی من فرست تا یاد آنها - به سود تو - نزد من باشد، وبه سفارش من چنگ زن که در آن شفای دلهاست.

ای عیسی! چون مکر کنی از مکر من ایمن مباش، و در تنهایی های دنیا یاد مرا فراموش مکن.

ای عیسی! با [یاد] بازگشت به سوی من از خود حسابرسی کن، تا پاداش عمل نیکوکاران را به قطع دریابی، پاداش آنان پرداخت خواهد شد، ومن بهترین پرداخت کنندگانم.

ای عیسی! تو به کلام من آفریده شدی، مریم تو را به امر من زایید، روح خود - جبرئیل (امین فرشتگانم) - را به سوی او فرستادم، تا [این که تو به صورت موجود] زنده بر روی زمین بپا خواسته راه می روی، اینها در علم ازلی من بود.

ص:۶۷

يَا عِيسىٰ□! زَكَرِيّا بِمَنْزِلَهِ أَبِيكَ، وَ كَفِيلُ أُمِّكَ إِذْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ فَيَجِدُ عِنْدَهَا رِزْقاً، وَنَظِيرُكَ يَحْيىٰ□ مِنْ خَلْقِي، وَهَبْتُهُ لِأُمِّهِ بَعْدَ الْكِبَرِ مِنْ غَيْرِ قُوَّةٍ بِهَا، أَرَدْتُ بِذٰلِكَ أَنْ يَظْهَرَ لَهَا سُلْطَانِي، وَيَظْهَرَ فِيكَ قُدْرَتِي، أَحَبُّكُمْ إِلَيَّ أَطْوَعُكُمْ لِي وَأَشَدُّكُمْ خَوْفاً مِنِّي.)(۱) يَا عِيسىٰ□! تَيَقَّظْ وَلَا تَيْأَسْ مِنْ رَوْحِي، وَسَبِّحْنِي مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِي، وَبِطَيِّبِ الْكَلامِ فَقَدِّسْنِي.

(يَا عِيسىٰ□! كَيْفَ يَكْفُرُ الْعِبَادُ بِي وَنَوَاصِيهِمْ فِي قَبْضَتِي، وَ تَقَلُّبُهُمْ فِي أَرْضِي، يَجْهَلُونَ نِعْمَتِي، وَيَتَوَلَّوْنَ عَدُوِّي، وَكَذٰلِكَ يَهْلِكُ الْكَافِرُونَ.)(۲) يَا عِيسىٰ□! إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنٌ مُنْتِنُ الرِّيحِ، وَحَسُنَ فِيهَا مَا قَدْ تَرَى مِمَّا قَدْ تَذَابَحَ عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، وَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا، فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ.

(يَا عِيسىٰ□! ابْغِنِي عِنْدَ وِسَادِكَ تَجِدْنِي، وَادْعُنِي وَأَنْتَ لِي مُحِبٌّ،

ص:۶۸

۱- (۱)) من «يا عيسىٰ□! حاسب» الیٰ□ «خوفاً منّی» لیس فی الأمالی..

۲- (۲)) من «يا عيسىٰ□! كيف» الیٰ□ «الكافرون» لیس فی الأمالی..

ای عیسی! زکریا همچون پدر تو وسرپرست مادر تو است؛ چون در محراب بر مریم وارد می شد نزد او غذا می یافت، ودر میان مخلوقاتم یحیی هم مانند تو است، که او را به مادرش پس از پیری بدون داشتن نیرویی بخشیدم، خواستم با این کار سلطنتم برای او آشکار شود، وقدرتم در تو نمایان گردد.

محبوبترین شما در نزد من مطیع ترین شما وخائف ترین شما از من است.

ای عیسی! بیدار شو واز رحمت من ناامید مباش، وبا تسبیح گویان تسبیح من بگوی، وبا سخن خوش مرا تقدیس کن.

ای عیسی! بندگان چگونه به من کفر می ورزند وحال آنکه موی پیشانی آنها در مشت من، و جابجا شدن شان در زمین من است؟ نعمت های مرا نادیده، ودشمن مرا سرپرست خود می گیرند، واین چنین کافران نابود می گردند.

ای عیسی! دنیا، زندان بدبو است، وخوب در آن همانست که می بینی که ستمکاران یکدیگر را بر سر آن می کشند.

واز دنیا برحذر باش، که همهٔ نعمتهایش از بین می رود، ونعمتهای آن جز اندکی نیست.

ای عیسی! مرا [هنگام خواب] نزد بالش خود طلب کن تا مرا بیابی، ودر حالیکه دوستدارم هستی مرا بخوان،

فَإِنِّی أَسْمَعُ السَّامِعِینَ، أَسْتَجِیبُ لِلدَّاعِینَ إِذَا دَعَوْنِی.

یَا عِیسیؑ! خَفْنِی وَخَوِّفْ بِی عِبَادِی لَعَلَّ الْمُذْنِبِینَ أَنْ یُمْسِکُوا عَمَّا هُمْ عَامِلُونَ بِهِ، فَلا یَهْلِکُوا إِلّا وَهُمْ یَعْلَمُونَ.

یَا عِیسیؑ! ارْهَبْنِی رَهْبَتَکَ مِنَ السَّبُعِ وَالْمَوْتِ الَّذِی أَنْتَ لَاقِیهِ، فَکُلُّ هَـٰذَا أَنَا خَلَقْتُهُ، فَإِیَّایَ فَارْهَبُونِ.)(۱) یا عِیسیؑ! إِنَّ المُلْکَ لِی وَبِیَدِی، وَأَنَا المَلِکُ، فَإِنْ تُطِعْنِی أَدْخَلْتُکَ جَنَّتِی فِی جِوَارِ الصَّالِحِینَ.

(یَا عِیسیؑ! إِنِّی إِذَا غَضِبْتُ عَلَیْکَ لَمْ یَنْفَعْکَ رِضَا مَنْ رَضِیَ عَنْکَ، وَإِنْ رَضِیتُ عَنْکَ لَمْ یَضُرَّکَ غَضَبُ المُغْضِبِینَ.

یَا عِیسیؑ! اذْکُرْنِی فِی نَفْسِکَ أَذْکُرْکَ فِی نَفْسِی، وَاذْکُرْنِی فِی مَلَئِکَ أَذْکُرْکَ فِی مَلَإٍ خَیْرٍ مِنْ مَلَإِ الآدَمِیِّینَ.)(۲) یَا عِیسیؑ! ادْعُنِی دُعَاءَ الْغَرِیقِ الْحَزِینِ الَّذِی لَیْسَ لَهُ مُغِیثٌ.

۱- (۱)) من «یا عیسیؑ! ابغنی» الیؑ «فارهبون» لیس فی الأمالی..

۲- (۲)) من «یا عیسیؑ! إنّی اذا غضبت» الیؑ «الآدمیّین» لیس فی الأمالی..

که من شنواترین شنوایانم، ودعای دعاکنندگان را که مرا می خوانند اجابت کنم.

ای عیسی! از من بترس وبندگانم را از من بترسان، بسا گنهکاران از آنچه مشغول آن هستند دست نگهدارند، ودر نتیجه جز از روی آگاهی [واتمام حجت] هلاک نشوند.

ای عیسی! همانند ترسی که از درّنده، واز مرگی که به آن خواهی رسید داری از من بترس، که همهٔ اینها را من آفریده ام، پس فقط از من بترسید.

ای عیسی! سلطنت از آن من وبدست من است، وپادشاه من هستم، پس اگر از من فرمانبری تو را در بهشتم در کنار نیکوکاران وارد کنم.

ای عیسی! اگر من بر تو خشم گیرم، خرسندی آنکه از تو راضی است تو را سود نرساند، واگر از تو خرسند شوم، خشم خشمگینان تو را زیان نرساند.

ای عیسی! مرا پیش خود یاد کن، تا تو را پیش خود یاد کنم، و مرا در جمع [مردم] خود یاد کن، تا تورا در جمع بهتر از آدمیان یاد کنم.

ای عیسی! همچون غرق شده [دلشکسته و] غمگینی که فریادرسی ندارد مرا بخوان.

ص:۷۱

يَا عِيسى! لَاتَحْلِفْ بِى كَاذِباً فَيَهْتَزَّ عَرْشِى غَضَباً، الدُّنْيا(۱) قَصِيرَهُ الْعُمُرِ، طَوِيلَهُ الأمَلِ، وَعِنْدِى دَارٌ خَيْرٌ مِمَّا تَجْمَعُونَ.

يَا عِيسى!(۲) كَيْفَ أَنْتُمْ صَـانِعُونَ إِذَا أَخْرَجْتُ لَكُمْ كِتَاباً يَنْطِقُ بِـالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَشْـهَدُونَ بِسَـرَائِرَ قَـدْ كَتَمْتُمُوهَـا، وَأَعْمَـالٍ كُنْتُمْ بِهَا عَامِلِينَ.

يَا عِيسى! قُلْ لِظَلَمَهِ بَنِى إِسْـرَائِيلَ غَسَـلْتُمْ وُجُوهَكُمْ، وَدَنَّسْـتُمْ قُلُوبَكُمْ، أَ بِى تَغْتَرُّونَ(۳) ، أَمْ عَلَىَّ تَجْتَرِئُونَ، تَطَيَّبُونَ بِـالطِّيبِ لِـأَهْلِ الدُّنْيا وَأَجْوَافُكُمْ عِنْدِى بِمَنْزِلَهِ الْجِيَفِ المُنْتِنَهِ، كَأَنَّكُمْ أَقْوَامٌ مَيِّتُونَ.

يَا عِيسى! قُـلْ لَهُمْ قَلِّمُوا أَظْفَـارَكُمْ مِنْ كَسْبِ الحَرَامِ، وَأَصِـمُّوا أَسْـمَاعَكُمْ عَنْ ذِكْرِ الْخَنَا، وَأَقْبِلُوا عَلَىَّ بِقُلُوبِكُمْ، فَإِنِّى لَسْتُ أُرِيدُ صُوَرَكُمْ.

يَا عِيسى! افْرَحْ بِالْحَسَنَهِ فَإِنَّهَا لِى رِضًى، وَابْكِ عَلَى السَّيِّئَهِ فَإِنَّهَا شَيْنٌ(۴) ، وَمَا لَاتُحِبُّ أَنْ يُصْنَعَ بِكَ فَلا تَصْنَعْهُ بِغَيْرِكَ،

ص:۷۲

۱- ((۱)) - «يا عيسى! الدنيا» الأمالى والبحار..

۲- ((۲)) - بزياده «قل لظلمه بنى اسرائيل» الأمالى والجواهر السنيه..

۳- ((۳)) - «تفترون» الجواهر السنيه..

۴- ((۴)) - بدل «فإنها شَين» فى الأمالى والجواهر السنيه والبحار «فإنها سخط»..

ای عیسی! به دروغ بر من قسم مخور که عرشم از خشم به لرزه در آید، دنیا عمری کوتاه، و آرزویی دراز دارد، و نزد من سرایی [جاودان] است بهتر از آنچه شما گرد می آورید.

ای عیسی! هنگامی که برایتان طوماری بیرون آورم که بدرستی سخن گوید چه خواهید کرد؟ و شما اعتراف خواهید کرد به رازهایی که می پوشانیدید، و کارهائی که انجام می دادید.

ای عیسی! به ستمگران بنی اسرائیل بگو صورتهای خود را شستید ودلهایتان را چرکین کردید، آیا به من غرّه شده اید یا بر من گستاخی می کنید؟! خود را برای اهل دنیا پاکیزه جلوه می دهید در حالیکه درون شما نزد من همچون مرداری بدبوست، گویا شما مردمی مرده هستید.

ای عیسی! به آنها بگو: ناخنهای خود را از کسب حرام کوتاه کنید، وگوشهایتان را از شنیدن دشنام بازدارید، وبا دلهای خود بسوی من رو آورید که من صورت ظاهر شما را نمی خواهم.

ای عیسی! به کار نیک شادمان شو که خشنودی من در آنست، وبر کار بد گریان باش که آن ننگ است، وآنچه دوست نداری با تو انجام دهند، با دیگران انجام نده،

ص:۷۳

وَإِنْ لَطَمَ خَدَّكَ الأيْمَنَ فَأَعْطِهِ الأيْسَرَ(۱) ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ بِالْمَوَدَّهِ جُهْدَكَ، وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ.

(يَا عِيسى! ذِلَّ لِأَهْلِ الْحَسَنَهِ، وَشَارِكْهُمْ فِيهَا، وَكُنْ عَلَيْهِمْ شَهِيداً، وَقُلْ لِظَلَمَهِ بَنِی إِسْرَائِيلَ يَا أَخْدَانَ(۲) السَّوْءِ وَالجُلَسَاءَ عَلَيْهِ، إنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَخْكُمْ قِرَدَهً وَخَنَازِيرَ.)(۳) يا عِيسى! قُلْ لِظَلَمَهِ بَنِی إِسْرَائِيلَ الحِكْمَهُ تَبْكِی فَرَقاً مِنِّی وَأَنْتُمْ بِالضِحْكِ تَهْجُرُونَ، أَتَتْكُمْ بَرَاءَتِی؟! أَمْ لَدَيْكُمْ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِی؟! أَمْ تَعَرَّضُونَ لِعُقُوبَتِی؟! فَبِی حَلَفْتُ لَأَتْرُكَنَّكُمْ(۴) مَثَلًا لِلْغَابِرِينَ.

ثُمَّ أُوصِيكَ - يَا ابْنَ مَرْيَمَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ - بِسَيِّدِ المُرْسَلِينَ وَحَبِيبِی، فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبُ الجَمَلِ الأَحْمَرِ، وَالْوَجْهِ الأَقْمَرِ، المُشْرِقِ بِالنُّورِ، الطَّاهِرِ القَلْبِ، الشَّدِيدِ البَأْسِ، الْحَيِیِّ الْمُتَكَرِّمِ،

ص:۷۴

۱- (۱)) - جاء ذلک فی شريعه عيسی عليه السلام؛ لکن حکم الاسلام بهذا الخصوص هو: «القصاص؛ والعفو أفضل»..

۲- (۲)) - «اخوان» الجواهر السنيه..

۳- (۳)) من «يا عيسی! ذل» الی «خنازير» ليس فی الأمالی..

۴- (۴)) «لأجعلنكم» الجواهر السنيه..

واگر گونه راستت را سیلی زدنـد گونـهٔ چپ را نیز در اختیار بگذار(۱) ، تـا توانی بـا محبت خالصـانه به من نزدیـک شو، واز نادانان روی گردان باش.

ای عیسی! برای نیکوکاران فروتن باش، ودر کار نیک با آنان شریک شو، وبر آنها گواه باش، وبه ستمکاران بنی اسرائیل بگو: ای دوستان وهم نشینان بدی، اگر دست برندارید شما را به صورت بوزینه وخوک مسخ می کنم.

ای عیسـی! به سـتمکاران بنی اسرائیل بگو: حکمت از بیم من می گرید وشما خنده کنان یاوه می گویید؟! آیا برات آزادی من به شـما رسـیده است؟! یـا امـان نامه ای از کیفر من نزد خود داریـد؟! یا خود را در معرض عقوبت من قرار می دهیـد؟! پس به ذات خود سوگند یاد می کنم که شما را عبرتی برای آیندگان قرار خواهم داد.

سپس ای فرزند مریم - آن دوشیزهٔ از مردم بریدهٔ به خدا پیوسته - تو را به سرور پیامبران وحبیب خودم احمد، دارای شتر سرخ موی، وصورت ماه گون، [پیغمبر] نور افشان، پاک دل، دلیر، با حیای بزرگوار سفارش می کنم

۱- (۱)) - این از تعالیم شریعت حضرت مسیح است، ولی در شریعت اسلام حکم آن قصاص، و اگر عفو کند بهتراست..

فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ، و سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ يَلْقَانِى، أَكْرَمُ السَّابِقِينَ عَلَيَّ وَأَقْرَبُ الْمُرْسَلِينَ مِنِّى، الْعَرَبِيُّ الأَمِينُ،(۱) الدَّيَّانُ بِدِينِى، الصَّابِرُ فِى ذَاتِى، المجَاهِدُ الْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ(۲) عَنْ دِينِى، أَنْ تُخْبِرَ بِهِ بَنِى إِسْرَائِيلَ، وَتَأْمُرَهُمْ أَنْ يُصَدِّقُوا بِهِ، وَأَنْ يُؤْمِنُوا بِهِ، وَأَنْ يَتَّبِعُوهُ(۳) ، وَأَنْ يَنْصُرُوهُ.

قَالَ عِيسى عليه السلام: إِلَهِى مَنْ هُوَ حَتّى أُرْضِيَهُ فَلَكَ الرِّضَى.

قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، أَقْرَبُهُمْ مِنِّى مَنْزِلَةً، وَأَحْضَرُهُمْ(۴) شَفَاعَةً، طُوبى لَهُ مِنْ نَبِيٍّ وَطُوبى لِأُمَّتِهِ إِنْ هُمْ لَقُونِى عَلَى سَبِيلِهِ يَحْمَدُهُ أَهْلُ الأَرْضِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ.

أَمِينٌ مَيْمُونٌ، طَيِّبٌ مُطَيَّبٌ، خَيْرُ(۵) الْبَاقِينَ عِنْدِى، يَكُونُ فِى آخِرِ الزَّمَانِ، إِذَا خَرَجَ أَرْخَتِ السَّمَاءُ عَزَالِيَهَا، وَأَخْرَجَتِ الأَرْضُ زَهْرَتَهَا، (حَتّى يَرَوا البَرَكَهَ)(۶) ، وَأُبَارِكُ لَهُمْ فِيما وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ، كَثِيرُ الأَزْوَاجِ، قَلِيلُ الأَوْلَادِ،

۱- (۱)) - «الأُمّىّ» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

۲- (۲)) - «ببدنه» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

۳- (۳)) «وأن يطيعوه» الجواهر السنيه..

۴- (۴)) - «واوجبهم عندى» الأمالى والجواهر والبحار..

۵- (۵)) - بزياده «الماضين و» الأمالى والبحار..

۶- (۶)) - ليس فى الأمالى..

که او رحمت برای جهانیان، وسرور فرزندان آدم است، در روزی که مرا دیدار کند، گرامی ترین پیشینیان نزد من، ونزدیکترین پیامبران به من است، آن عربی امین، پایبند به دین من، شکیبا دربارهٔ من، مجاهد با مشرکان با دست خود در راه دین من، [آری تو را سفارش می کنم که] به بنی اسرائیل از این پیامبر خبر دهی، وفرمان دهی که او را تصدیق کنند، وبه او ایمان آورند، و او را پیروی کنند ویاری رسانند.

عیسی عرض کرد: پروردگارم او کیست که او را خشنودکنم که خشنودی از آن توست.

فرمود: او محمد (ص) فرستادهٔ خدا به سوی همهٔ مردم است، که منزلتش از همگان به من نزدیک تر، وآماده ترین ایشان در شفاعت است.

خوشا به حال چنین پیامبری! وخوشا به حال امتش اگر [با پایداری] بر راه او مرا دیدار نمایند! زمینیان او را ستایش کنند، و آسمانیان برای او آمرزش خواهند. [او] درستکار، فرخنده، پاک و پاکیزه، و بهترینِ باقیماندگان، نزد من است، او در آخر الزمان خواهد بود، چون ظهور کند آسمان برکات خویش را فرو می ریزد، و زمین شکوفه هایش را بیرون آورد، تامردم برکت را ببینند، و برای مردم در آنچه او دست گذارد برکت آورم، او را همسران زیاد و اولادِ کم است،

يَسْكُنُ بَكّهَ مَوْضِعَ أَسَاسِ إِبْرَاهِيمَ.

يَا عِيسىَ! دِينُهُ الْحَنِيفِيَّهُ، وَقِبْلَتُهُ يَمَانِيَّهٌ(١) ، وَهُوَ مِنْ حِزْبِی، وَأَنَا مَعَهُ، فَطُوبیَ لَهُ، ثُمَّ طُوبیَ لَهُ.

لَهُ الْكَوْثَرُ وَالْمَقَامُ الأَكْبَرُ فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ، يَعِيشُ أَكْرَمَ مَنْ عَاشَ، وَيُقْبَضُ شَهِيداً.

لَهُ حَوْضٌ أَكْبَرُ مِنْ بَكَّهَ إِلیَ مَطْلَعِ الشَّمْسِ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُوم فِيهِ آنِيَهٌ مِثْلُ نُجُوم السَّمَاءِ، (وَأَكْوَابٌ مِثْلُ مَدَرِ الأَرْضِ،)(٢) عَذْبٌ(٣) فِيهِ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَطَعْمِ كُلِّ ثِمَارٍ فِی الجَنَّهِ؛ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَهً لَمْ يَظْمَأْ أَبَداً(٤).

(وَذَلِكَ مِنْ قَسْمِی لَهُ، وَتَفْضِيلِی إِيَّاهُ،) (٥)[أبعثه](٦) عَلَی فَتْرَهٍ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، يُوَافِقُ سِرُّهُ عَلانِيَتَه، وَقَوْلُهُ فِعْلَهُ، لَا يَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِمَا يَبْدَؤهُمْ بِهِ، دِينُهُ الْجِهَادُ فِی عُسْرٍ وَيُسْرٍ،

ص:٧٨

١- ((١)) - «مكيه» الأمالی والبحار. وإنّما هی يمانيه لأنّ مكه من تهامه وتهامه من اليمن. انظر مرآه العقول ج ٢٥ ص ٣٣۴، والنهايه ج ۵ ص ٣٠٠..

٢- ((٢)) - ليس فی الأمالی..

٣- ((٣)) «ماؤه عذب» الأمالی والجواهر السنيه والبحار..

۴- ((۴)) «بعدها أبداً» الأمالی والجواهر السنيه والبحار..

۵- ((۵)) - ما بين القوسين ليس فی الأمالی والبحار..

۶- ((۶)) اثبتناه من الأمالی والجواهر السنيه والبحار..

در مکه جایگاه بنای ابراهیم سکنی گزینند.

ای عیسی! دین او دین حنیف ابراهیم [یکتاپرستی] است، وقبلهٔ او مکهٔ یمانی(۱) است، و او از گروه [و حزب] من و من با او هستم، پس خوشا به حال او! باز خوشا به حال او! کوثر [و خیر سرشار]، و برترین جایگاه بهشتهای جاوید از آن اوست.

گرامی ترین زندگی را می کند، وشهید از دنیا می رود، برای او حوضی است بزرگ تر از مکه تا محل طلوع آفتاب که پر از شراب [طهور دست نخورده و] سربسته است، در آن ظرف هایی [درخشان] همچون ستارگان آسمان، و جام هائی [زیبا] همچون [جام های ظریف و زیبای برخواسته از] گِل خالص زمین است، شراب گوارایی که در آن از هر نوشیدنی ومزهٔ هر میوهٔ بهشتی وجود دارد، هرکس از آن یکبار بنوشد تا ابد تشنه نخواهد شد.

واین از بهرهٔ من به او، وبرتری است که از جانب من دارد، او را پس از فاصله زمانی میان تو و او مبعوث خواهم کرد، و او کسی است که پنهان او با آشکارش، و گفتار او با کردارش برابر است، به مردم فرمانی نمی دهد مگر به چیزهایی که خود به آن آغاز می کند، در سختی وگشایش آئین او جهاد است،

۱- (۱)) - زیرا مکه از تهامه، و تهامه از سرزمین یمن محسوب می شود..

تَنْقَادُ لَهُ الْبِلادُ، وَيَخْضَعُ لَهُ صَاحِبُ الرُّومِ، عَلىَ دِينِ إِبْرَاهِيمَ(١) ، يُسَـمِّی عِنْدَ الطَّعَامِ، وَيُفْشِی السَّلامَ، وَيُصَلِّی وَالنَّاسُ نِيَامٌ، لَهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسُ صَـلَوَاتٍ مُتَوَالِيَـاتٍ، (يُنَادِی إِلَی الصَّلاهِ كَنِـدَاءِ الْجَيْشِ بِالشِّعَارِ،)(٢) وَيَفْتَتِحُ بِالتَّكْبِيرِ، وَيَخْتَتِمُ بِالتَّسْـلِيمِ، وَيَصُفُّ قَدَمَيْهِ فِی الصَّلاهِ كَمَا تَصُفُّ الْمَلائِكَهُ أَقْدَامَهَا، وَيَخْشَعُ لِی قَلْبُهُ وَرَأْسُهُ.

النُّورُ فِی صَدْرِهِ، وَالْحَقُّ عَلىَ لِسَانِهِ، وَهُوَ عَلَی(٣) الْحَقِّ حَيْثُمَا كَانَ.

(أَصْـلُهُ يَـتِيمٌ ضَـالٌّ بُرْهَـهً مِنْ زَمَـانِهِ عَمَّا يُرَادُ بِهِ،)(۴) تَنَـامُ عَيْنَـاهُ وَلَـا يَنَـامُ قَلْبُـهُ، لَهُ الشَّفَـاعَهُ وَعَلىَ امَّتِهِ تَقُـومُ السَّاعَهُ، وَيَـدِی فَـوْقَ أَيْدِيهِمْ(۵) ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلىَ نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفىَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ أَوْفَيْتُ لَهُ بِالْجَنَّهِ.

ص:٨٠

١- (١)) - بدل «علىَ دين ابراهيم» فی الأمالی والجواهر السنيه والبحار: «علىَ دينه ودين أبيه إبراهيم»..

٢- (٢)) - ليس فی الأمالی..

٣- (٣)) - «مع» الأمالی والبحار..

۴- (۴)) - ليس فی الأمالی..

۵- (۵)) - بزياده «اذا بايعوه»، الأمالی والجواهر السنيه والبحار..

سرزمینها فرمانپـذیر او می شونـد، وپادشاه روم برای او سرتسـلیم فرود می آورد، [او] بر روش ابراهیم علیه السـلام است، هنگام غذا نام خدا می برد، وآشکارا سلام می کند، ودر حالی که مردم در خوابند نماز می گذارد، او در هر روز پنج نماز پی در پی دارد، همچون نـدای فراخوانی سپاه جنگی، برای نماز نـدا می دهـد، وآنرا با تکبیر شـروع می کند، وبا سـلام به پایان می برد، گامهایش را در نماز همچون گامهای صفوف فرشتگان به نظم می آورد، ودل وسر او برای من خاشع [وافتاده] است.

نور در سینۀ او وحق بر زبان او جاری است، واو هر کجا که باشد بر حق است.

اصل او یتیم، وبرهه ای از عمرش از مقصود خلقتش [نبوت] ناشـناخته است، چشـمان او به خواب می رود ودل او نمی خوابـد، شفـاعت از آن اوست، وقیـامت بر امّت او برپـا می گردد، و [چون امّتش با او بیعت کننـد] دست من بر دست آنانست، پس هر که پیمان شکند بر زیان خویش پیمان شکسته است، وهرکس به آنچه بر آن عهد بسته وفا کند من نیز با بهشت [به وعده خود] برای او وفا می کنم.

ص:۸۱

فَمُرْ ظَلَمَهَ بَنِی إِسْرَائِیلَ أَلَّا یَدْرُسُوا کُتُبَهُ، وَلَا یُحَرِّفُوا سُنَّتَهُ، وَأَنْ یُقْرِؤوهُ السَّلامَ، فَإِنَّ لَهُ فِی المَقَامِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ.

یَا عِیسی! کُلُّ مَا یُقَرِّبُکَ مِنِّی فَقَدْ دَلَلْتُکَ عَلَیْهِ، وَ کُلُّ مَا یُبَاعِدُکَ مِنِّی فَقَدْ نَهَیْتُکَ عَنْهُ، فَارْتَدْ لِنَفْسِکَ.

یَا عِیسی! إِنَّ الدُّنْیَا حُلْوَهٌ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتُکَ فِیهَا(۱) ، فَجَانِبْ مِنْهَا مَا حَذَّرْتُکَ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أَعْطَیْتُکَ عَفْواً.

یَا عِیسی! انْظُرْ فِی عَمَلِکَ نَظَرَ الْعَبْدِ الْمُذْنِبِ الْخَاطِئِ، وَلَا تَنْظُرْ فِی عَمَلِ غَیْرِکَ بِمَنْزِلَهِ الرَّبِّ، کُنْ فِیهَا زَاهِداً، وَلَا تَرْغَبْ فِیهَا فَتَعْطَبَ.

یَا عِیسی! اعْقِلْ، وَتَفَکَّرْ، وَانْظُرْ فِی نَوَاحِی الأَرْضِ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِینَ.

یَا عِیسی! کُلُّ وَصْفِی(۲) لَکَ نَصِیحَهٌ، وَکُلُّ قَوْلِی لَکَ حَقٌّ، وَأَنَا الحَقُّ المُبِینُ، فَحَقّاً أَقُولُ: لَئِنْ أَنْتَ عَصَیْتَنِی بَعْدَ أَنْ أَنْبَأْتُکَ مَا لَکَ مِنْ دُونِی وَلِیٌّ وَلَا نَصِیرٌ.

ص:۸۲

۱- (۱)) - بزیاده «لتطیعنی» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..

۲- (۲)) - «کلّ وصیتی» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..

پس به ستمگران بنی اسرائیل فرمان ده که کتاب های او را محو نکنند، وروش او را تحریف ننمایند، وبه او سلام گویند، که او در مقام [ومنزلت]، جایگاه ویژه ای دارد.

ای عیسی! هر آنچه تو را به من نزدیک سازد تو را بر آن رهنمون شدم، وهرچه تو را از من دور می ساخت تو را از آن باز داشتم، پس در اندیشهٔ خویش باش.

ای عیسی! بدرستیکه دنیا شیرین است و من تو را در آن به کار گماشتم [تا مرا بندگی کنی]، پس از آنچه از دنیا بیمت دادم دوری گزین، واز آنچه بی پرسش به تو بخشیدم بهره گیر.

ای عیسی! در کار خویش همچون نگاه بندهٔ گنهکارِ خطاکار بنگر، ودر کار دیگران همچون پروردگار ننگر، در دنیا زاهد باش وشیفتهٔ آن مباش که هلاک می شوی.

ای عیسی! عقل خود را به کارگیر وبیندیش، ودر اطراف زمین بنگر که سرانجام ستمگران چگونه شد؟

ای عیسی! همهٔ بیان من برای تو اندرز است، وهمهٔ گفتار من به تو حق است، ومنم آن حق آشکار، پس بدرستی می گویم، پس از این گرازشم اگر نافرمانی من کنی، غیر من هیچ سرپرست ویاوری نخواهی داشت.

ص:۸۳

يَا عِيسى! أَذِلَّ قَلْبَک بِالْخَشْيَهِ، وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْکَ(۱) ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَکَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ کُلِّ خَطِیئَهٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيا، فَلا تُحِبَّهَا، فَإِنِّی لَاأُحِبُّهَا.

يَا عِيسى! أَطِبْ لِی قَلْبَکَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِی فِی الْخَلَوَاتِ، وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِی أَنْ تُبَصْبِصَ إِلَيَّ، كُنْ فِی ذَلِکَ حَيّاً، وَلَا تَكُنْ مَيِّتاً.

يَا عِيسى! لَاتُشْرِکْ بِی شَيْئاً، وَكُنْ مِنِّی عَلَى حَذَرٍ، وَلَا تَغْتَرَّ بِالصِّحَّهِ وَ [لا](۲) تُغَبِّطْ نَفْسَکَ، فَإِنَّ الدُّنْيا كَفَيْءٍ زَائِلٍ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَدْبَرَ، فَنَافِسْ فِی الصَّالِحَاتِ جُهْدَکَ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُما كَانَ، وَإِنْ قُطِّعْتَ وَأُحْرِقْتَ بِالنَّارِ، فَلا تَكْفُرْ بِی بَعْدَ المَعْرِفَهِ، فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ، (فَإِنَّ الشَّيْءَ يَكُونُ مَعَ الشَّيْءِ.)(۳) يا عِيسى! صُبَّ لِیَ الدُّمُوعَ مِنْ عَيْنَيْکَ، وَاخْشَعْ لِی بِقَلْبِکَ.

ص:۸۴

۱- ((۱)) - بدل «أسفل منک» فی الجواهر السنیه «دونک»..

۲- ((۲)) - من الأمالی والجواهر السنیه والبحار..

۳- ((۳)) لیس فی الأمالی..

ای عیسی! دل خود را با ترس من رام کن، و [در امور دنیوی] به پائین تر از خود بنگر، وبه بالاتر از خود نظر مدوز، وبدان اساس هر خطا وگناهی محبت دنیاست، پس آنرا دوست ندار که من نیز آنرا دوست نمی دارم.

ای عیسی! دل خود را برای من پاکیزه کن، ودر تنهایی ها بسیار به یاد من باش، وبدان که شادمانیم به آنست که نزد من تملق [وخوش زبانی] کنی، در این کار زنده دل باش ومرده مباش.

ای عیسی! هیچ چیز را شریک من قرار نده، و از من برحذر باش، و به تندرستی خود مغرور مشو، و [در رقابت های دنیوی] خود را مورد رشک دیگران قرار مده، چرا که دنیا همچون سایه ای از میان رفتنی است، وآنچه از آن روآوَرَد همچون همانست که پشت کرده، پس با تمام توان خود در کارهای نیک به رقابت بپرداز، وبا حق هرجا که هست همراه باش، وپس از شناخت من، اگر قطعه قطعه شدی وبا آتش سوزانده شدی به من کفر مورز، پس حتماً از جاهلان مباش که هرچیز با چیزِ [نظیر خود] همراه است.

ای عیسی! برای من از دو چشمت اشکها بریز، وبا دلت برایم فروتنی کن.

ص:۸۵

يَا عِيسى! اسْتَغِثْ بِى(۱) فِى حَالَاتِ الشِّدَّهِ، فَإِنِّى اغِيثُ المَكْرُوبِينَ، وَأَجِيبُ المُضْطَرِّينَ، وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.(۲)

ص:۸۶

۱- (۱)) - بدل «استغث بی» فی الأمالی والبحار: «استغفرنی»..

۲- (۲)) الکافی ج ۸ ص ۱۳۱ ح ۱۰۳. عنه المجلسی رحمه الله فی کتاب الأربعین ص ۴۶۲ الحدیث الثلاثون، وفی أمالی الصدوق ص ۳۰۷، المجلس ۷۸ ح ۱ باسناده الی علی بن أسباط عن علی بن أبی حمزه عن أبی بصیر عن أبی عبد اللّه علیه السلام مثله، وفی الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه: الباب العاشر ص ۹۷، وبحار الانوار ج ۱۴ ص ۲۸۹ ح ۱۴ عن الکافی والأمالی، وقال المجلسی فی المرآه ج ۲۵ ص ۳۱۳-۳۱۴ الحدیث حسن او موثق؛ وبعد ذکره سند الأمالی قال: فالخبر موثق علی الأظهر..

ای عیسی! در سختی ها از من فریادرسی خواه که من فریادرس گرفتارانم، ودرمانده ها را پاسخ گویم، ومن مهربانترین مهربانانم.

ص:۸۷

حدیث معراج (یا أحمد)

اشاره

ص:۸۹

حَدِيثُ لَيلهِ المعراجِ

قال العلّامه المجلسی قدس سره: «رأیت فی بعض الکتب لهذا الحدیث سنداً هکذا: قال الإمام أبو عبد الله محمد بن علی البلخی، عن أحمد بن إسماعیل الجوهری، عن أبی محمد علی بن مظفر بن إلیاس العبدی، عن أبی نصر أحمد بن عبد الله الواعظ، عن أبی الغنائم، عن أبی الحسن عبد الله بن الواحد بن محمد بن عقیل، عن أبی إسحاق إبراهیم بن حاتم الزاهد بالشام، عن إبراهیم بن محمد، عن عبد الله بن عبد الرحمن، عن أبی عبد الله عبد الحمید بن أحمد بن سعید، عن أبی بشر، عن الحسن بن علی المقری، عن أبی مسلم محمد بن الحسن المقری، عن الإمام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، عن أبیه، عن جدّه، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام قال:

ص:۹۰

حَدِیثُ شب معراج

علّامه مجلسی قدس سره در ذیل حدیث معراج - پیرامون سند آن - آورده است:

در بعضی از کتابها برای این حدیث سندی دیدم به این طریق:

امام ابوعبداللّه محمد بن علیّ بلخی، از احمد بن اسماعیل جوهری، از ابو محمّد علی بن مظفّر بن الیاس عبدی، از ابونصر احمد بن عبداللّه واعظ، از ابوالغنائم، از ابوالحسن عبداللّه بن واحد بن محمد بن عقیل، از ابوسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد، از عبداللّه بن عبدالرحمن، از ابوعبداللّه عبدالحمید بن احمد بن سعید، از أبوبشر، از حسن بن علی مقری، از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از علی بن أبی طالب علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

ص:۹۱

هذا ما سأل رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم ربّه لیله المعراج...»(۱). وقال أیضاً: «وجدت فی نسخه قدیمه اخری: قال الشیخ أبو عمرو عثمان بن محمد البلخی(۲): أخبرنا أبو بکر أحمد بن إسماعیل الجوهری قال: حدثنا أبو علی المطر بن إلیاس بن سعد بن سلیمان قال: أخبرنا أبو نصر أحمد بن عبد الله بن إسحاق الواعظ قال: أخبرنا أبو الغنائم الحسن بن حماد المقری قراءه بأهواز فی آخر شهر رمضان سنه ثلاث وأربعین وأربعمائه قال: أخبرنا أبو مسلم محمد بن الحسن المقری قراءه علیه من أصله قال: حدّثنا عبد الواحد بن محمد بن عقیل قال: أخبرنا أبو إسحاق إبراهیم بن حاتم الزاهد بالشام(۳) قال: حدثنا إبراهیم بن محمد بن أحمد(۴) قال حدثنا إسحاق بن بشر(۵) ، عن جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، عن أبیه، عن جده، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام...»(۶).

۱- ((۱)) - البحار ج ۷۷ ص ۳۰..

۲- ((۲)) - المتوفی بیلخ فی جمادی الاولی سنه ۵۳۷. انظر سیر اعلام النبلاء: ج ۲۰ ص ۱۶۶ رقم ۱۰۱..

۳- ((۳)) - انظر تاریخ مدینه دمشق: ج ۶ ص ۳۷۷-۳۷۸..

۴- ((۴)) - هو ابو اسحاق التستری. انظر تاریخ مدینه دمشق: ص ۳۷۷-۳۷۸..

۵- ((۵)) هو ابو حذیفه الکاهلی الخراسانی، عُدّ من أصحاب الامام الصادق علیه السلام. انظر رجال النجاشی: ص ۷۲ رقم ۱۷۱، ورجال الطوسی: ص ۱۴۹ رقم ۱۳۸، ومیزان الاعتدال: ج ۱ ص ۱۸۴ رقم ۷۳۹..

۶- ((۶)) البحار ج ۷۷ ص ۳۱..

این آن [حدیثی] است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از پروردگار خود در شب معراج درخواست کرد...».

باز علّامه مجلسی رضی الله عنه فرموده است: در نسخهٔ قدیم دیگری یافتم که: شیخ أبوعمر و عثمان بن محمد بلخی، از ابوبکر احمد بن اسماعیل جوهری، از أبو علی مطر بن إلیاس بن سعد بن سلیمان، از أبونصر احمد بن عبداللّه بن إسحاق واعظ - که در اهواز، در آخر ماه رمضان ۴۴۳ هجری قمری، به صورت قرائت - از ابوالغنائم حسن بن حمّاد مقری - که به صورت قرائت از اصل آن - از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از عبدالواحد بن محمد بن عقیل، از ابواسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد بن احمد، از اسحاق بن بشر، از [امام] جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از [امام] علی بن ابی طالب علیهم السلام، همانند این حدیث را نقل کرده است.

ص:۹۳

وأمّا نص الحديث فقد نقله العلّامه المجلسی قدس سره عن إرشاد القلوب للدیلمی قدس سره، وقال:

روی عن أمیر المؤمنین علیه السلام أن النّبیّ صلی الله علیه و آله و سلم سأل ربّه سبحانه لیله المعراج فقال: یا رَبِّ أیُّ الأعمالِ أفضَلُ؟

فقالَ اللهُ عزَّ وجلَّ: لَیسَ شَیْءٌ عِندی أفضَلَ مِنَ التَّوَکُّلِ عَلَیَّ وَالرِّضی بِما قَسَمْتُ.

یـا مُحَمَّدُ! وَجَبَتْ مَحَبَّتِی للمُتَحابِّینَ فِیَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِی للمُتَعاطِفِینَ(۱) فِیَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتی للمُتَواصِلِینَ فِیَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتی للمُتَوَکِّلِینَ عَلَیَّ، وَلَیسَ لِمَحَبَّتی عَلَمٌ وَلا غایَهٌ وَلا نِهایَهٌ، وَکُلَّما رَفَعْتُ لَهُمْ عَلَماً وَضَعْتُ لَهُمْ عَلَماً، اولئِکَ الَّذینَ نَظَروا إلی المَخلوقِینَ بِنَظَرِی إلَیهِمْ، وَلا یَرفَعوا(۲) الحَوائِجَ إلَی الخَلقِ، بُطونُهُمْ خَفیفَهٌ مِنْ أکلِ الحَلالِ(۳) ، نَعیمُهُم فی الدُّنیا ذِکری وَمَحَبَّتی وَرِضایَ عَنهُمْ.

ص:۹۴

۱- (۱)) - «للمتقاطعین» الجواهر السنیه..

۲- (۲)) - «ولم یرفعوا» الإرشاد..

۳- (۳)) «الحرام» الإرشاد..

علّامه مجلسی رضی الله عنه متن حدیث را از کتاب ارشاد القلوب دیلمی نقل کرده و فرموده است: از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار سبحان پرسید:

پروردگارا: بهترین عمل کدام است؟

خدا - که عزیز و با شکوه است - فرمود: نزد من هیچ چیز بهتر از توکّل بر من، و رضا به آنچه قسمت کرده ام نیست.

أی محمّد! محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من همدیگر را دوست می دارند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من با هم مهربانی می کنند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من با هم پیوند می یابند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که بر من توکّل می کنند، و برای محبّت من نشان [حدّ و حدود] وسرآمد و پایانی نیست، و هر زمان برای ایشان نشان [حدّی] برافرازم، نشانِ [حدّی دیگر] را پائین آورم(۱) ، آنان کسانی اند که با دیدن من به آفریده ها می نگرند، و نیازمندیهای خود را به [در خانهٔ] مخلوق نمی برند، شکم هایشان سبکبار از خوراک حلال است، خوشبختی [و سعادت] ایشان در دنیا یاد من، و محبّت من، وخشنودی من از ایشان است.

ص:۹۵

۱- ((۱)) - کنایه از این که با هدایت خود مرحله به مرحله تا بی نهایت به کمالشان می افزایم..

يا أحمَدُ إنْ أحبَبْتَ أنْ تَكونَ أورَعَ النّاسِ فَازْهَدْ فى الدُّنيا وَارْغَبْ فى الآخِرَهِ.

فقال: يا إلٰهى كَيفَ أزهَدُ فى الدُّنيا وَأرغَبُ فى الآخِرَهِ؟

قال: خُذْ مِنَ الدُّنيا خِفّاً(١) مِنَ الطَّعامِ والشَّرابِ وَاللِّباسِ وَلا تَدَّخِرْ لِغَدٍ، وَدُمْ عَلىٰ ذِكري.

فقال: يا رَبِّ وَكَيفَ أَدومُ عَلىٰ ذِكرِكَ؟

فقال: بِالخَلوَهِ عَنِ النّاسِ، وَبُغضِكَ الحُلوَ وَالحامِضَ، وَفَراغِ(٢) بَطنِكَ وَبَيتِكَ مِنَ الدُّنيا.

يا أحمَدُ! فَاحْذَرْ أنْ تَكونَ مِثلَ الصَّبِيِّ إذا نَظَرَ إلَى الأخضَرِ وَالأصفَرِ أحَبَّهُ، وَإذا اعطِىَ شيئاً مِنَ الحُلوِ وَالحامِضِ اغْتَرَّ بِهِ.

فَقالَ: يا رَبِّ دُلَّنى عَلىٰ عَمَلٍ أتَقَرَّبُ بِهِ إلَيکَ.

قالَ: اجْعَلْ لَيلَکَ نَهاراً، ونهارَکَ لَيلاً.

قال: يا رَبِّ كَيفَ ذلِكَ؟

قالَ: اجْعَلْ نَومَكَ صَلاةً، وَطَعامَكَ الجُوعَ.

١- (١)) - «حَفناً» الإرشاد..

٢- (٢)) «افراغ» الجواهر السنيه..

ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا بی میل و به آخرت مشتاق باش.

عرض کرد: معبودا! چگونه در دنیا زاهد، و به آخرت راغب باشم؟

فرمود: انـدکی از خوراک ونوشـیدنی و پوشاک دنیا را [برای امروز خود] بردار، وبرای فردای خود نینـدوز، وپیوسـته به یاد من باش.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه پیوسته به یاد تو باشم؟

فرمود: بـا خلوت [ودوری] از مردم [دنیـازده]، ونـاخوش داشـتن شـیرین و ترش [دنیـا]، و تهی ساختن شـکم و خانه از [لذیـذ و زیور] دنیا.

ای احمـد! خـود را دور بـدار از این که همچـون کـودک باشـی که چـون به سـبز و زرد بنگرد دوست بـدارد، وچون چیزی از شیرین و ترش به او دهند فریب خورد.

عرض کرد: پروردگارا! مرا بر عملی که با آن به تو تقرّب جویم راهنمائی کن.

فرمود: شب خود را روز، و روز خود را شب قرار ده.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه؟

فرمود: خواب خود را نماز قرار ده و خوراک خود را گرسنگی.

يا أحمَدُ! وَعِزَّتی وَجَلالی ما مِنْ عَبدٍ مُؤمِنٍ ضَمِنَ لی بِأربَعِ خِصالٍ إلّاأدخَلتُهُ الجَنَّهَ: يَطوِی لِسانَهُ فَلا يَفتَحُهُ إلّا بِما يَعنِيهِ، وَيَحفَظُ قَلبَهُ مِنَ الوَسواسِ، وَيَحفَظُ عِلمِی وَنَظَرِی إلَيهِ، وَتَكونُ قُرَّهُ عَينِهِ الجُوعَ.

يا أحمَدُ! لَو ذُقتَ حَلاوَهَ الجُوعِ وَالصَّمتِ وَالخَلوَهِ وَما وَرِثوا مِنها.

قال: يا رَبِّ ما مِيراثُ الجُوعِ؟

قالَ: الحِكمَهُ، وَحِفظُ القَلبِ، وَالتَّقَرُّبُ إلَیَّ، وَالحُزنُ الدّائِمُ، وَخِفَّهُ المَؤونَهِ بَينَ النّاسِ، وَقَولُ الحَقِّ، وَلا يُبالی عاشَ بِيُسْرٍ أَوْ بِعُسْرٍ.

يا أحمَدُ! هَلْ تَدری بِأَیِّ وَقتٍ يَتَقَرَّبُ العَبدُ إلَی اللّهِ؟ قالَ: لا يا رَبِّ.

قالَ: إذا كانَ جائِعاً أو ساجِداً.

ص:۹۸

ای احمـد! به عزّت و جلالم سوگنـد هیـچ بنـدۀ مؤمنی چهار خوی [وخصـلت] را برای من عهـده دار نشود مگر آن که او را به بهشت درآورم: زبان خود را ببندد و نگشاید مگر به سـخنی که مهمّش باشد، و قلب خود را از [حبّ دنیا و] وساوس نگهدارد، ومراقب آگاهی ودید من به خود باشد، ونور چشمش گرسنگی باشد.

ای احمد! ای کاش شیرینی گرسنگی وسکوت و تنهایی و آثاری را که از خود به إرث می نهند می چشیدی.

عرض کرد: پروردگارا! میراثِ [بازمانده از] گرسنگی چیست؟

فرمـود: حکمت، نگهـداری دل [از وسـاوس و خـواطر]، نزدیکی به من، انـدوه پیوسـته، کم هزینگی میـان مردم، گفتـار حقّ، و اهمیت ندادن به این که با آسانی زندگی کند یا با سختی.

ای احمد! آیا می دانی بندۀ [خدا] چه زمانی به خدا نزدیک می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: زمانی که گرسنه باشد یا در سجده.

يا أحمَدُ! عَجِبْتُ مِنْ ثَلاثَهِ عَبيدٍ(۱): عَبدٍ دَخَلَ فى الصَّلاهِ وَهُوَ يَعلَمُ إلىٰ مَنْ يَرفَعُ يَدَيهِ وَقُدّامَ مَنْ هُوَ، وَهُوَ يَنعَسُ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبدٍ لَهُ قُوتُ يَومٍ مِنَ الحَشِيشِ أو غَيرِهِ وَهُوَ يَهتَمُّ لِغَدٍ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبدٍ لا يَدرى أنّى راضٍ عَنهُ أمْ ساخِطٌ عَلَيهِ وَهُوَ يَضحَكُ.

يا أحمَدُ! إنَّ فى الجَنَّهِ قَصراً مِنْ لُؤْلُؤَهٍ فَوقَ لُؤْلُؤَهٍ وَدُرَّهٍ فَوقَ دُرَّهٍ لَيسَ فِيها قَصْمٌ وَلا وَصْلٌ، فِيها الخَواصُّ أَنظُرُ إلَيهِمْ كُلَّ يَومٍ سَبعِينَ مَرَّهٍ وَاُكَلِّمُهُمْ، كُلَّما نَظَرْتُ إلَيهِم أزِيدُ فى مُلكِهِمْ سَبعِينَ ضِعفاً، وإذا تَلَذَّذَ أهلُ الجَنَّهِ بِالطَّعامِ وَالشَّرابِ تَلَذَّذوا بِكَلامى وَذِكرى وَحَدِيثى.

قالَ: يا رَبِّ ما عَلاماتُ اولٰئِكَ؟

قالَ: هُمْ فى الدُّنيا مَسجونُونَ، قَدْ سَجَنوا ألسِنَتَهُمْ مِنْ فُضولِ الكَلامِ، وَبُطونَهُمْ مِنْ فُضولِ الطَّعامِ.

يا أحمَدُ! إنَّ المَحَبَّهَ لِلّٰهِ هِيَ المَحَبَّهُ للفُقَراءِ، وَالتَّقَرُّبُ إلَيهِمْ.

ص:۱۰۰

۱- (۱)) - «ثلاثه عبيد» ليس فى الجواهر السنيه..

ای احمـد! از سه کس در شـگفتم: از بنده ای که با حالت خواب زدگی به نماز درآید در حالی که می داند دسـتان خود را به سوی چه کسـی بالا می برد، و در پیشگاه چه کسی ایستاده است، و از بنده ای که روزی امروز خود را - هر چه باشد - دارد و با این حال غم فردا را می خورد، و از بنده ای که نمی داند آیا من از او خرسندم یا نه و در عین حال می خندد.

ای احمـد! همانا در بهشت قصـری است از مروارید روی مروارید، و از دُرّ روی دُرّ که بی هیچ شکسـتگی و پیوند [یکپارچه و زلال] است، و در آن خواصّ بندگان من زندگی می کنند، هر روز هفتاد بار به ایشان می نگرم و با ایشان سخن می گویم، هر زمـان به ایشـان بنگرم هفتـاد برابر بر ملـک [وقلمرو فرمـانروایی] ایشـان بیفزایم، وچون بهشتیـان بـا خوردنی هـا و نوشـیدنی ها کامیاب شوند ایشان از کلام و یاد و سخن من لذّت برند.

عرض کرد: پروردگارا! نشانه های ایشان چیست؟

فرمود: ایشان در دنیا زندانی اند، زبان های خود را از سخنان بیهوده، وشکم های خود را از خوراک اضافی بسته اند.

ای احمد! محبّت خدا همان محبّت فقرا، و نزدیک شدن به ایشان است.

ص:۱۰۱

قالَ: يا رَبِّ وَمَنِ الفُقَراءُ؟

قالَ: الَّذينَ رَضُوا بِالقَليلِ، وَصَبَرُوا عَلَى الجُوعِ، وَشَكَرُوا عَلَى الرَّخاءِ، وَلَمْ يَشكُوا جُوعَهُم وَلا ظَمَأَهُمْ، وَلَمْ يُكَذِّبُوا بِألسِنَتِهِمْ، وَلَمْ يَغضَبُوا عَلىٰ رَبِّهِمْ، وَلَمْ يَغتَمُّوا عَلىٰ ما فاتَهُمْ، وَلَمْ يَفرَحُوا بِما آتاهُمْ.

يا أحمَدُ! مَحَبَّتِى مَحَبَّةٌ للفُقَراءِ، فَأَدْنِ الفُقَراءَ وَقَرِّبْ مَجلِسَهُمْ مِنكَ أدْنُكَ، وَبَعِّدِ الأغنِياءَ، وَبَعِّدْ مَجلِسَهُمْ مِنكَ فَإنَّ الفُقَراءَ أحِبّائى.

يا أحمَدُ! لا تَتَزَيَّنْ بِلَيِّنِ اللِّباسِ، وَطَيِّبِ الطَّعامِ، وَلَيِّنِ الوَطاءِ، فَإنَّ النَّفسَ مَأوىٰ كُلِّ شَرٍّ، وَهِىَ رَفيقُ كُلِّ سُوءٍ، تَجُرُّها إلىٰ طاعَهِ اللّهِ، وَتَجُرُّكَ إلىٰ مَعصِيَتِهِ، وُتخالِفُكَ فى طاعَتِهِ، وَتُطِيعُكَ فيما تَكرَهُ، وَتَطغىٰ إذا شَبِعَتْ، وَتَشكُو إذا جاعَتْ، وَتَغضَبُ إذا افْتَقَرَتْ، وَتَتَكَبَّرُ إذا اسْتَغْنَتْ، وَتَنسىٰ إذا كَبُرَتْ، وَتَغفُلُ إذا أمِنَتْ، وَهِى قَرينَهُ الشَّيطانِ،

ص:١٠٢

عرض کرد: پروردگارا! فقرا چه کسانی اند؟

فرمود: آنانی که به اندک خرسندند، و بر گرسنگی بردبارند، و بردولتمندی سپاسگزارند، و از گرسنگی و تشنگی خود شِکوِه ندارند، و با زبان خود دروغ نگویند، و بر پروردگار خود خشمناک نباشند، و بر آنچه از دستشان رفته غم نخورند، و به آنچه [از دنیا] به دستشان آمده شادمان نباشند.

ای احمد! محبّت من محبّت به فقرا است، پس به فقرا نزدیک شو، و آنان را نزد یک خود بنشان تا تو را نزدیک خود کنم، و ثروتمندان [و دنیامداران] را [از خود] دور بدار، وآنان را نزدیک خود منشان که فقرا حبیبان می باشند.

ای احمد! با لباس نرم [ولطیف]، و خوراک [خوش و] گوارا، و زیرانداز نرم [ولطیف] خود را زینت مده، زیرا که نفس، پناهِ هر شرّ، و هم نشین هر بدی است، تو او را به طاعت خدا می کشانی، و او تو را به معصیت خدا می کِشد، و در طاعت خدا نافرمانیت می کند و در آنچه ناخوشایند تواست پیرویت می کند، و چون سیر شود طغیان می کند، و چون گرسنه شود شِکْوه می کند، و چون نیازمند شود خشمناک می گردد، و چون بی نیاز شود کبر می ورزد، وچون بزرگ شود فراموش می کند، و چون در أمان باشد غافل می شود، و نفس، همسر [وهمنشین] شیطان است،

وَمَثَلُ النَّفسِ كَمَثَلِ النُّعامَهِ تَأكُلُ الكَثيرَ، وَإذا حُمِّلَ عَلَيها لاتَطيرُ، وَمَثَلِ الدِّفلى لَونُهُ حَسَنٌ وَطَعمُهُ مُرٌّ.

يا أحمَدُ! أَبغِضِ الدُّنيا وَأهلَها، وَأَحِبَّ الآخِرَهَ وَأهلَها.

قالَ: يا رَبِّ وَمَنْ أهلُ الدُّنيا وَمَنْ أهلُ الآخِرَهِ؟

قالَ: أهلُ الدُّنيا مَنْ كَثُرَ أكلُهُ وَضِحكُهُ وَنَومُهُ وَغَضَبُهُ، قَليلُ الرِّضى، لا يَعتَذِرُ إلى مَنْ أساءَ إلَيهِ، وَلا يَقبَلُ مَعذِرَهَ مَنِ اعْتَذَرَ إلَيهِ، كَسلانٌ عِندَ الطّاعَهِ، شَجاعٌ عِندَ المَعصِيَهِ، أمَلُهُ بَعيدٌ، وَأَجَلُهُ قَريبٌ، لا يُحاسِبُ نَفسَهُ، قَليلُ المَنفَعَهِ، كَثِيرُ الكَلامِ، قَلِيلُ الخَوفِ، كَثِيرُ الفَرَحِ عِندَ الطَّعامِ، وَإنَّ أهلَ الدُّنيا لا يَشكُرونَ عِندَ الرَّخاءِ، وَلا يَصبِرُونَ عِندَ البَلاءِ، كَثيرُ النّاسِ عِندَهُمْ قَليلٌ، يَحمَدُونَ أنفُسَهُمْ بِما لا يَفعَلُونَ، وَيَدَّعُونَ بِما لَيسَ لَهُمْ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِما يَتَمَنَّونَ، وَيَذكُرونَ مَساوىَ النّاسِ، وَيُخفُونَ حَسَناتِهِمْ.

ص:۱۰۴

ومَثَل آن همچون شترمرغ است که فراوان می خورد، و چون بر آن بار کنند پرواز نمی کند [و با چالاکی و شتاب نمی رود]، و نیز همچون دِفْلی [: گیاه خرزهره] است که رنگ آن زیبا، و مزهٔ آن تلخ است.

ای احمد! از دنیا و أهل آن نفرت داشته باش، و آخرت و اهل آن را دوست بدار.

عرض کرد: پروردگارا! أهل دنیا کیست و أهل آخرت کیست؟

فرمود: أهل دنیا کسی است که خوراک و خنده و خواب و خشمش زیاد است، [از مقدّرات خداوند] بسیار کم خرسند است، از کسی که به او بدی کرده پوزش نمی خواهد، و پوزش عذرخواه خود را نمی پذیرد، هنگام طاعت تنبل است و هنگام معصیت بی باک، آروزیش بلند است وأجلش نزدیک، حسابرسِ [اعمالِ] خود نیست، کم سود، زیادگو [و پرحرف]، کم هراس [از خدا و قیامت]، وهنگام خوراک بسیار شاد است، وهمانا أهل دنیا هنگام فراوانی [وناز و نعمت] شکرگزار نیستند، وهنگام بلا [وگرفتاری] صبر نمی کنند، [خیر] زیاد مردم، نزد ایشان اندک بنماید، خود را به آنچه انجام نمی دهند می ستایند، و آنچه را که از ایشان نیست ادّعا می کنند، و دربارهٔ آنچه آرزو دارند سخن می گویند، و از بدی های مردم یاد می کنند وخوبی های ایشان را پنهان می دارند.

ص:۱۰۵

قالَ: يا رَبِّ هَلْ يَكونُ سِوىٰ هٰذا العَيبِ فی أهْلِ الدُّنيا؟

قالَ: يا أحمَدُ! إنَّ عَيبَ أهلِ الدُّنيا كَثيرٌ، فِيهِمُ الجَهْلُ وَالحُمْقُ، لا يَتَواضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنهُ، وَهُمْ عِندَ أنفُسِهِمْ عُقَلاءُ، وَعِندَ العارِفِينَ حُمَقاءُ.

يا أحمَدُ! إنَّ أهلَ الخَيرِ وَأهلَ الآخِرَهِ رَقيقَهٌ وُجُوهُهُم، كَثيرٌ حَياؤهُم، قَليلٌ حُمقُهُم، كَثيرٌ نَفعُهُم، قَليلٌ مَكرُهُم، النّاسُ مِنهُمْ فی راحَهٍ وَأنفُسُهُم مِنهُم فی تَعَبٍ، كَلامُهُم مَوزونٌ، مُحاسِبينَ لِأنفُسِهِم، مُتعِبِينَ لَها، تَنامُ أعيُنُهُم وَلا تَنامُ قُلوبُهُم، أعيُنُهُم باكِيَهٌ وَقُلوبُهُم ذاكِرَهٌ، إذا كُتِبَ النّاسُ مِنَ الغافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذّاكِرينَ، فی أوَّلِ النِّعمَهِ يَحمَدونَ، وَفی آخِرِها يَشكُرونَ، دُعاؤهُم عِندَ اللهِ مَرفُوعٌ، وَكَلامُهُمْ مَسمُوعٌ، تَفرَحُ المَلائِكَهُ بِهِم، يَدورُ دُعاؤهُمْ تَحتَ الحُجُبِ، يُحِبُّ الرَّبُّ أنْ يَسمَعَ كَلامَهُم كَما تُحِبُّ الوالِدَهُ وَلَدَها، وَلا يَشغَلُهُم عَنِ اللّهِ شَیْءٌ طَرفَهَ عَينٍ، وَلا يُريدُونَ كَثرَهَ الطَّعامِ، وَلا كَثرَهَ الكَلامِ، وَلا كَثرَهَ اللِّباسِ، النّاسُ عِندَهُمْ مَوتیٰ، وَاللّهُ عِندَهُم حَیٌّ قَيُّومٌ كَريمٌ،

عرض کرد: پروردگارا! آیا أهل دنیا غیر از این عیب ها، عیب دیگری دارند؟

فرمود: ای احمد! عیوب أهل دنیا فراوان است، در ایشان است نادانی و کم عقلی، به آموزگاران خود تواضع نمی کنند، وایشان نزد خود خردمند، و نزد عارفان نابخردند.

ای احمد! اهل خیر و آخرت، چهره هایشان با شرم، حیایشان فراوان، نابخردیشان اندک، سودشان بسیار، مکرشان [ناچیز و] اندک است، مردم از ایشان در آسایش، وخود از خود [در أثر مراقبه و تزکیه] در رنج اند، سخنشان [بی تناقض و] هماهنگ است، حسابرسِ [اعمالِ] خودانـد، خود را [در راه خدا و خیر به مردم] خسته می کنند، دیدگانشان می خوابد، و دل هایشان نمی خوابد، چشمانشان گریان است و دل هایشان در یاد خداست، چون مردم را از غافلان بنویسند، ایشان را از ذاکران بشمرند، در آغازِ نعمت، ستایش می کنند و در آخر آن سپاس می گویند، دعایشان نزد خدا بالا می رود، و سخنشان شنیده می شود، فرشتگان از ایشان شادمانند، نیایش ایشان زیر حجاب [های نوری] دور می زند، پروردگار دوست می دارد که سخنشان را بشنود چنان که مادر فرزند خود را، وهیچ چیز ایشان را یک چشم بهم زدن از یاد خدا بازنمی دارد، آنان خوراکِ بسیار، وسخنِ زیاد، ولباسِ فراوان را دوست نمی دارند، مردم، نزد ایشان مردگانند، وخدا، نزد ایشان زندهٔ پایدار [و برپادارندهٔ] بزرگوار است،

يَدعُونَ المُدبِرِينَ كَرَماً، وَيُرِيدُونَ(١) المُقبِلِينَ تَلَطُّفاً، قَدْ صارَتِ الدُّنيا وَالآخِرَةُ عِندَهُم واحِدَةً، (يَموتُ النّاسُ مَرَّةً وَيَمُوتُ أحَدُهُم فى كُلِّ يوم سَبعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجاهَدَهِ أنفُسِهِم وَمُخالَفَهِ هَواهُم وَالشَّيطانِ الَّذى يَجرِى فى عُروقِهِم، وَلَو تَحَرَّكَتْ رِيحٌ لَزَعْزَعَتْهُم، وَإنْ قامُوا بَينَ يَدَىَّ كَأَنَّهُمْ بُنيانٌ مَرصوصٌ، لا أرى فى قَلبِهِم شُغلاً لِمَخلُوقٍ، فَوَعِزَّتى وَجَلالى لَاُحيِيَنَّهُم حَياةً طَيِّبَةً إذا فارَقْتُ أرواحَهُم مِنْ جَسَدِهِمْ، لا اسَلِّطُ عَلَيهِم مَلَكَ المَوتِ، وَلا يَلِى قَبضَ رُوحِهِم غَيرى، وَلَأفتَحَنَّ لِرُوحِهِم أبوابَ السَّماءِ كُلَّها، وَلَأرفَعَنَّ الحُجُبَ كُلَّها دُونى، وَلَآمُرَنَّ الجِنانَ فَلْتُزَيَّنَنَّ، وَالحُورَ العِينَ فَلْتُزَفَّنَّ،

ص:١٠٨

١- (١)) - «يزيدون» الإرشاد..

روی گردانــان را از روی بزرگــواری فرا می خـوانند(۱) ، و روی آورنــدگان را از روی مهربـانی قصــد می کننـد، [آنچنـان چشـمشان به عوالم ملکوت گشوده است که] دنیـا و آخرت نزد ایشـان یکی شـده است، مردم یک بار می میرنـد، وهر یک از ایشان - در أثر [سـختی ها و مشـکلاتِ] جهاد با نفس، و مخالفتِ با هواهای خود و نیز با شیطانی که در رگ هایشان روان می شود - در هر روز هفتاد بار می میرد، و اگر بادی بوزد [جسمِ ناتوانِ] ایشان را تکان می دهد، و اگر در پیشگاه من بایستند [در أثر عشقِ به عبادت و غرقِ در أنس] گویی بنایی آهنین اند، در دل ایشان هیچ سـرگرمی به مخلوق را نمی بینم، پس به عزّت و جلالم سوگنـد چون روح از تن ایشان جدا کنم ایشان را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشم، فرشـتهٔ مرگ را بر ایشان چیره نسـازم، و کسـی جز من مباشـر قبض روح ایشـان نباشـد، و قطعاً همـهٔ درهای آسـمان را به روی روح ایشان بگشایم، همهٔ حجـاب هـای میـان خود و ایشان را بردارم، و به بهشت فرمان دهم تا آراسـته گردد، و به حوریان [: سـیمین تنان درشت چشم] فرمان دهم تا به زفاف درآیند،

ص:۱۰۹

۱- (۱)) - اگر متن «يَدَعُونَ» خوانـده شود نه «يَدْعُونَ» ترجمـهٔ جمله این می شود: [کیفر] روی گردانان را از روی بزرگواری رها می کنند..

وَالملائِکَهَ فَلتُصَلِّینَّ، وَالأشجارَ فَلتُثمِرَنَّ، وَثِمارَ الجَنَّهِ فَلْتُدلِیَنَّ، وَلَآمُرَنَّ ریحاً مِنَ الرِّیاحِ الَّتی تَحتَ العَرشِ فَلْتَحمِلَنَّ جِبالاً مِنَ الکافورِ وَالمِسکِ الأذفَرِ فَلْتَصِیرَنَّ وَقوداً مِنْ غَیرِ النّارِ، فَلْتَدْخُلَنَّ بِهِ، وَلا یَکونُ بَینی وَبَینَ رُوحِهِ سِترٌ، فَأقولُ لَهُ عِندَ قَبضِ رُوحِهِ: مَرحَباً وَأهلاً بِقُدومِکَ عَلَیَّ، اصعَدْ بِالکَرامَهِ وَالبُشری وَالرَّحمَهِ وَالرِّضوانِ، «وَجَنّاتٌ لَهُم فِیها نَعیمٌ مُقیمٌ خالِدینَ فِیها أبَداً إنَّ اللّهَ عِندَهُ أجرٌ عَظِیمٌ»(۱) ، فَلَو رَأیتَ المَلائِکَهَ کَیفَ یَأخُذُ بِها واحِدٌ وَیُعطِیها الآخَر.

یا أحمَدُ! إنَّ أهلَ الآخِرَهِ لا یَهْنَؤهُمُ الطَّعامُ مُنذُ عَرَفوا رَبَّهُم، وَلا یَشغَلُهُمُ مُصیبَهٌ مُنذُ عَرَفوا سَیِّئاتِهِم، یَبکُونَ عَلی خَطایاهُم، یُتعِبُونَ أنفُسَهُم وَلا یُریحُونَها، وَإنَّ راحَهَ أهلِ الجَنَّهِ فی المَوتِ،

۱- (۱)) – التوبه: ۲۱ و ۲۲..

و به فرشتگان فرمان دهم، تا درود و تحیّت گویند، و به درختان [بهشت] فرمان دهم تا میوه آورند، و به میوه های بهشت فرمان دهم تـا خود [را بر شاخه ها] بیاویزنـد، و به نسـیمی از نسـیم هایِ [بهشتی] زیر عرش فرمان دهم تا کوههای کافور(۱) و مشکِ [خوشبو و] پُربو را بردارند، و سوختِ بی آتش شوند و به او درآیند، و میان من و روح او حجابی نباشد، وهنگام قبض روحش به او گویم: خوش آمـدی، و با ورود بر من به [دیار] آشـنای خود شدی، با بزرگواری و بشارت و رحمت و رضوان بالا بیا، «و بـاغ هـای بهشت که در آن هـا نعمت هـای پایـدار دارنـد، جـاودانه در آن هـا خواهنـد بـود، حقّا که نزد خـدا پاداشـی بزرگ است(۲)»، ای کاش فرشتگان را می دیدی که چگونه هر [یک] روح او را می گیرد و به دیگری می سپارد.

ای احمد! اهل آخرت از آن روز که پروردگار خود را شـناختند [هیچ] خوراکی گوارا [ی وجود] شان نیست، و از آن روز که بدی های خود را شـناختند هیچ مصیبتی [از اندیشهٔ آن بدیها]، بازشان نمی دارد، بر خطاهای خود می گریند، وخود را [در راه خدا] به زحمت می افکنند و آسوده نمی گذارند، همانا آسایش اهل بهشت در مرگ است،

۱- (۱)) - کافور: مادّهٔ معطّر جامدی که از برخی گیاهان از قبیل ریحان و بابونه [به دست آید]. فرهنگ معین: ۲۸۴۸/۳..

۲- (۲)) - توبه: ۲۲ و ۲۱..

وَالآخِرَهُ مُستَراحُ العابِدينَ، مونِسُهُم دُموعُهُمُ الَّتى تَفيضُ عَلىٰ خُدودِهِم، وَجُلوسُهُم مَعَ المَلائِكَهِ الَّذِينَ عَنْ أيمانِهِم وَعَنْ شَمائِلِهِم، وُمناجاتُهُم مَعَ الجَليلِ الَّذى فَوقَ عَرشِهِ، وَإنَّ أهلَ الآخِرَهِ قُلوبُهُم فى أجوافِهِم قد قُرِحَتْ، يَقولُونَ:

مَتىٰ نَستَرِيحُ مِنْ دارِ الفَناءِ إلىٰ دارِ البَقاءِ.)(١) يا أحمَدُ! هَلْ تَعرِفُ ما لِلزّاهِدِينَ عِندى فى الآخِرَهِ؟

قالَ: لا يا رَبِّ.

قالَ: يُبعَثُ الخَلقُ وَيُناقَشونَ بِالحِسابِ وَهُم مِنْ ذٰلكَ آمِنونَ، إنَّ أدنىٰ ما اعطِى لِلزّاهِدينَ فى الآخِرَهِ أنْ اعطِيَهُم مَفاتِيحَ الجِنانِ كُلَّها حَتّىٰ يَفتَحوا أىَّ بابٍ شاؤوا، وَلا أحجُبُ عَنهُم وَجهى، وَلَأُنعِمَنَّهُم بِألوانِ التَلَذُّذِ مِن كَلامى، وَلَاُجلِسَنَّهم فى مَقعَدِ صِدقٍ، وَاُذَكِّرَنَّهُم ما صَنَعوا وَتَعِبوا فى دارِ الدُّنيا، وَأفتَحُ لَهُم أربعهَ أبوابٍ:

بابٌ تَدخُلُ عَلَيهِمُ الهَدايا مِنهُ بُكرَهً وَعَشِيّاً مِن عِندى.

وَبابٌ يَنظُرونَ مِنهُ إلَىَّ كَيفَ شاؤوا بِلا صُعوبَهٍ.

ص:١١٢

١- (١)) من «يموت الناس» الىٰ «البقاء» ليس فى الإرشاد والجواهر السنيه..

و آخرت آسایشگاه عابدان است، أنیسِ ایشان اشگهایی است که بر رخسارشان روان می شود، و نشستِ ایشان با فرشتگانِ راست و چپ خود است، و راز و نیازشان با خدای شکوهمند [فرمانروا] بر عرش است، و همانا دل های اهل آخرت [از غم فراق، آتشین و] مجروح است، و [با خود] می گویند: چه زمانی از این دارفنا به دار بقا [کوچ کرده] آسوده می شویم؟!

ای احمد! آیا می دانی که زاهدان، در آخرت نزد من چه دارند؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: مردم مبعوث می شوند و با دقت مورد حسابرسی قرار می گیرند در حالی که ایشان در أمانند، همانا کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می بخشم همه کلیدهای بهشت است تا هر دری را که می خواهند بگشایند، و روی خود را از ایشان نمی پوشانم، و با لذّت های گوناگونِ سخنِ خود کامیابشان می کنم، و ایشان را در قرارگاه صِدْق می نشانم، و آنچه در دنیا انجام دادند و رنج دیدند به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم:

دری که از آن هر بامداد و شامگاه هدایای من به ایشان برسد.

و دری که از آن هرگونه که بخواهند به آسانی به من بنگرند.

ص:۱۱۳

وَبابٌ يُطلِعُونَ مِنهُ إلىٰ النّارِ فَيَنظُرونَ مِنهُ إلَى الظّالِمِينَ كَيفَ يُعَذَّبونَ.

وَبابٌ تَدخُلُ عَلَيهِم مِنهُ الوَصائِفُ وَالحُورُ العِينُ.

قالَ: يا رَبِّ مَنْ هٰؤُلاءِ الزّاهِدونَ الَّذينَ وَصَفتَهُم؟

قال: الزّاهِدُ هُوَ الَّذى لَيسَ لَهُ بَيتٌ يَخرَبُ فَيَغتَمُّ بِخَرابِهِ، وَلا لَهُ وَلَدٌ يَموتُ فَيَحزَنُ لِمَوتِهِ، وَلا لَهُ شَىْءٌ يَذهَبُ فَيَحزَنُ لِذِهابِهِ، وَلا يَعرِفُهُ إنسانٌ يَشغَلُهُ عَنِ اللّهِ طَرفَهَ عَينٍ، وَلا لَهُ فَضلُ طَعامٍ لِيُسأَلَ عَنهُ، وَلا لَهُ ثَوبٌ لَيِّنٌ.

يا أحمَدُ! وُجوهُ الزّاهِدِينَ مُصفَرَّةٌ مِنْ تَعَبِ اللَّيلِ وَصَومِ النَّهارِ، وَألسِنَتُهُم كِلالٌ إلّامِن ذِكْرِ اللّهِ تَعالىٰ، قُلوبُهُم فى صُدُورِهِم مَطعُونَةٌ مِن كَثرَةِ (ما يُخالِفُونَ أهواءَهُم، قَد ضَمَّروا أنفُسَهُم مِن كَثرَةِ صَمتِهِم)(١)، قد أعطَوا المَجهودَ مِن أنفُسِهِم، لا مِن خَوفِ نارٍ وَلا مِن شَوقِ جَنَّةٍ، وَلٰكِنْ يَنظُرونَ فى مَلَكُوتِ السَّماواتِ وَالأرضِ فَيَعلَمونَ أنَّ اللّهَ سُبحانَهُ وَتعالىٰ أهلٌ لِلعِبادَهِ (كَأَنَّما يَنظُرونَ إلىٰ مَنْ فَوقَها.

ص:١١۴

١- (١)) - بدل ما بين القوسين فى الإرشاد: «صمتهم»..

و دری که از آن بر دوزخ إشراف یابند و بنگرند که ستمگران چگونه کیفر می شوند.

و دری که از آن کنیزان و حوریان به ایشان درآیند.

عرض کرد: پروردگارا! این زاهدان که فرمودی چه کسانی اند؟

فرمود: زاهـد کسـی است که خانه ای که ویران شود نـدارد تا برای ویرانی آن غمگین شود، و فرزندی که بمیرد ندارد تا برای مرگ او اندوهگین شود، و چیزی که از دسـتش برود ندارد تا برای از دست رفتنش محزون شود(۱) ، وکسی او را نمی شناسد تا چشم بهم زدنی او را از یاد خدا باز دارد، و خوراک اضافی و پوشاک نرم ندارد تا از آن بازخواست شود.

ای احمـد! چهرهٔ زاهـدان از رنـج [عبادت] شب، و روزهٔ روز زرد است، و زبانشان جز از یاد خـدای متعال بسـته است، دل های ایشان در سینه ها از بسیاری مخالفت با هوای نفس زخمی [ونالان] است، خود را از بسیاری سکوت لاغر کرده اند، همهٔ تلاش خود را بکار گرفته اند نه از ترس آتش و نه از شوق بهشت، بلکه در ملکوت آسـمان ها و زمین [آنچنان] می نگرند که گویی خدای محیط بر آن ها را می بینند، و می دانند که خدای سبحان شایسته پرستش است.

۱- (۱)) - گویا مراد این باشد که همهٔ این امور را ملک خدا می بینند - نه خود - ازاین رو وابستگیِ اصلیِ قلبی ایشان به خدا است نه به این امور..

قالَ: يا رَبِّ هَلْ تُعطى لِاحَدٍ مِن امَّتى هٰذا؟)(١) قالَ: يا أحمَدُ! هٰذِهِ دَرَجَهُ الأنبياءِ وَالصِّدّيقِينَ مِنْ امَّتِکَ، وَاُمَّهِ غَيرِکَ، وَأقوامٍ مِنَ الشُّهَداءِ.

قالَ: يا رَبِّ أىُّ الزُّهّادِ أكثَرُ، زُهّادُ امَّتى أَمْ زُهّادُ بَنِى إسرائيلَ؟

قالَ: إنَّ زُهّادَ بَنِى إسرائِيلَ فى زُهّادِ امَّتِکَ كَشَعرَهٍ سَوداءَ فى بَقَرَهٍ بَيضاءَ.

فقالَ: يا رَبِّ كَيفَ يَكونُ ذٰلکَ وَعَدَدُ بَنى إسرائِيلَ أكثَرُ مِنْ امَّتِى؟

قالَ: لِأَنَّهُم شَكُّوا بَعدَ اليَقِينِ، وَجَحَدوا بَعدَ الإقرارِ.

(قالَ رَسولُ اللّٰهِ صلى الله عليه و آله و سلم: فَحَمِدتُ اللّٰهَ لِلزّاهِدِينَ كَثيراً، وَشَكَرتُهُ، وَدَعَوتُ لَهُم فَقُلتُ:

اللّٰهُمَّ احفَظْهُم، وَارحَمْهُم، وَاحفَظْ عَلَيهِم دينَهُمُ الَّذى ارتَضَيتَ لَهُم.

١- (١)) ما بين القوسين ليس فى الإرشاد والجواهر السنيه..

عرض کرد: پروردگارا! آیا به کسی از امّت من این مقام را می دهی؟

فرمود: ای احمد! این [مقام و] درجهٔ پیامبران، وصدّیقان از امّت تو، وامّت [پیامبران] دیگر، و گروههایی از شهیدان است.

عرض کرد: پروردگارا! کدام زاهدان بیشترند، زاهدان امّت من یا زاهدان بنی اسرائیل؟

فرمود: زاهدان بنی اسرائیل در میان زاهدان امّت تو همچون یک تارموی سیاه در [میان انبوه بی شمار موهای بدن] گاو سپید است.

عرض کرد: پروردگار چگونه؟ با این که شمار بنی اسرائیل از امّت من بیشتر است؟

فرمود: زیرا ایشان پس از یقین، شک کردند، و پس از اقرار، انکار نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس برای زاهدان امّتم خدا را بسیار ستایش وسپاس گفتم، وبرای ایشان دعا کردم وعرض کردم: خدایا! ایشان را حفظ کن ورحم فرما، ودینشان را که برایشان پسندیده ای نگهدار.

ص:۱۱۷

اللّهُمَّ ارزُقْهُم إيمانَ المؤمِنِينَ، الَّذى لَيسَ بَعدَهُ شَكٌ وَزَيغٌ، وَوَرَعاً لَيسَ بَعدَهُ رَغبَهٌ، وَخَوفاً لَيسَ بَعدَهُ غَفلَهٌ، وَعِلماً لَيسَ بَعدَهُ جَهلٌ، وَعَقلاً لَيسَ بَعدَهُ حُمقٌ، وَقُرباً لَيسَ بَعدَهُ بُعدٌ، وَخُشوعاً لَيسَ بَعدَهُ قَساوَهٌ، وَذِكراً لَيسَ بَعدَهُ نِسيانٌ، وَكَرَماً لَيسَ بَعدَهُ هَوانٌ، وَصَبراً لَيسَ بَعدَهُ ضَجَرٌ، وَحِلماً لَيسَ بَعدَهُ عَجَلَهٌ، وَامْلَأْ قُلوبَهُم حَياءً مِنكَ حَتّى يَستَحيُوا مِنكَ كُلَّ وَقتٍ وَتُبَصِّرَهُمْ بِآفاتِ الدُّنيا، وَآفاتِ أنفُسِهِم، وَوَساوِسِ الشَّيطانِ، فَإنَّكَ تَعلَمُ ما فى نَفسى، وَأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ.)(۱) يا أحمَدُ! عَلَيكَ بِالوَرَعِ فَإنَّ الوَرَعَ رَأسُ الدِّينِ وَوَسَطُ الدِّينِ وَآخِرُ الدِّينِ، إنَّ الوَرَعَ يُقَرِّبُ العَبدَ إلَى اللّهِ تَعالى.

ص:۱۱۸

۱- (۱)) بدل ما بين القوسين فى الإرشاد والجواهر السنيه: «قال النبى صلى الله عليه و آله و سلم: فحمدت اللّه تعالى وشكرته ودعوت لهم بالحفظ والرحمه وسائر الخيرات»..

خدایا! به ایشان روزی فرما ایمان مؤمنانی را که پس از آن هیچ شک وانحرافی نباشد وپارسایی را که پس از آن هیچ میل [به دنیا] نباشد، وبیمی را که پس از آن هیچ غفلتی نباشد، و علمی را که پس از آن، هیچ نادانی نباشد، و عقلی را که پس از آن هیچ نابخردی نباشد، ونزدیکی [به خود] را که پس از آن هیچ دوری نباشد، و خشوعی را که پس از آن هیچ سنگدلی نباشد، و یادی را که پس از آن هیچ فراموشی نباشد، وبزرگواریی را که پس از آن هیچ خواری نباشد، و صبری را که پس از آن هیچ بی تابی نباشد، وحِلْمی را که پس از آن هیچ شتابی نباشد، و دل های ایشان را از حیای خود پر کن تا همه وقت از تو شرم کنند، و ایشان را از آفات دنیا، و آفات نفس، و وسوسه های شیطان بینا فرما، [خدایا!] تو بر احوال نفس من آگاهی، و به همه غیب ها دانایی.

ای احمد! بر تو باد به [پاکدامنی و] پارسایی، زیرا پارسایی اوّل دین، ووسط دین، و آخر دین است، حقّا که پارسایی [هر] بنده [ای] را به خدای متعال نزدیک می کند.

ص:۱۱۹

یـا أحمَـدُ! إنَّ الوَرَعَ کَالشُّنوفِ بَینَ الحِلِیِّ، وَالخُبزِ بَینَ الطَّعام، (إنَّ الوَرَعَ رَأسُ الإیمانِ،)(۱) وَعِمادُ الـدِّینِ، إنَّ الوَرَعَ مَثَلُهُ کَمَثَلِ السَّفِینَهِ، کما أنَّ فی البَحرِ لا یَنجُو إلّامَنْ کانَ فِیها کَذٰلکَ لا یَنجُو الزّاهِدونَ إلّابالوَرَعِ.

یا أحمَـدُ! ما عَرَفَنی عَبدٌ وَخَشَعَ لی إلّاوَخَشَعتُ لَهُ.(۲) یا أحمَـدُ! الوَرَعُ یَفتَـحُ علَی العَبـدِ أبوابَ العِبادَهِ، فَتکرمُ بِهِ(۳) عِندَ الخَلقِ، وَیَصِلُ بِهِ إلَی اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

یـا أحمَـدُ! عَلَیـکَ بِالصَّمتِ فَإنَّ أعمَرَ القُلوبِ(۴) قُلـوبُ الصّـالِحینَ وَالصّـامِتینَ، وَإنَّ أخرَبَ القُلوبِ(۵) قُلـوبُ المُتَکَلِّمینَ بِمـا لا یَعنِیهِم.

یا أحمَدُ! إنَّ العِبادَهَ عَشرَهُ أجزاءٍ، تِسعَهٌ مِنها طَلَبُ الحَلالِ، فَإذا طَیَّبتَ مَطعَمَکَ وَمَشرَبَکَ فَأنتَ فی حِفظی وَکَنَفی.

ص:۱۲۰

۱- ((۱)) - بدل ما بین القوسین فی الإرشاد والجواهر السنیه: «إن الورع زین المؤمن»..

۲- ((۲)) بدل «الّا وخشعت، له» فی الإرشاد: «الّا خشع له کلّ شیء»..

۳- ((۳)) بدل «ابواب العباده فتکرم به» فی الجواهر السنیه: «أبواب السماء کما یفتح للملائکه باب العباده فیکرم بها العبد»..

۴- ((۴)) - بدل «أعمر القلوب» فی الجواهر السنیه: «أعمر مجلس قلوب»..

۵- ((۵)) - بدل «أخرب القلوب» فی الجواهر السنیه: «أخرب مجلس قلوب»..

ای احمـد! پارسـایی همچون گوشواره، در میـان زینت آلات، وهمچون نـان، در میـان خوردنی هـا است. همانـا پارسایی، سـرِ [پیکرهٔ] ایمان، و سـتونِ [خیمـهٔ] دین است، مَثَلِ پارسایی چون مَثَلِ کشتی است، همانگونه که در دریا جز سواران کشتی نجات نمی یابند زاهدان نیز جز با پارسایی رستگار نمی شوند.

ای احمد! هیچ بنده ای مرا نشناخت و برای من خشوع نکرد مگر آن که من برای او خاشع شدم.

ای احمـد! پارسایی درهای عبادت را به روی بنـده می گشاید، پس با آن نزد مردم بزرگوار می شود، و با آن به خدای عزیز و با جلال می رسد.

ای احمـد! بر تو بـاد به سـکوت، زیرا آبـادترین دل هـا دل هـای صالحان و خاموشان است، و ویران ترین دل ها دل های هرزه گویان است.

ای احمد! عبادت ده جزء است، نُه جزء آن طلب حلال است، پس چون خوردنی و نوشیدنی خود را پاکیزه کردی در حمایت و پناه من قرار داری.

ص:۱۲۱

قالَ: يا رَبِّ ما أَوَّلُ العِبادَهِ؟

قالَ: أَوَّلُ العِبادَهِ؟ الصَّمتُ وَالصَّومُ.

قالَ: يا رَبِّ وَما مِيراثُ الصَّومِ؟

قالَ: الصَّومُ يُورِثُ الحِكمَهَ، وَالحِكمَهُ تُورِثُ المَعرِفَهَ، وَالمَعرِفَهُ تُورِثُ اليَقِينَ، فَإذا اسْتَيقَنَ العَبدُ لا يُبالى كَيفَ أصبَحَ، بِعُسرٍ أمْ بِيُسرٍ، وَإذا كانَ العَبدُ فى حالَهِ المَوتِ يَقومُ عَلى رَأسِهِ مَلائِكَهٌ، بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ كَأسٌ مِنْ ماءِ الكَوثَرِ، وَكَأسٌ مِنَ الخَمرِ، يَسقُونَ رُوحَهُ حَتّى تَذهَبَ سَكرَتُهُ وَمَرارَتُهُ، وَيُبَشِّرونَهُ بِالبشارَهِ العُظمى، وَيَقولُونَ لَهُ:

طِبتَ وَطابَ مَثواکَ إنَّکَ تَقدَمُ عَلَى العَزيزِ الحَكِيمِ الحَبيبِ القَرِيبِ، فَتَطِيرُ الرُّوحُ مِن أيدى المَلائكهِ، فَتَصعَدُ إلَى اللّهِ تَعالى فى أسرَعَ مِنْ طَرفَهِ عَينٍ، وَلا يَبقى حِجابٌ وَلا سَترٌ بَينَها وَبَينَ اللّهِ تَعالى، وَاللّهُ عَزَّ وَجَلَّ إلَيها مُشتاقٌ، وَتَجلِسُ عَلى عَينٍ عِندَ العَرشِ، ثُمَّ يُقالُ لَها:

كَيفَ تَرَكتِ الدُّنيا؟

فَتَقُولُ إلٰهى وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لا عِلمَ لى بِالدُّنيا، أنا مُنذُ خَلَقتَنى خائِفَهٌ مِنکَ.

ص:۱۲۲

عرض کرد: پروردگارا! اوّلِ عبادت چیست؟

فرمود: اوّل عبادت سکوت و روزه است.

عرض کرد: پروردگارا! میراث [و نتیجهٔ] روزه چیست؟

فرمود: روزه، موجب حکمت، و حکمت، موجب معرفت، ومعرفت، موجب یقین است، پس چون بنده ای دارای یقین شد باکش نیست چگونه بگذراند به سختی یا به آسانی.

و چون در حال [جان دادن و] مرگ قرارگیرد فرشتگانی بر بالین او حضور یابند که در دست هر یک جامی از آب کوثر و جامی از شرابِ [طهورِ بهشتی] باشد. آن ها را به روح او می نوشانند تا سختی و تلخی جان دادن [از میان] برود، و او را به آن بزرگترین بشارت مژده می دهند و به او می گویند:

خوش آمدی و جایگاهت گوارا باد همانا تو بر خدای عزیز حکیم [و] محبوب نزدیک [خود] وارد می شوی، پس روح از دستان ملائکه پرواز می کند و تندتر از چشم بهم زدنی به سوی خدا بالا می رود، وهیچ حجاب و پرده ای میان او و خدای سبحان باقی نمی ماند، و خدا - که عزّتمند و با شکوه است - به او مشتاق است، و کنار چشمه ای که نزد عرش است می نشیند سپس به او گفته می شود:

دنیا را چگونه ترک کردی؟

می گوید: معبودا! به عزّت و جلالت سوگند هیچ خبری از دنیا ندارم، از آن روز که مرا آفریدی [تنها] نگرانِ تو بودم.

ص:۱۲۳

فَیقولُ اللّهُ تَعالیٰ: صَدَقتَ عَبدی، کُنتَ بِجَسَدِکَ فی الدُّنیا وَروحُکَ مَعی، فَأنتَ بِعَینی، سِرُّکَ وَعَلانِیَتُکَ، سَلْ اعطِکَ، وَتَمَنَّ عَلَیَّ فَأُکرِمکَ، هذهِ جَنَّتی فَتَجَنَّحْ فِیها(١) ، وَهذا جِواری فَاسْکُنْهُ.

فَتَقولُ الرُوحُ: إلٰهی عَرَّفتَنی نَفسَکَ فَاسْتَغنَیتُ بِها عَن جَمیعِ خَلقِکَ، وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لَو کَانَ رِضاکَ فی أنْ اقَطَّعَ إرَباً إرَباً، وَاُقتَلَ سَبعِینَ قَتلَهٍ بِأشَدِّ ما یُقتَلُ بِهِ النّاسُ، لَکانَ رِضاکَ أحَبَّ إلَیَّ.

إلٰهی کَیفَ أُعجَبُ بِنَفسی وَأنا ذَلیلٌ إنْ لَمْ تُکرِمْنی، وَأنا مَغلوبٌ إنْ لَمْ تَنصُرْنی، وَأنا ضَعیفٌ إنْ لَمْ تُقَوِّنی، وَأنا مَیِّتٌ إنْ لَمْ تُحْیِنی بِذِکرِکَ، وَلَولا سَترُکَ لَافتَضَحتُ أوَّلَ مَرَّهٍ عَصَیتُکَ، إلٰهی کَیفَ لا أطلُبُ رِضاکَ وَقد أکمَلتَ عَقلی حَتّیٰ عَرَفتُکَ، وَعَرَفتُ الحَقَّ مِنَ الباطِلِ، وَالأمرَ مِنَ النَّهیِ، وَالعِلمَ مِنَ الجَهلِ، وَالنُّورَ مِنَ الظُّلمَهِ.

فَقالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتی وَجَلالی لا أحجُبُ بَینی وَبَینِکَ فی وَقتٍ مِنَ الأوقاتِ، کَذٰلِکَ أفعَلُ بِأحِبّائی.

١- (١) - بدل «فتجنّح فیها» فی الإرشاد: «مباح فتبیح فتبحبح فیها»..

پس خـدای سـبحان می فرمایـد، بنـدهٔ من! راست گفتی، تن تو در دنیا و روح تو با من بود، اینک باطن و ظاهر تو در دیـد من است، بخواه تا عطایت کنم، و از من درخواست کن تا اکرامت کنم، این بهشت من است در آن پرواز کن، و این پناه من است در آن جای گزین.

روح او می گویـد: خـدایا! خود را به من شـناساندی و بدینوسـیله از همـهٔ مخلوقـاتت بی نیـاز شـدم، به عزّت وجلالـت سوگند چنانچه خشـنودی تو در این باشـد که [در راه تو] قطعه قطعه شوم، و هفتاد بار به بـدتر از آنچه دیگران کشـته می شوند، کشـته شوم نزد من [از هر چیز دیگری] محبوبتر است.

معبودا! چگونه خود بین شوم بـا این که من [خود به خود] خوارم اگر اکرامم نکنی، و شـکست خورده ام اگر یـاریم نفرمـایی، ونـاتوانم اگر توانم نبخشـی، و مرده ام اگر با یاد خود زنـده ام نکنی، و اگر پرده پوشـی تو نبود همان اوّل بار که گناهت کردم رسوا می شدم.

خـدایا! چگونه خشـنودی تو را نخواهم بـا این که عقلم را کامل فرمودی تا تو را شـناختم، و حق را از باطل، و أمر را از نهی، و علم را از جهل، و نور را از ظلمت تمیز دادم.

پس خـدای عزیز و با شـکوه می فرمایـد: به عزّت و جلالم سوگند در هیچ زمانی میان خود و تو حجاب نمی افکنم، اینچنین با دوستانم رفتار می کنم.

يا أحمَدُ! هَل تَدرى أىُّ عَيشٍ أهنَأَ وَأىُّ حَياةٍ أبقىٰ؟

قالَ: اللّهُمَّ لا.

قالَ: أمّا العَيشُ الهَنِيْءُ فَهُوَ الَّذى لا يَفتُرُ صاحِبُهُ عَنْ ذِكرى، وَلا يَنسىٰ نِعمَتى، وَلا يَجهَلُ حَقّى، يَطلُبُ رِضاىَ فى لَيلِهِ وَنَهارِهِ.

وَأمّا الحَياةُ الباقِيَهُ فَهِىَ الَّتى يَعمَلُ لِنَفسِهِ حَتّىٰ تَهونَ عَلَيهِ الدُّنيا، وَتَصغُرَ فى عَينِهِ، وَتَعظُمَ الآخِرَهُ عِندَهُ، وَيُؤثِرَ هَواى عَلىٰ هَواهُ، وَيبتَغِىَ مَرضاتى، وَيُعْظِمَ حَقَّ عَظَمَتى، وَيَذكُرَ عِلمى بِهِ، وَيُراقِبَنى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عِندَ كُلِّ سَيِّئَهٍ أو مَعصِيَهٍ وَيُنَقّىَ قَلبَهُ عَنْ كُلِّ ما أكرَهُ، وَيُبغِضَ الشَّيطانَ وَوَساوِسَهُ، وَلا يَجعَلَ لِإبليسَ عَلىٰ قَلبِهِ سُلطاناً وَسَبيلاً.

ص:۱۲۶

ای احمد! آیا می دانی کدام زیست گواراتر، و کدام زندگی پایدارتر است؟ عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: امّا زیست گوارا آنست که صاحبش از یاد من سستی نمی کند، و نعمت مرا از یاد نمی برد، و حقّ مرا ناشناسی نمی کند، در شب و روزش خشنودی مرا می خواهد.

وامّا زندگی پایدار آنست که صاحبش برای [تزکیه و إصلاح] خود عمل می کند تا دنیا در دلش خوار، و در چشمش کوچک، و آخرت نزد او بزرگ می شود، وخواستهٔ مرا بر خواستهٔ خود مقدّم می دارد، و خشنودی های مرا می جوید، و حقّ کبریایی مرا بزرگ می دارد، و آگاهی مرا به [احوال] خود یاد می نماید، و شبانه روز نزد هر بدی و گناهی از من دیدبانی می کند، و دل خود را از هر چه ناپسند من است پاک می سازد، وشیطان و وسوسه هایش را دشمن می دارد، و برای ابلیس هیچ فرمانروایی و راه [نفوذ] ی را بر قلب خود نمی گذارد.

ص:۱۲۷

فَإذا فَعَلَ ذٰلِکَ أسـکَنتُ قَلبَهُ حُبّاً حَتّیٰ أجعَلَ قَلبَهُ لی، وَفَراغَهُ وَاشـتِغالَهُ وَهَمَّهُ وَحَـدیثَهُ مِنَ النِّعمَهِ الَّتی أنعَمتُ بِها عَلیٰ أهلِ مَحَبَّتی مِنْ خَلقِی، وَأفتَحُ عَینَ قَلبِهِ وَسَـمعَهُ حَتّی یَسـمَعَ بِقَلبِهِ وَیَنظُرَ بِقَلبِهِ إلیٰ جَلالی وَعَظَمَتی، وَاُضَیِّقُ عَلیهِ الدُّنیا، وَاُبَغِّضُ إلَیهِ ما فِیها مِنَ اللَّذّاتِ، وَاُحَذِّرُهُ مِنَ الدُّنیا وَما فِیها، کَما یُحَذِّرُ الرّاعی غَنَمَهُ مِنْ مَراتِعِ الهَلَکَهِ.

فَإذا کانَ هٰکَذا یَفِرُّ مِنَ النّاسِ فِراراً، وَیُنقَلُ مِنْ دارِ الفَناءِ إلیٰ دارِ البَقاءِ، وَمِنْ دارِ الشَّیطانِ إلیٰ دارِ الرَّحمٰنِ.

یا أحمَدُ! وَلَاُزَیِّنَنَّهُ بِالهَیبَهِ وَالعَظَمَهِ، فَهٰذا هُوَ العَیشُ الهَنِیْءُ وَالحَیاهُ الباقِیَهُ، وَهٰذا مَقامُ الرّاضِینَ.

فَمَنْ عَمِلَ بِرِضای اَلزِمُهُ ثَلاثَ خِصالٍ:

اعَرِّفُهُ شُکراً لا یُخالِطُهُ الجَهلُ، وَذِکراً لا یُخالِطُهُ النِّسیانُ، وَمَحَبَّهً لا یُؤثِرُ عَلیٰ مَحَبَّتی مَحَبَّهَ المَخلوقِینَ.

پس چون چنین کنـد محبّتی را در دل او جـای می دهم تـا دل او را، و فراغ بـال و دل مشـغولی و همّت او را برای خود کنم، و سخـن او را دربـارهٔ نعمـت هـایی که به دوسـتدارانم داده ام قرار دهم، و چشم و گـوش دل او را می گشـایم تـا بـا آن [تسـبیح ملکوتیان را] بشنود، و به شکوه و کبریایی من بنگرد، و دنیا را بر او تنگ می کنم، و لذّات آن را منفورش می سازم، و او را از دنیـا و آنچه در آن است بر حـذر می دارم، آنچنان که چوپان گوسـفند خود را از چراگاههای مرگ آفرین بر حـذر می دارد، پس چون چنین شد از مردم به شدّت گریزان می شود، و از سـرای فنا به سـرای بقاء، و از سـرای شیطان به سرای رحمان منتقل می گردد.

ای احمد! او را با هیبت و عظمت [خود] می آرایم، پس این است آن زیستِ گوارا وزندگیِ پایدار، واین مقام راضیان [به قضا و قدر من] است.

پس هر کس طبق رضای من عمل کند سه ویژگی همراهش کنم:

به او سپاسـی را می شـناسانم که آمیختـهٔ به نادانی نباشـد، و یادی را که آمیخته به فراموشـی نباشد، و محبّتی را که محبّت هیچ مخلوقی را بر محبّت من مقدّم ندارد.

ص:۱۲۹

فإذا أحَبَّنى أحبَبْتُهُ، وَأفتَحُ عَينَ قَلبِهِ إلىٰ جَلالى، وَلا اخفى علَيهِ خاصَّهَ خَلقى، وأُناجِيهِ فى ظُلَمِ اللَّيلِ وَنُورِ النَّهارِ حَتّىٰ يَنقَطِعَ حَديثُهُ مَعَ المَخلوقِينَ، وَمُجالَسَتُهُ مَعَهُم، وَاُسمِعُهُ كَلامى وَكَلامَ مَلائِكَتى، وَاُعَرِّفُهُ السِّرَّ الَّذى سَتَرتُهُ عَنْ خَلقى، وَاُلبِسُهُ الحَياءَ حَتّىٰ يَستَحِيَ مِنهُ الخَلقُ كُلُّهُم، وَيَمشى عَلَى الأرضِ مَغفوراً لَهُ، وَأجعَلُ قَلبَهُ واعِياً وَبَصيراً، وَلا اخفى عَلَيهِ شَيئاً مِنْ جَنَّهٍ وَلا نارٍ، وَاُعَرِّفُهُ ما يَمُرُّ علَى النّاسِ فى يَومِ القِيامَهِ مِنَ الهَولِ وَالشِّدَّهِ، وَما احاسِبُ الأغنِياءَ وَالفُقَراءَ وَالجُهّالَ وَالعُلَماءَ، وَاُنَوِّمُهُ(۱) فى قَبرِهِ،

۱- (۱)) - «اُنَوِّر له» الإرشاد..

پس چون مرا دوست داشت او را دوست می دارم، و چشم دل او را به جلال [و شکوه] خود می گشایم، و نخبهٔ آفریدگانم را از او پنهان نمی کنم، و در تاریکی های شب و روشنایی روز با او همراز می شوم تا سخن و همنشینی او از آفریده ها قطع شود، و سخن خود و فرشتگان را به او می شنوانم، و از آن رازی که از خلق پوشیده ام آگاهش می کنم، و لباس حیا بر [اندام] او می پوشانم تا همهٔ خلائق از او حیا کنند، و بر زمین در حالی که آمرزیده است راه می رود، و دل او را هوشمند و بینا می کنم، و هیچ چیز از بهشت و دوزخ را بر او پنهان نمی دارم، و از هراس و فشاری که روز قیامت بر مردم می گذرد و حسابی که از اغنیا و فقرا و جاهلان و عالمان می کشم آگاهش می کنم، و او را در قبرش می خوابانم(۱)

۱- (۱)) - وطبق نسخه إرشاد: قبر او را نورانی می کنم..

وَأُنزِلُ عَلَيهِ مُنكَراً وَنَكيراً حَتّىٰ يَسألاهُ، وَلا يَرىٰ غَمرَهَ المَوتِ وَظُلمَهَ القَبرِ وَاللَّحدِ وَهَولَ المُطّلعِ، ثُمَّ أَنْصِبُ لَهُ مِيزانَهُ، وَأنشُرُ دِيوانَهُ، ثُمَّ أضَعُ كِتابَهُ فی يَمِينِهِ فَيَقرَؤهُ مَنشوراً، ثُمَّ لا أجعَلُ بَينی وَبَينَهُ تَرجُماناً، فَهذهِ صِفاتُ المُحِبِّينَ.

يا أحمَدُ! اجْعَلْ هَمَّکَ هَمّاً واحِداً، فَاجْعَلْ(١) لِسانَکَ لِساناً واحِداً، وَاجْعَلْ بَدَنَکَ حَياً لا تَغفُلُ عَنّی، مَنْ يَغفُلْ عَنِّی لا اُبالی بِأَیِّ وادٍ هَلَکَ.

يا أحمَدُ! اسْتَعْمِلْ عَقلَکَ قَبلَ أنْ يَذهَبَ، فَمَنِ اسْتَعمَلَ عَقلَهُ لا يُخطِئُ وَلا يَطغىٰ(٢).

يا أحمَدُ! أَ لَمْ تَدرِ لِأیِّ شَیْءٍ فَضَّلْتُکَ عَلىٰ سائِرِ الأنبِياءِ؟

قالَ: اللّهُمّ لا.

قالَ: بِاليَقِينِ وَحُسنِ الخُلُقِ وَسَخاوَهِ النَّفسِ وَرَحمَهِ الخَلقِ،

١- (١) - «واجعل» الجواهر السنيه..

٢- (٢) بزياده «يا أحمد أنت لا تغفل أبداً. مَن غفل عنّی لا اُبالی بأیّ وادٍ هلک» الإرشاد..

ومنکر و نکیر را بر او فرود می آورم تا از اوبپرسند، و سختی [وکشمکش پر رنج] جان کندن، وتاریکی قبر ولحد، وهول لحظۀ إشراف [بر عوالم دیگر] را نمی بیند، سپس میزان او را بر پا می کنم، و دیوان [اعمال] او را می گسترانم، و نامۀ عمل او را در سمت راستش می نهم پس آن را گشوده می خواند، و میان خود و او [هیچ واسطه و] ترجمانی قرار نمی دهم، پس این است صفات [واحوال] دوستداران [من].

ای احمد! همّ [وآهنگ ومقصد] خود را یک همّ [وآهنگ]، و زبان خود را یک زبان کن، و بدن خود را زنده بدار، از من غفلت نکن، هر کس از من غفلت کند مرا باکی نیست که در چه سرزمینی به هلاکت رسد.

ای احمد! عقل خود را پیش از آن که [از دست] برود بکار گیر که هر کس عقل خود را بکار گیرد، خطا و طغیان نمی کند.

ای احمد! آیا ندانستی چرا تو را بر همۀ پیامبران برتری دادم؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: به سبب یقین، وخوی نیک، و بخشندگی ذاتی، ورحمتی که بر خلق داشتی،

وَكذلِكَ أوتادُ(۱) الأرضِ لَمْ يَكونوا أوتاداً إلّابهذا.

ص:۱۳۴

۱- (۱)) جاء فی بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۳۰۱، عن هامش المصباح للكفعمی ص ۵۳۴-۵۳۵: «وقیل أن الأرض لا تخلو من القطب وأربعه أوتاد وأربعین بدلاً وسبعین نجیباً وثلاثمائه وستّین صالحاً.فالقطب هو المهدی علیه السلام، ولا تكون الأوتاد أقل من أربعه؛ لأنّ الدنیا كالخیمه، والمهدی علیه السلام كالعمود، وتلك الأربعه أطنابها. وقد تكون الأوتاد أكثر من أربعه، والأبدال أكثر من أربعین، والنجباء أكثر من سبعین، والصالحون أكثر من ثلاثمائه وستّین. والظاهر أن الخضر والیاس علیهما السلام من الأوتاد؛ فهما ملاصقان لدائره القطب. وأمّا صفه الأوتاد: فهم قوم لا یغفلون عن ربّهم طرفه عَین، ولا یجمعون من الدنیا إلّاالبلاغ، ولا تصدر منهم هفوات البشر، ولا یشترط بهم العصمه لزوماً، وشرط ذلك فی القطب. وأمّا الأبدال: فدون هؤلاء فی المراقبه، وقد تصدر منهم الغفله فیتداركونها بالتذكّر، ولا یتعمّدون ذنباً. وأمّا النجباء: فهم دون الأبدال. وأمّا الصالحون: فهم المتّقون الموصوفون بالعداله، وقد یصدر منهم الذنب فیتداركونه بالاستغفار والندم.قال تعالی: «إنّ الذین اتّقَوا إذا مسّهم طائف من الشَّیطان تذكّروا فاذا هم مبصرون». أعراف: ۲۰جعلَنا اللّه من القسم الأخیر لأنّا لسنا من الأقسام الأُول؛ لكن ندین اللّه بحبّهم وولایتهم، ومَن أحبّ قوماً حُشر معهم.وقیل اذا نقص أحد من الأوتاد الأربعه وضع بدله من الأربعین، وإذا نقص أحد من الأربعین وضع بدله من السبعین، وإذا نقص أحد من السبعین وضع بدله من الثلاثمائه وستّین، وإذا نقص أحد من الثلاثمائه وستّین وضع بدله من سایر الناس؛ واللّه أعلم بالصّواب..

و همچنین اوتاد(۱) زمین اوتاد نشدند مگر با این ویژگی ها.

۱- (۱)) - شیخ کفعمی؛ در کتاب شریف مصباح، در حاشیهٔ دعای امّ داود چنین آورده است: گویند زمین از یک قطب، وچهار تن از أوتاد، وچهل تن از أبدال، وهفتاد نجیب، وسیصد و شصت صالح خالی نمی ماند، قطب، حضرت مهدی [حجّه بن الحسن علیه آلاف التحیّه والثّناء] است، وأوتاد، کمتر از چهار نفر نمی شود زیرا دنیا همچون خیمه، ومهدی علیه السلام همچون ستون آن، وچهار أوتاد همچون طناب های [چهار سوی] آن است و گاهی أوتاد بیش از چهار نفر، و ابدال بیش از چهل نفر، ونجباء بیش از هفتاد نفر، وصلحاء بیش از سیصد وشصت نفرند. ظاهراً خضر و الیاس از أوتاد و ملازم دائرهٔ قطب اند. و اما صفت أوتاد این است که: به اندازهٔ یک چشم بهم زدن از پروردگار خود غفلت نمی ورزند، وبرای دنیای خود جز به اندازهٔ کفاف جمع نمی کنند، ولغزش هاش بشری از آنان سرنمی زند، در ایشان عصمت شرط نیست ولی در قطب شرط است. و أبدال در مراقبه پائین تر از أوتادند، و گاهی دچار غفلت می شوند که آن را با یاد و ذکر خدا جبران می کنند، و گناهی را عمداً مرتکب نمی شوند، و نجباء در این اوصاف پائین تر از ابدالند، و اما صلحاء، پارسایان عادلند که گاهی گناه از ایشان سرمی زند و آن را با استغفار و پشیمانی جبران می کنند، خدای متعال می فرماید: «همانا کسانی که [از خدا] پروادارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند».خداوند ما را از این گروه اخیر قراردهد که ما از آن سه قسم اوّل نیستیم لکن با محبّت و ولایت ایشان خدا را اطاعت می کنیم، و هر کس گروهی را دوست بدارد با ایشان محشور می شود. و گفته شده که: هرگاه یکی از مرتبهٔ مافوق از دنیا برود از مرتبهٔ پائین تر خود جایگزین می شود و چون از صلحا کم شود جایگزینش از عموم مردم است.حاشیه مصباح کفعمی ص ۵۳۴؛ بحار الأنوار: ۳۰۱/۵۳..

يـا أحمـدُ! إنَّ العَبـدَ إذا أجاعَ بَطنَهُ، وَحَفِظَ لِسانَهُ، عَلَّمتُهُ الحِكمَهَ، وَإنْ كانَ كافِراً تَكونُ حِكمَتُهُ حُجَّةً عَلَيهِ وَوَبالاً، وَإنْ كانَ مُؤمِناً تَكونُ حِكمَتُهُ لَهُ نُوراً وَبُرهاناً وَشِفاءً وَرَحمَةً، فَيَعلَمُ مـا لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ، وَيُبصِرُ ما لَمْ يَكُنْ يُبصِرُ، فَأَوَّلُ ما ابَصِّرُهُ عُيوبَ نَفسِهِ حَتّى يَشتَغِلَ عَن عُيوبِ غَيرِهِ، وَاُبَصِّرُهُ دَقائِقَ العِلمِ حَتّى لا يَدخُلُ عَلَيهِ الشَّيطانُ.

يـا أحمـدُ! لَيسَ شَيْءٌ مِنَ العِبـادَهِ أحَبَّ إلَيَّ مِنَ الصَّمتِ وَالصَّومِ، فَمَنْ صامَ وَلَمْ يَحفَظْ لِسانَهُ كانَ كَمَنْ قامَ وَلَمْ يَقرَأْ فِی صَلاتِهِ فَاُعطِيهِ أجرَ القِيامِ وَلَمْ اعطِهِ أجرَ العابِدينَ.

يا أحمَدُ! هَلْ تَدری مَتى يَكونُ العَبدُ عابِداً؟

قالَ: لا يا رَبِّ.

ص:۱۳۶

ای احمـد! هر بنده ای چون شـکم خود را گرسـنه دارد، وزبان خود را مراقبت کند حکمت را به او می آموزم، اگر کافر اسـت حکمت او حجّت [و برهان خدا] بر او، و سـرانجام بدش خواهد بود، و اگر مؤمن است حکمت او نور و برهان و شفا و رحمت [خـدا] برای او خواهـد بود، پس آنچه را نمی دانست می دانـد، و آنچه را نمی دیـد می بیند، و اوّل چیزی که به او می نمایانم عیوب خود اوست، تا از عیوب دیگران باز ماند [و به اصلاح خود پردازد]، و به دقائق علمِ [إلهی و توحیدی] بینایش می کنم تا شیطان به او در نیاید.

ای احمد! برای من هیچکدام از عبادات محبوبتر از سکوت و روزه نیست، پس هر کس روزه باشد و زبان خود را مراقبت نکند همچون کسی است که به نماز برخیزد و قرائت [:

حمد و سوره] آن را نخواند که پاداش برخاستن را به او می دهم ولی پاداش عابدان را نه.

ای احمد! آیا می دانی چه زمانی بنده ای عابد می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

قالَ: إذا اجتَمَعَ فِيهِ سَبعُ خِصالٍ: وَرَعٌ يَحجُزُهُ عَنِ المَحارِمِ، وَصَمتٌ يَكَفُّهُ عَمّا لا يَعنِيهِ، وَخَوفٌ يَزدادُ كُلَّ يومٍ مِنْ بُكائِهِ، وَحَياءٌ يَستَحيِي مِنِّى فى الخَلاءِ، وَأكلُ ما لابُدَّ مِنهُ، وَيُبغِضَ الدُّنيا لِبُغضِى لَها، وَيُحِبَّ الأخيارَ لِحُبِّى إيّاهُم.

يا أحمَدُ! لَيسَ كُلُّ مَنْ قالَ: أُحِبُّ اللّهَ، أحَبَّنى، حَتّى يأخُذَ قُوتاً، وَيَلبَسَ دوناً، وَيَنامَ سُجوداً، وَيُطِيلَ قِياماً، وَيَلزَمَ صَمتاً، وَيَتَوَكَّلَ عَلَيَّ، وَيَبكى كَثيراً، وَيُقِلَّ ضِحكاً، وَيُخالِفَ هَواهُ، وَيَتَّخِذَ المَسجِدَ بَيتاً، وَالعِلمَ صاحِباً، وَالزُّهدَ جَليساً، وَالعُلَماءَ أحِبّاءَ، وَالفُقَراءَ رُفَقاءَ، وَيَطلُبَ رِضاى، وَيَفِرَّ مِنَ العاصِينَ فِراراً، وَيُشغَلَ بِذِكرى اشتِغالاً، وَيُكثِرَ التَّسبيحَ دائِماً، وَيَكونَ بِالوَعدِ صادِقاً، وَبِالعَهدِ وافِياً، وَيَكونَ قَلبُهُ طاهِراً، وَفى الصَّلاةِ زاكِياً، وَفى الفَرائِضِ مُجتَهِداً، وَفيما عِندى من الثوابِ راغباً، وَمِنْ عَذابى راهِباً، وَلِأحِبّائى قَريناً، وَجَلِيساً.

ص:١٣٨

فرمود: هر زمان که در او هفت ویژگی فراهم آید: پارسایی ای که او را از حرام ها مانع شود، و سکوتی که او را از هرزه گویی بازدارد، وخوفی که هر روز به گریه اش بیفزاید، وحیایی که در تنهایی از من شرم کند، وخوردنی که از آن چاره نیست، و دنیا را دشمن بدارد چون من آن را دشمن دارم، ونیکوکاران را دوست بدارد چون من ایشان را دوست دارم.

ای احمد! هر که گوید من خدا را دوست دارم چنان نیست که مرا دوست بدارد، تا این که [از خوردنی ها به اندازهٔ] قوت برگیرد، و [از پوشیدنی ها] کمترین را بپوشد، ودر سجده به خواب رود، و ایستادن به نماز [یا: شب زنده داری] را طولانی کند، و همراه با سکوت باشد، و بر من توکّل کند، و فراوان بگرید، وکم بخندد، وبا هوای [نفس] خود بستیزد، ومسجد را خانهٔ خود کند، وعلم را همدم خود نماید، وزهد را همنشین خود سازد، وعلما را دوستان خود بگیرد، وفقرا را همدمان خود قرار دهد، وخشنودی مرا بطلبد و از گنهکاران، سخت گریزان باشد، وسخت به یاد من پردازد، وپیوسته تسبیح خود را فزونی بخشد، ودر وعده [های] خود راستگو، و به پیمان [های] خود وفادار، ودلش [از کینه ها و رذائل] پاک، و در نماز [از توجّه به غیر خدا] پاکیزه، و در [انجام] واجبات کوشا، و به پاداش های نزد من مشتاق، و از کیفر من بیمناک، وبا دوستان من همدم و همنشین باشد.

ص:۱۳۹

يا أحمَدُ! لَو صَلَّى العَبدُ صَلاةَ أهلِ السَّماءِ وَالأرضِ، وَيَصومُ صِيامَ أهلِ السَّماءِ وَالأرضِ، وَيطوى مِنَ الطَّعامِ مِثلَ المَلائِكَهِ، وَلَبِسَ لِباسَ العارى، ثُمَّ أرى فى قَلبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنيا ذَرَّهً، أو سَعَتِها(١) ، أو رِئاسَتِها، أو حِلِيِّها، أو زِينَتِها، لا يُجاوِرُنى فى دارى، وَلَأنزَعَنَّ مِنْ قَلبِهِ مَحَبَّتى، وَعَلَيكَ سَلامى وَرَحمَتى(٢). وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ.

١- (١)) - «أو سُمعتها» الإرشاد والجواهر السنيه..

٢- (٢)) البحار ج ٧٧ ص ٢١ ح ۶ عن إرشاد القلوب للديلمى ص ١٩٩ مرسلًا، عنه الجواهر السنيه فى الأحاديث القدسيه ص ١٩١، والبحار ج ٧٧ ص ٢١ ح ۶، وفى مستدرك الوسائل ج ١١ ص ٣٠٣ ح ٣، وج ١٢ ص ٢٣٧ ح ٢ قطعه..

ای احمـد! اگر بنـده ای نمـاز أهـل آسـمان و زمین را بجا آورد، وروزه اهل آسـمان و زمین را بگیرد، واز خوردنی ها همچون فرشـتگان روبرتابـد، ولبـاس برهنگـان پوشـد، سـپس در دل او ذرّه ای از محبّت دنیـا، یـا تـوانگری(۱) دنیـا، یـا ریـاست دنیا، یا زیورآلات دنیا، و یا زرق و برق دنیا ببینم، او را در پناه خود نمی گیرم، ومحبّتم را از دل او بر می کَنَم. و سلام و رحمت من بر تود باد. والحمد للّه ربّ العالمین.

۱- (۱)) - «آوازه و شهرت» بنا بر نسخهٔ ارشاد و جواهر..

فهرست منابع

۱ - اربعین علامه مجلسی

۲ - إرشادالقلوب دیلمی

۳ - امالی شیخ صدوق

۴ - بحار الانوار

۵ - تحف العقول

۶ - تفسیر الصافی

۷ - تفسیر نور الثقلین

۸ - الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه

۹ - روضه کافی

۱۰ - مرآه العقول

۱۱ - مستدرک الوسائل

ص:۱۴۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹